

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درآمدی بر دین، فرهنگ و سیاست در جنوب شرق آسیا

تهیه و تنظیم:

سید محمدحسن خادمی

حوزه جنوب شرق آسیا

۱۴۰۲

فهرست مطالب

پیشگفتار	۷
فصل ۱	۸
دین، فرهنگ و سیاست در اندونزی	۸
گفتار اول	۹
واکاوی هویتی احزاب و جریانات اسلامی در اندونزی	۹
مقدمه	۹
بافت قومیتی مسلمانان اندونزی	۱۰
بافت مذهبی مردم اندونزی	۱۱
احزاب و جریانات اسلام‌گرایی افراطی در اندونزی	۱۹
ظهور فرقه‌های جدید همچون احمدیه در بین جریانات دینی اندونزی	۲۵
نتیجه‌گیری	۲۶
گفتار دوم	۲۸
نمادهای ملی در فرهنگ و سیاست اندونزی	۲۸
مقدمه	۲۸
جزایر اصل اندونزی	۲۸
الف: نمادهای ملی	۲۹
ب: مناسبت ها	۳۱
ج: اماکن تاریخی و دیدنی	۳۳
منابع	۳۹

گفتار سوم.....	۴۱
احزاب حاکم در اندونزی.....	۴۱
سیاست در اندونزی:.....	۴۱
احزاب مهم:.....	۴۱
احزاب اسلامی و تحولات جدید.....	۴۶
جمع‌بندی.....	۵۲
گفتار چهارم.....	۵۴
مقدمه‌ای بر ساختار نظام سیاسی در کشور اندونزی.....	۵۴
مقدمه و کلیاتی درباره جغرافیا، زبان، مردم اندونزی.....	۵۴
اقتصاد و سیاست.....	۵۴
نحوه تقسیم اختیارات میان دولت مرکزی و استانها، و تفویض قدرت به دولتهای محلی.....	۵۶
اقوام، زبانها، مذاهب.....	۵۷
گفتار پنجم.....	۵۹
مقدمه.....	۵۹
احزاب مهم اندونزی.....	۶۰
احزاب اپوزیسیون.....	۶۰
جمع بندی و نتیجه گیری.....	۶۲
منابع و ماخذ.....	۶۳
فصل ۲.....	۶۴
دین، فرهنگ و سیاست در مالزی.....	۶۴

گفتار اول.....	۶۵
ساختار سیاسی مالزی ؛ قرائت خاص اسلامی جهت ایجاد همسازی اجتماعی.....	۶۵
مقدمه.....	۶۵
پیشینه تحقیق.....	۶۶
مالزی در یک نگاه.....	۶۸
پیشینه تاریخی و روند شکل گیری مالزی.....	۷۰
بنیاد سیاست های قومی در مالزی بر اساس سازگاری اسلام با پلورالیسم سیاسی.....	۸۲
نتیجه گیری.....	۸۹
منابع.....	۹۱
گفتار دوم.....	۹۵
مقدمه.....	۹۵
ساختار سیاسی.....	۹۵
احزاب در مالزی.....	۹۷
جمع بندی.....	۹۸
گفتار سوم.....	۹۹
احزاب و جریانات اسلامی در مالزی.....	۹۹
مقدمه.....	۹۹
جنبش دعوت.....	۹۹
گروه دارالارقم.....	۱۰۰
جنبش جوانان مسلمان مالزی.....	۱۰۱

گروه جمهوری اسلامی	۱۰۲
حزب اسلام گرای پاس	۱۰۳
تاثیر انقلاب اسلامی ایران در حزب پاس	۱۰۴
حزب اسلامی پان مالزی:.....	۱۰۵
شیعیان در مالزی	۱۰۵
جریان وهابیت و سلفی گری	۱۱۱
نتیجه گیری	۱۱۱
منابع	۱۱۲
گفتار چهارم	۱۱۳
نمادهای ملی در فرهنگ و سیاست مالزی	۱۱۳
مقدمه	۱۱۳
زبان رسمی	۱۱۳
ادیان و مذاهب مختلف:	۱۱۳
جشن های ملی و تعطیلات رسمی:	۱۱۴
واحد پول :	۱۱۴
وضعیت جغرافیایی	۱۱۴
وضعیت فرهنگی و اجتماعی	۱۱۵
جشنهای مذهبی	۱۱۶
شهر تاریخی مالاکا (Malacca city)	۱۱۷
معبد چنگ هون تنگ	۱۱۸

۱۱۹	مراکز مهم آموزشی و اسلامی
۱۲۰	مساجد مهم
۱۲۱	منابع
۱۲۲	گفتار پنجم
۱۲۲	نمادهای فرهنگی مذهبی و تاریخی کشور مالزی
۱۲۲	مقدمه
۱۲۲	الف -جاذبه های مذهبی و دیدنی مالزی:
۱۲۵	ب-جاهای دیدنی مالزی به لحاظ جاذبه های طبیعی:
۱۲۶	ج- جاهای دیدنی مالزی به لحاظ فرهنگی هنری:
۱۲۸	د- مراسم مذهبی و فرهنگی مردم مالزی :
۱۳۰	جمع بندی
۱۳۲	گفتار ششم
۱۳۲	نکاتی کاربردی در مورد مالزی
۱۳۲	بافت جمعیتی
۱۳۵	شیعیان مالزی
۱۳۷	گفتار هفتم
۱۳۷	وضعیت زنان در کشور مالزی
۱۴۱	منابع

پیشگفتار

کشورهای اندونزی و مالزی بیشترین درصد جمعیتی مسلمانان جهان با حدود چهارصد میلیون نفر مسلمان را در خود جای داده اند، مسلمانانی که اسلام را نه در تاریخ خود، بلکه از ماورای مرزهای خود دریافت کرده و هویت خود را بر اساس آن تعریف کرده اند. هویت اسلامی در اندونزی و مالزی تا چند دهه گذشته هم وزن و یا پایین تر از سایر مؤلفه های هویتی همچون ملیت و زبان و قومیت در این کشور و عمدتاً مشتمل بر قرائتی سطحی و میانه رو از اسلام بود درحالی که در حال حاضر، در نتیجه ی فرایند جهانی شدن و افزایش ارتباطات و اطلاعات جهانی، مرزهای فرهنگ ملی تصور شده در این دو کشور از هر زمان دیگری قابل نفوذتر شده است و مسلمانان این کشورها، با افزایش آگاهی نسبت به اسلام و جایگاه دین در ساخت هویت، به این نتیجه رسیده اند که قبل از آنکه اندونزیایی یا مالزیایی باشند، مسلمان اند. لذا در حال ساخت هویت جدید بر اساس تقدم هویت دینی بر هویت ملی هستند. شکل گیری هویت های جدید اسلامی از یک طرف تحت تأثیر عوامل عینی مانند جهانی شدن، استعمار غربی، افول فکری دیکتاتوری ها و سکولاریسم شتاب زده در جوامع اسلامی است، و از طرف دیگر، تحت تأثیر عوامل ذهنی و فکری مانند انتقال اطلاعات و گسترش آموزه ها و دستورات شرعی در مورد مبارزه با ظلم، شرک، کفر و کوشش برای تشکیل جامعه ای بر مبنای اندیشه ها و ارزش های دینی است. لذا در تلاطم ساخت هویت های جدید، اندیشه های متفکرین معاصر اسلامی برای اکثر مسلمانان این کشورها، بر متفکرین غربی ترجیح دارد و همین امر بر دین، فرهنگ و سیاست دو کشور اندونزی و مالزی تأثیر گذاشته است.

این مجموعه حاصل پژوهشهای کارشناسان حوزه جنوب شرق آسیا است و دربردارنده اطلاعات به روز و جامعی حول دین، فرهنگ و سیاست در دو کشور اندونزی و مالزی است. نگارندگان این مجموعه، با عنایت به مطالعات میدانی خود در این حوزه و آشنایی با زبان و فرهنگ مسلمانان جنوب شرق آسیا وضعیت دینی، سیاسی و فرهنگی مسلمانان در این حوزه را بررسی می کنند.

فصل ۱

دین، فرهنگ و سیاست در اندونزی

برای بررسی دین، فرهنگ و سیاست مسلمانان در اندونزی، لازم است نگاهی به تقسیم‌بندی‌های مختلف هویتی در این کشور انداخته شود. بیش از ۶۰۰ گروه قومی شناخته شده در اندونزی وجود دارد که بزرگ‌ترین گروه قومی اندونزی جاوهای^۱ هستند که حدود چهل درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند. جاوهای‌ها در جزیره جاوا متمرکز شده‌اند اما میلیون‌ها نفر به جزایر دیگر در سراسر مجمع‌الجزایر مهاجرت کرده‌اند. بعد از هویت جاوهای قومیت‌های سوندا^۲، باتاک^۳، مادورس^۴، مینانگ کابائو^۵ و بوگیایی^۶ بزرگ‌ترین گروه‌های قومیتی این کشور هستند.

نقطه تمرکز این پژوهش‌ها دوران بعد از استقلال اندونزی و نقطه تمرکز ثانویه دوران پسا سوهارتو است اما چون برخی زمینه‌های فرهنگی و سیاسی مسلمانان اندونزی ریشه در تاریخ ورود اسلام به این کشور دارد به‌نحوی که تأثیر در نوع هویت دینی مسلمانان این کشور گذاشته است برای بررسی مسائل فرهنگی و سیاسی مسلمانان اندونزی لازم است برخی زمینه‌های تاریخی دوران قبل از استقلال هم مطالعه و بررسی شوند.

^۱ Javanese

^۲ Sundanese

^۳ Batak

^۴ Madurese

^۵ Minangkabau

^۶ Buginese

گفتار اول

واکاوی هویتی احزاب و جریانات اسلامی در اندونزی

سید محمد حسن خادمی

مقدمه

تحولات دینی و سیاسی در اندونزی که از سال ۱۹۹۸ و پس از سقوط سوهارتو آغاز شد، راه را برای یک فضای سیاسی باز و تشکیل سیستم دموکراتیک و باز کرد. این تغییرات در فضای سیاسی، به چالش‌های هویتی هم در این کشور دامن زد چراکه با گسترده شدن فعالیت گروه‌های مذهبی و احزاب اسلام‌گرا، مسلمانان این کشور در صدد بازتعریف هویت دینی خود و حتی اعمال نفوذ دین در سیاست و حکومت شدند.

مشاهدات میدانی نگارنده در طول چند سفر حج و همچنین یافته‌های پژوهش‌های مرتبط با مسلمانان جنوب شرق آسیا نشان می‌دهند که جریان‌های مذهبی و احزاب سیاسی اندونزی در واقع نمایانگر هویت عمومی و فرهنگ سیاسی مردم این کشور بوده‌اند. این موضوع که احزابی مانند PNI^۷ و PKI^۸ به عنوان نماینده احزاب سکولار در اقلیت قرار گرفته^۹ و سایر احزاب سیاسی مسلمان یا وابسته به سازمان‌های اسلامی مانند نهضت العلماء نقش بسیار پررنگ و تأثیرگذاری در حکومت و انتخابات اندونزی داشته‌اند نشان‌دهنده این حقیقت است که در جریانات اسلامی در اندونزی در دوران اصلاحات و فضای باز سیاسی از مؤلفه تأثیرگذار در حوزه سیاسی و اجتماعی این کشور بوده‌اند.

^۷ Indonesian Nationalist Party

^۸ Indonesian Communist Party

^۹ Ananta, Aris, Arifin, Evi Nurvidya, Suryadinata, Leo. Emerging Democracy in Indonesia. Singapore: ISEAS; ۲۰۰۵. P. ۲۱

بافت قومیتی مسلمانان اندونزی

تکثر قومیتی یکی از شاخصه‌های بافت جمعیتی کشور اندونزی است که گاه با گرایش‌های ناسیونالیسم قومی نیز همراه می‌شود. این تفاوت‌های قومیتی حتی در بین حجاج این کشور هم مشهود و قابل تمایز است. عدم وجود یک هویت مشترک و فرا قومیتی جهت مدیریت این تکثر قومیتی می‌تواند چالش‌های جدی را برای این کشور به وجود بیاورد، چراکه اندونزی پتانسیل لازم برای مناقشات فرقه‌ای را داراست و ظهور هویت‌های جدید را داراست. این مسئله بیش از هر چیز در ابتدا وحدت و امنیت داخلی کشور اندونزی را ممکن تهدید کند و در درجه دوم در صورت سوءاستفاده جریان‌های نوظهور انحرافی در بین قومیت‌های مسلمان این کشور، می‌تواند تهدیدی برای کل جهان اسلام باشد.

در اندونزی ۶۳۳ گروه قومی شناخته شده وجود دارد.^{۱۰} ریشه اکثریت قریب به اتفاق مردم اندونزی متعلق به مردمان آسترونزیایی است. بر اساس طبقه‌بندی قومی، بزرگ‌ترین گروه قومی اندونزی جاوایی‌ها هستند که حدود چهل درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند. جاوه‌ای‌ها در جزیره جاوا متمرکز شده‌اند اما میلیون‌ها نفر به جزایر دیگر در سراسر مجمع‌الجزایر مهاجرت کرده‌اند. بعد از هویت جاوه‌ای قومیت‌های سوندا^{۱۱}، باتاک^{۱۲}، مادورس^{۱۳}، مینانگ کابائو^{۱۴} و بوگیایی^{۱۵} بزرگ‌ترین گروه‌های قومیتی این کشور هستند.

^{۱۰} Mengulik Data Suku di Indonesia, retrieved from: <https://www.bps.go.id/news/2015/11/18/127/mengulik-data-suku-di-indonesia.html>, ۷ diciembre ۲۰۱۹

^{۱۱} Sundanese

^{۱۲} Batak

^{۱۳} Madurese

^{۱۴} Minangkabau

^{۱۵} Buginese

بر اساس شواهد تاریخی تاجران مسلمان و مهاجرین عرب و ایرانی اسلام را در مجمع‌الجزایر اندونزی گسترش دادند و بسیاری از آن‌ها در قومیت‌های محلی مانند بتاوی، مالایی، جاوه و سوندا ادغام شده و هویت آن‌ها را تغییر داده‌اند. با این حال، علیرغم این ادغام هویتی، هنوز اقوامی در اندونزی وجود دارند که فرهنگ، هویت و پیوندهای آن‌ها با ریشه‌های عربی خود را حفظ کرده‌اند. این اقوام را می‌توان در بافت جمعیتی پالمبانگ، باندا آچه، پادانگ، جاکارتا، سورابایا، و بسیاری از شهرهای دیگر اندونزی یافت.

آنچه این اقوام پراکنده و گاه متفاوت را به صورت ملّتی یکپارچه درمی‌آورد و هویتی متفاوت از هویت قومی اقوام را تشکیل می‌دهد، پیوندهایی عمومی است که مولد نوعی همبستگی در بین آن‌هاست. این پیوندها سبب پدیدار شدن هویتی متفاوت از سطح قومی می‌شود، که لازمه یا مولد همبستگی در سطح کلان‌تر است. در نتیجه شکل‌گیری هر چه بیشتر این هویت، همبستگی پدیدار می‌شود. اگر عامل این همبستگی ملیت و ملی‌گرایی باشد، چنین هویتی را «هویت ملّی» و چنانچه عامل همبستگی اسلام باشد، هویت مشترک را «هویت دینی» می‌نامند.

بافت مذهبی مردم اندونزی

اگرچه در طول سفر حج صرفاً با شهروندان مسلمان اندونزی برخورد می‌کنیم، اما در اندونزی شش دین اسلام، پروتستانیسیم، کاتولیک، هندوئیسم، بودیسم و کنفوسیوسیسیم به عنوان ادیان رسمی این کشور به رسمیت شناخته می‌شوند. اسلام رایج‌ترین دین در اندونزی است و در قرن بیستم نقش عمده‌ای در جنبش استقلال داشت. بودیسم و هندوئیسم از هند وارد شدند و کنفوسیوسیسیم از اوایل قرن دوم میلادی از چین آمد. در دوران استعمار پرتغالی‌ها و بعداً هلندی‌ها از طریق اروپا، مسیحیت را به اندونزی آوردند.

مذاهب در اندونزی به جای آنکه در سطح ملی توسعه یابد، به صورت جزیره‌ای و منطقه‌ای گسترش یافته‌اند. این به این دلیل است که اندونزی تا سال ۱۹۴۹ یک اندیشه و آرمان یکپارچه و مستقل نداشته است. مناطق این کشور از جمله جاوا، سوماترا، بالی، لمبوک و غیره، همگی دارای تاریخ‌های مذهبی مشابه اما متمایز هستند. شعار ملی اندونزی، «وحدت در عین تنوع»، بازتاب تفاوت‌های دین و فرهنگ در نقاط مختلف این کشور است.

اندونزی بزرگ‌ترین جمعیت مسلمان جهان را در خود جای داده است و بیش از ۸۷ درصد آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند.^{۱۶} بعد از اسلام اقلیت مسیحی پروتستان قرار می‌گیرد که تقریباً دو برابر کاتولیک‌ها در این کشور است. در جزیره بالی هم هنوز نوعی از هندوئیسم توسط اقوام این منطقه پیروی می‌شود.

بر اساس آمارهای رسمی در دهه‌های گذشته، از سال ۱۹۷۰ تاکنون در صد پیروان ادیان در این کشور تقریباً ثابت و یا دارای تغییرات اندکی بوده است. جدول زیر تغییرات جمعیت ادیان مختلف در اندونزی از سال ۱۹۹۰ تاکنون را نشان می‌دهد.^{۱۷}

	۱۹۹۰		۲۰۰۰		۲۰۰۵		۲۰۱۰	
	جمعیت	درصد	جمعیت	درصد	جمعیت	درصد	جمعیت	درصد
مسلمان	۱۵۶,۳۲	%۸۷,۲۱	۱۷۷,۵۳	%۸۸,۲۲	۱۸۹,۰۱	%۸۸,۵۸	۱۸۰,۲۰۷	%۸۷,۱۸
پروتستان	۱۰,۸۲	%۶,۰۴	۱۱,۸۲	%۵,۸۷	۱۲,۳۶	%۵,۷۹	۱۶,۵۳	%۶,۹۶
کاتولیک	۶,۴۱	%۳,۵۸	۶,۱۳	%۳,۰۵	۶,۵۶	%۳,۰۷	۶,۹۱	%۲,۹۱
هندو	۳,۲۹	%۱,۸۳	۳,۶۵	%۱,۸۱	۳,۷۰	%۱,۷۳	۴,۰۱	%۱,۶۹

داده‌های دین در سرشماری اندونزی بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰^{۱۸}

^{۱۶} Frederick, William H.; Worden, Robert L., eds. Indonesia: A Country Study (۶th ed.). Washington, DC: Library of Congress, Federal Research Division, ۲۰۱۱, Chapter Islam

^{۱۷} Suryadinata, Leo; Arifin, Evi Nurvidya; Ananta, Aris. Indonesia's population: ethnicity and religion in a changing political landscape. Indonesia's population. Singapore: Institute of Southeast Asian Studies, ۲۰۰۳, pp. ۱۰۳-۱۰۴.

^{۱۸} "Penduduk Menurut Wilayah dan Agama yang Dianut" Population by Region and Religion (in Indonesian).

Jakarta, Indonesia: Badan Pusat Statistik. ۱۵ May ۲۰۱۰. Retrieved from:

<https://sp۲۰۱۰.bps.go.id/index.php/site/tabel?tid=۳۲۱&wid=۰>, accessed ۱۰ dec ۲۰۱۹

جاوه‌ای‌ها عمدتاً مسلمان هستند، گرچه اقلیتی از کاتولیک یا پروتستان نیز در جاوه وجود دارد. می‌توان گفت اسلام جاوه‌ای، آمیزه‌ای از اسلام و عقاید قبلی هندوها و اقوام بومی این منطقه است. روابط مسلمانان و مسیحیان از زمان استعمار بسیار پرتنش بوده است و از دهه ۱۹۷۰ مناطقی همچون آمبون (پایتخت استان مالاکو)، سایر جزایر مالوکو سولاوسی شاهد تنش‌ها و خشونت‌های گسترده‌ای بین مسلمانان و مسیحیان بوده‌اند. بسیاری از این تنش‌ها حاصل جریان‌های نوظهور در بین مسلمانان اندونزی و برخاسته از هویت اسلامی افراط‌گرا بوده‌اند.

در اندونزی به‌صورت سنتی مسلمانان از روحیه همزیستی و تحمل بالایی با سایر ادیان برخوردار بوده‌اند. مسلمانان و مسیحیان اگرچه مناسک، اماکن مقدس و تعطیلات خاص خود را دنبال می‌کنند اما در برخی مناطق این آیین‌ها را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند. اما در طول چند دهه‌ی گذشته، حرکات و فعالیت‌هایی در این کشور به چشم می‌خورد که حاکی از افراط‌گرایی و عدم تحمل و کثرت‌گرایی در بین برخی مسلمانان اندونزی است. این مسئله خود بیانگر تغییر هویت اسلامی این گروه‌های مسلمان می‌باشد.

اگرچه ناسیونالیسم و قومیت از عناصر مهم و مؤثر در تعیین‌کنندگی هویت افراد و جوامع انسانی بوده است، اما نقش مذهب در طول تاریخ بشر معمولاً مهم‌تر و پررنگ‌تر از نقش مواردی چون ناسیونالیسم، قومیت‌گرایی بوده و سنت‌های مذهبی بخش مهمی از فرهنگ و نهایتاً هویت یک ملت را تشکیل داده است، به‌گونه‌ای که در بسیاری از موارد عنصر دین و مذهب تعیین‌کننده خودی در برابر دیگری و یا دوست در برابر دشمن و به‌عبارت‌دیگر تعیین‌کننده هویت افراد و جوامع انسانی بوده است. کم‌رنگ شدن مرزهای حاکمیتی دولت ملت به عنوان عامل هویت در دهه‌های اخیر نیز، ازجمله دلایلی است که به ارتقای جایگاه دین به عنوان منبع هویتی منجر گردیده است و عناصر دین و مذهب در راستای پر کردن این خلاء هویتی به کار رفته است. البته در برخی موارد پیوند ملت‌گرایی با دین و آئینی خاص، شکل‌دهنده به ناسیونالیسم دینی شده که به

عنوان نیروی محرکه مهمی در تحولات جهانی عمل نموده است، به گونه‌ای که به تدریج ناسیونالیسم ملی جای خود را به نوعی ناسیونالیسم دینی داده است.^{۱۹}

اسلام در اندونزی

اسلام در اندونزی مذهبی است که بیشتر پیرو (یعنی تقریباً ۲۲۵ میلیون نفر) را به خود اختصاص داده است. از میان این تعداد، حدود ۹۹ درصد اهل سنت و حدود یک درصد شیعه هستند. البته آماری که برای شیعه توسط منابع رسمی و غیر رسمی ارائه می‌شود بین یک میلیون تا پنج میلیون نفر متغیر است. همچنین فرقه نوظهور احمدیه تاکنون توانسته است حدود ۴۰۰ هزار مسلمان این کشور را به خود جذب کند.^{۲۰}

گسترش اندیشه اسلامی در اندونزی را می‌توان به‌طور کلی به دو گرایش طبقه‌بندی کرد، اندیشه اسلامی مدرن و اندیشه اسلامی سنت‌گرایی. اسلام در اندونزی از قرن سیزدهم میلادی به تدریج از طریق بازرگانان مسلمان و مهاجرین عرب، و همچنین تأثیر مذهب و عرفان اسلامی بر حاکمان محلی گسترش یافته است. این دین توانست در اواخر دوره استعمار به عنوان پرچم‌دار علیه استعمار خود را در اندونزی مطرح کند. امروزه اگرچه اکثریت قریب به اتفاق بافت جمعیتی اندونزی را مسلمانان در اختیار دارد، از نظر قانون اساسی این یک کشور اسلامی نیست، بلکه یک کشور سکولار است.

اسلام اندونزی با اسلام ایران یا عربستان سعودی متفاوت است. اسلام حکومتی و حداکثری هنوز بین قاطبه مسلمانان عادی اندونزی مقبولیت ندارد. مسلمانان سنتی اندونزی به جای اتخاذ «الدین و الدوله» برای سیستم سیاسی خود، ترجیح می‌دهند که سیستم سیاسی بر مبنای پانچاسیلا داشته باشند. اسلام سنتی اندونزی به‌طور نسبتاً مسالمت‌آمیز با دموکراسی و تمدن جدید سازگار شده است.^{۲۱}

^{۱۹} سلیمی، حسین و دیگران، سلیمی، حسین و دیگران، دیباچه‌ای بر نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری دین در ساختار نظام بین‌الملل از منظر رویکرد سازه‌انگاری، فصلنامه مطالعات سیاسی، ۲۰، (۱۳۹۲)، ص ۱۴

^{۲۰} "International Religious Freedom Report ۲۰۰۸". US Department of State. Retrieved from <https://۲۰۰۹-۲۰۱۷.state.gov/j/drl/rls/irf/۲۰۰۸/۱۰۸۴۰۷.htm>, ۹ diciembre ۲۰۱۹

^{۲۱} Hasyim, Syafiq, State and Religion: Considering indonesian islam as model of democratization for the muslim World, Friedrich-Naumann-Stiftung für die Freiheit, Berlin, ۲۰۱۳, p. ۱۳

در مورد ورود اسلام به اندونزی، اما بیشتر مورخان معتقد هستند که ورود اسلام به این مجمع‌الجزایر روندی صلح‌آمیز داشته است. این بدان معناست که بین مهاجرین مسلمان و مبلغان اسلام از خاورمیانه، هند و ایران و ساکنان محلی مجمع‌الجزایر که قبلاً دین و اعتقادات بومی داشته‌اند، هیچ جنگ و تنش قابل توجهی به وجود نیامده است.

عده‌ای تاریخ نفوذ اسلام را در این سرزمین سال ۴۹۴ هجری قمری مطابق با ۱۱۰۰ میلادی می‌دانند. پس از آنکه اسلام در سواحل سوماترا تا کالیمانتان و جاوه گسترش یافت و در زمان دولت امپراطوری ماچاپاهیت، اسلام در نقاط مختلف اندونزی با سرعت بیشتری توسعه پیدا کرد. با تسلط کامل اسلام بر جاوه، بقایای امپراطوری ماچاپاهیت که جزء طبقه ممتاز هندو بودند همراه با پیشوایان مذهبی به جزایر بالی و لومبوک در شرق جاوه پناهنده شدند ولی طولی نکشید که نیمه شرقی جزیره لومبوک هم از طریق شهر ماکاسا در جنوب سولاوسی به دست مسلمانان افتاد. تاجران هندی، عرب و ایرانی با فرا گرفتن آداب و رسوم و عرف و عادات اندونزیایی‌ها توانستند روابط خود را گسترش داده و تمام عقل و هوش و تمدن اسلامی را در خدمت اشاعه دینشان به کار گیرند.^{۲۲}

اهل سنت

بیشتر مسلمانان جنوب شرق آسیا سنی مذهب‌اند که اغلب آنان از دیدگاه الهیات، جزو مکتب اشاعره هستند.^{۲۳} اهل سنت در اندونزی از لحاظ سازمانی تحت دو گروه عمده نهضت العلما و محمدیه قرار می‌گیرند. نهضت العلما تابع فقه شافعی بوده و بیشترین آمار مسلمانان اهل سنت این کشور را به خود اختصاص داده. این در حالی است که محمدیه رویکردی اصلاحی و اعتراضی داشته و تفاوت‌هایی نیز از نظر فقهی (با گرایشات حنبلی) با نهضت العلما دارد.

^{۲۲} حسینی جبلی، سید میر صالح، جنبش های اسلامی در اندونزی، قم، بوستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی)، ۱۳۹۰، صص ۶۵-۶۶

^{۲۳} حسینی، سید میر صالح؛ در آمدی به منطقه جزایر اندونزی، مجله: پژوهش های منطقه ای « بهار ۱۳۸۸ - شماره ۱ (۲۲ صفحه - از ۹ تا ۳۰)، ص ۱۱

مشاهدات میدانی در سالهای اخیر (۲۰۱۰-۲۰۲۰) در بین حجاج اندونزی نشان میدهد که علیرغم وجود این دو سازمان اسلامی بزرگ در اندونزی، بسیاری از اهل سنت در این کشور هستند که خود را مقید به این سازمانها نکرده و حتی با طفره رفتن از مذهب فقهی خود، مستقلاً خود را اهل سنت و جماعت می‌نامند. البته این موضع‌گیری نسبت به سازمانها و مذاهب فقهی خود یکی از تأثیرات تغییرات هویتی مسلمانان اندونزی و گرایش آنها به سمت سلفی‌گری و جزم‌گرایی است.

اهل سنت در اندونزی در طی دهه‌های اخیر تحت تأثیر دو جریان فقهی و عقیدتی بوده‌اند. بخش عمده آنها متأثر از الازهر و گروه‌هایی نیز از وهابیت عربستان سعودی تأثیر پذیرفته‌اند. اسلام معتدل در ذهن و قلب اکثر مسلمانان اهل سنت اندونزیایی، واقعیتی مطابق با مفهوم «اسلام نوسانتارا» دارد که در سالهای پس از استقلال توسط دولت اندونزی تبلیغ شده است. اسلام نوسانتارا تأکید بر این مفهوم دارد که مسلمانان اندونزی، در عین کثرت و تفاوت مکاتب فقهی و عقیدتی، حول محور هویت اندونزیایی با هم اتحاد دارند. با این وجود در جریان تغییرات هویتی اخیر در بین مسلمانان اندونزی، همین مفهوم اسلام نوسانتارا نیز به وسیله هویت‌های جدید افراط‌گرا به چالش کشیده شده است.

مفهوم اسلام نوسانتارا به یک اعتدال‌گرایی اسلامی اشاره دارد که نه تنها بنیادگرایی، رادیکالیسم بلکه حتی سکولاریسم و لیبرالیسم را نیز رد می‌کند.^{۲۴}

شیع

نقطه عطف گسترش هویت شیعی در اندونزی هم‌زمان با بروز چالش‌های هویتی ناشی از جهانی‌شدن و مصادف است با انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی. البته، مسلمانان اندونزیایی به‌طور کلی، از دهه‌ها سال قبل از آن سنت‌ها و آموزه‌های شیعه را می‌شناختند. با این حال، تا آن زمان، شیعه هرگز بخشی از هویت ظاهری مسلمانان اندونزی را تشکیل نمی‌داد، اگرچه حتی از نظر تاریخی، شیعه در اندونزی از زمان ورود اسلام به این کشور وجود داشته است. این مسئله توسط بسیاری از محققین و مورخین مورد اشاره واقع شده است که

^{۲۴} Schlehe, Judith, The Meanings of Moderate Islam in Indonesia: Alignments and Dealignment of Azharites, Southeast Asian Studies at the University of Freiburg, Freiburg, N° ۳۱ (January ۲۰۱۶), p ۱.

شیعه همراه با ورود اسلام به مجمع‌الجزایر اندونزی وارد شده است، عمدتاً از طریق تجار و مبلغان مذهبی که از ایران، یمن و حجاز به این کشور مهاجرت کرده بودند. این افراد در اندونزی با عنوان «ولی سونگو»^{۲۵} یا «اولیای نه‌گانه» شناخته شده هستند. ولی سونگو مهم‌ترین سهم در تشکیل هویت اسلامی در اندونزی را دارد. حقایق تاریخی نشان می‌دهد که اسلام پس از تبلیغی که توسط مبلغین ولی سونگو انجام گرفت به سرعت رشد کرد و الهام بخش توسعه اسلام نوسانتارا^{۲۶} شد. ایده اسلام نوسانتارا از روح اسلام ولی سونگو ناشی شده و ریشه در تفکرات شیعی، تصوف و اهل سنت شافعی دارد. نکته قابل‌توجه این است که از این نه نفر هفت نفر آن‌ها ایرانی و از علمای کاشان و همدان و سمرقند بوده‌اند.^{۲۷} لکن ظهور اسلام در اندونزی در مقطعی از تاریخ بود که شیعه ناچار به تقیه بوده و لذا هویت اسلام نوسانتارا در اندونزی تحت عنوان اهل سنت و جماعت و در قالب مذهب شافعی گسترش یافت.

اسلام شیعه از بعد تاریخی مدت زیادی است که در اندونزی حضور داشته است اما در سال‌های اخیر تمایل به احیای اسلام شیعه در اندونزی خصوصاً از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد و تحت تأثیر انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ که همه جهان اسلام را در برگرفت، ایجاد شد. اگرچه قبل از آن نیز جوامع دیگری از شیعیان در باندونگ و سورابایا ساکن بوده‌اند. با توجه به این که اندونزی کشوری است که بیشترین تعداد مسلمانان را در جهان دارد و نیز گستره فرصت‌هایی که شیعیان خود را تحت نظر نظام سیاسی حاضر، ساماندهی کنند، تعداد شیعیان این کشور در مقایسه با بعضی دیگر از کشورهای منطقه احتمالاً بالاتر خواهد بود. آمار رسمی وجود ندارد، اما نشریه اینترنتی آسیا تایمز هنگ کنگ، مقاله‌ای در خصوص آیت الله سیستانی در ۳۱ اوت ۲۰۰۵ منتشر کرد و طی آن تعداد شیعیان جنوب شرق آسیا را ۳ تا ۴ میلیون نفر دانست. اگرچه این آمارها تا حدودی اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد و نمی‌توان در مورد شمار دقیق پیروان شیعه، تحلیل خاصی ارائه داد، اما به نظر می‌رسد که وزارت خارجه آمریکا به نحوی این آمار را تأیید کرده است، چراکه در گزارش سالانه مربوط به آزادی مذهبی طی سال ۲۰۰۵ اعلام کرده است که «بین یک تا سه میلیون پیرو شیعه در این کشور

^{۲۵} Wali Songo

^{۲۶} Islam Nusantara

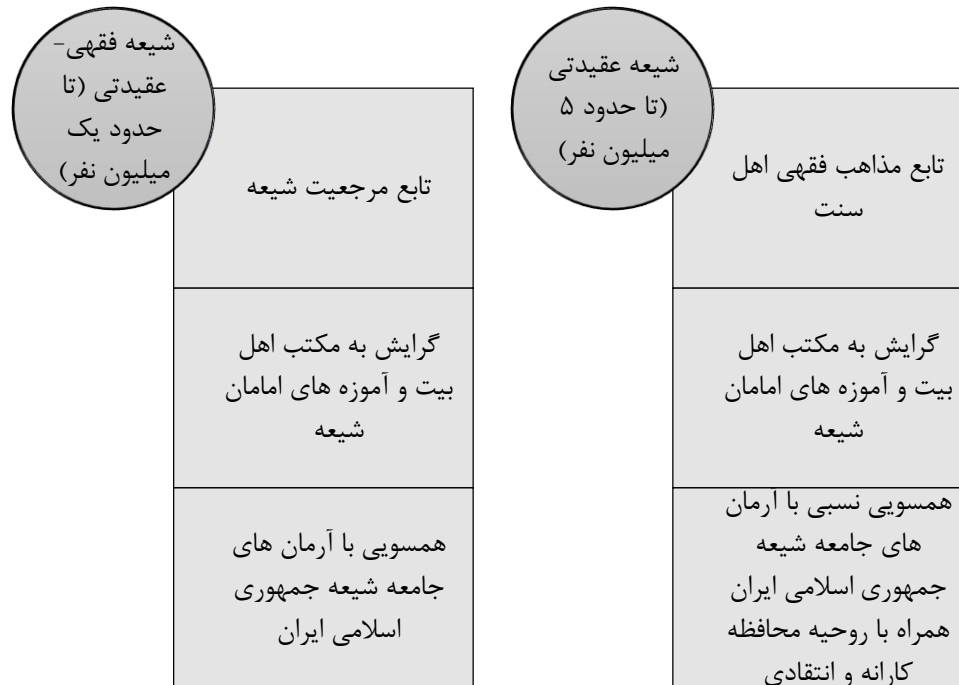
^{۲۷} Fournié, Pierre, Rediscovering the Walisongo, Indonesia: A potential new destination for international pilgrimage, International Journal of Religious Tourism and Pilgrimage: Vol. ۷: Iss. ۴, Article ۱۰. P ۷۸-۸۰

ساکن‌اند». این مسائل باعث می‌شود تا اندونزی به عنوان کشوری که در منطقه بیشترین تعداد شیعیان در آن ساکن‌اند، مطرح باشد. این مطلب مخصوصاً با توجه به مشکلاتی که شیعیان در کشور مالزی با آن‌ها روبه‌رو هستند و نیز تعداد نسبتاً اندک آنان در سایر کشورهای منطقه، واقعی‌تر جلوه می‌نماید. اگرچه هیچ آمار خاصی وجود ندارد، اما می‌توان پیش‌بینی کرد که روند دمکراتیزه شدن اندونزی پس از دوره سوهارتو، می‌تواند مهم‌ترین دلیل تعداد نسبتاً زیاد شیعیان در آن کشور باشد.^{۲۸}

در منابع رسمی و غیر رسمی نسبت به جمعیت شیعیان در اندونزی آمار مختلفی داده می‌شود، و اختلاف در بعضی از آن‌ها به بیش از ده برابر می‌رسد. یعنی جمعیت شیعه در این کشور بین ۵۰۰ هزار نفر تا ۵ میلیون نفر ذکر شده است. از دیدگاه نگارنده، همه این آمارها قابل قبول و قابلیت توجیه دارد چراکه برخی جوامع شیعه در اندونزی، از روی تقیه یا سایر ملاحظات ترجیح می‌دهند خود را به جای شیعه، اهل سنت پیرو مکتب اهل بیت (ع) معرفی کنند.

جریانات اسلامی شیعه در اندونزی دارای دو سطح عقیدتی و فقهی-عقیدتی است.

^{۲۸} مارکینوسکی، کریستوف، جلوه های اسلام شیعی در جنوب شرق آسیا (اول): تایلند و اندونزی، پژوهش های منطقه ای، جامعه المصطفی، بهار ۱۳۸۸ - شماره ۱ (۱۴ صفحه - از ۱۰۵ تا ۱۱۸)، صص ۱۱۳-۱۱۴



تفاوت دو نوع جریان اسلامی شيعه در اندونزی

البته، این نکته را می‌بایست در نظر گرفت که هویت شيعه در اندونزی به دو دسته تقسیم می‌شوند: شيعه سیاسی و شيعه فرهنگی. شيعه فرهنگی هویت سطحی و ظاهری شيعه است که به نحوی با هویت پیشین مسلمانان اندونزی سازگاری یافته است. به عنوان مثال، درصد قابل توجهی از شيعیان اندونزی تشیع را صرفاً مکتبی روشنفکرانه در پیروی از اخلاق و آموزه‌های ائمه (ع) می‌دانند و درعین حال در حوزه فقهی هنوز تابع یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت (شافعی) هستند. اما شيعه سیاسی دارای هویتی عمیق‌تر و متباین با هویت‌های سطحی اسلامی در اندونزی است تا حدی که اسلام را در هسته مفصل‌بندی‌های خود برای تشکیل حکومت قرار می‌دهد.

احزاب و جریانات اسلام‌گرایی افراطی در اندونزی

سابقه اسلام‌گرایی افراطی در اندونزی به اوایل قرن نوزدهم برمی‌گردد، زمانی که جنبش پادری^{۲۹} در غرب سوماترا پیا خاست. رهبران این جنبش سه تن از مسلمانان منطقه بودند که در سال ۱۸۰۳ به منظور سفر حج به عربستان رفته بودند. در آن زمان مکه و مدینه تحت اشراف وهابیون بود. این سه نفر که تحت تأثیر گفتمان وهابیت قرار گرفته بودند پس از بازگشت از حج تلاش کردند تا با تقلید از وهابیت، اسلام را در سوماترا احیا کنند. درگیری بین جنبش پادری و حکومت محلی که در آن زمان دست‌نشانده استعمار هلند بود بالا گرفت و سرانجام حکومت محلی سقوط کرد. اسلام‌گرایان پادری از دولت هلند خواستند که حکومت را به آن‌ها واگذار کند اما نهایتاً از ارتش هلند شکست خوردند و در سال ۱۹۳۸ به کلی قلع و قمع شدند.

در اوایل قرن بیستم دو سازمان اسلام‌گرا در اندونزی به وجود آمدند که به نحوی افراطی بودند، جماعت الارشاد^{۳۰} و اسلام‌گرایان پرسیس^{۳۱}. جماعت الارشاد به وسیله یک مبلغ سودانی در سال ۱۹۱۵ پایه‌گذاری شد. هدف اصلی آن‌ها اصلاح احکام عملیه اسلام با رجوع مستقیم به قرآن و حدیث بود. البته این جماعت از حقوق عرب تبارهای ساکن اندونزی نیز دفاع می‌کرد. این گروه مدارس متعددی در جاوه، سورابایا و مالانگ^{۳۲} تأسیس کردند.

جنبش پرسیس (وحدت اسلامی) در سال ۱۹۲۳ به وسیله گروهی از بازرگانان باندونگ^{۳۳} تأسیس شد. یکسال بعد یک سنگاپوری تبار به نام تامیل آ حسن^{۳۴} به آن‌ها ملحق شد و این گروه را به افراطی‌ترین سازمان اسلام‌گرا در آن زمان تبدیل کرد. او فردی سلفی مسلک بود که شرایع موجود را مملو از بدعت و خرافه می‌دانست و شدیداً با آن‌ها به مخالفت می‌پرداخت. تامیل حسن مخالف ملی‌گرایی بود و عقیده داشت که همه مسلمانان باید

^{۲۹} Padri movement

^{۳۰} Jam'iyat al-Islah wa al-Irshad

^{۳۱} Persatuan Islam

^{۳۲} Java, Surabaya and Malang

^{۳۳} Bandung

^{۳۴} Tamil A. Hasan

تحت یک دولت واحد یعنی همان امارت اسلامی قرار بگیرند. وی مدرسه‌ای در جاوه شرقی تأسیس کرد که جعفر عمر طالب فرمانده لشکر جهاد^{۳۵} به مدت دو سال در آنجا آموزش می‌دید.

بعد از استقلال اندونزی از استعمار هلند، یک روحانی اهل جاوه به نام کارتوسویریو^{۳۶} در سال ۱۹۴۹ جنبش جدیدی را به نام (کشور اسلامی اندونزی)^{۳۷} پایه‌گذاری کرد که بعدها به نام جنبش (دار الاسلام) معروف شد. این جنبش که از جاوه غربی تا ایالت آچه^{۳۸} و سولاوسی گسترش یافت بیش از آنکه مذهبی باشد رنگ و بوی سیاسی داشت. رهبران این جنبش به سیاست‌های سوکارنو اولین رئیس‌جمهور اندونزی معترض بودند و از اسلام برای انتقاد علیه دولت اندونزی و مشروعیت بخشیدن به فعالیت‌های خود استفاده می‌کردند. هدف اصلی این جنبش تأسیس امارت اسلامی بود.

سابقه اسلام‌گرایی افراطی در اندونزی نشان‌دهنده این است که این جنبش‌ها با توجه به شاخصه‌هایشان به دو نوع عمده قابل تقسیم هستند:

۱- جنبش‌هایی که برای رسیدن به اهداف خود متوسل به زور و خشونت می‌شوند. مانند جنبش پادری و جنبش دار الاسلام. این جنبش‌ها با عنوان گروه‌های جهادی شناخته می‌شوند.

۲- جنبش‌های که مبنای حرکت خود را بر فعالیت‌های آموزشی گذاشته‌اند تا بدین طریق وضع موجود را تغییر دهند. مانند جنبش الارشاد و جنبش پرسیس. این جنبش‌ها با عنوان گروه‌های دعوت اسلامی شناخته می‌شوند.

از سال ۱۹۹۰ تاکنون سازمان‌های اسلام‌گرای متعددی در اندونزی شکل گرفته‌اند که رویکرد تکفیری و افراطی‌گری داشته‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به سازمان‌های ذیل اشاره کرد:

- مجلس مجاهدین اندونزی^{۳۹}

^{۳۵} Laskar Jihad

^{۳۶} Kartosuwiryo

^{۳۷} NII, Negara Islam Indonesia

^{۳۸} Aceh

^{۳۹} Majelis Mujahidin Indonesia

- جبهه مدافعین اسلام^{۴۰}

- حزب التحریر^{۴۱}

- مجمع ارتباطات اهل سنت و جماعت^{۴۲}

- لشکر جهاد

این سازمان‌ها از جهاتی دارای اهداف یکسان هستند. وجه اشتراک آن‌ها مقابله با غیرمسلمانان و نفی حقوق آن‌ها، تغییر جامعه‌ی اندونزی بر مبنای حد اکثرگرایی اسلامی، اقامه شریعت و اجرای احکام اسلامی در این کشور با برداشت جزم‌گرایانه از اسلام بوده است. لکن خط مشی آن‌ها در تحقق اهدافشان با یکدیگر متفاوت است.

این سازمان‌ها به صورت شبکه‌ای باهم در ارتباط هستند اگرچه هرکدام از آن‌ها سازمان‌دهی خاص خود را دارد. رهبری و هدایت این سازمان‌ها را عمدتاً کسانی به عهده دارند که یا خود عرب هستند یا در کشورهای عربی همچون عربستان سعودی تعلیم دیده‌اند و شدیداً متأثر از افکار افراطی و سلفی‌گری هستند.

«نکته مشترک قابل توجه بین تمام این سازمان‌ها این است که اکثر آن‌ها تحت رهبری عرب‌ها یا عرب تبارها هستند. به عقیده بعضی تحلیلگران این سازمان‌ها به دنبال عربی سازی ماهیت جنبش‌های اسلامی در اندونزی هستند.»^{۴۳}

جبهه مدافعین اسلام (FPI) در سال ۱۹۹۸ توسط گروهی از شیوخ عرب در جاکارتا تأسیس شد. انگیزه و عوامل تأسیس این سازمان این بود که آن‌ها عقیده داشتند:

۱- مسلمانان اندونزی همواره به وسیله حکومت سرکوب شده‌اند.

^{۴۰} Front Pembela Islam

^{۴۱} Hizbut Tahrir

^{۴۲} Forum Komunikasi Ahlunnannah Wal-Jama'ah

^{۴۳} Azra, Azyumardi, *Recent Development of Indonesian Islam*, The Indonesian Quarterly, ۳۲, ۲, ۲۰۰۴, p. ۱۶

۲- حقوق بشر در مورد مسلمانان اندونزی رعایت نشده است و هیچ مرجعی تاکنون به دنبال احقاق حقوق آنها نبوده است.

۳- خود مسلمانان نیز تاکنون پاسخ ظلم‌هایی که به آنها شده است را نداده‌اند.

عوامل مذکور انگیزه‌ای شد برای تشکیل جبهه‌ای به نام مدافعین اسلام که هدف اصلی آن موارد زیر بود:

۱- کمک به مسلمانان سرکوب شده برای دفاع از عزت و حرمت اسلام.

۲- احیای روح جهادی در میان مسلمانان اندونزی.

۳- اجرای دین به وسیله امر به معروف و نهی از منکر.

تفاوت این جنبش با سایر جنبش‌های اسلام‌گرای افراطی در اندونزی این است که جبهه مدافعین اسلام به دنبال به دست گرفتن حکومت و تأسیس امارت اسلامی نبوده است.^{۴۴}

نکته قابل توجه اینکه رهبر این گروه حبیب محمد^{۴۵} فارغ‌التحصیل دانشگاه ملک سعود ریاض است. از شاخصه‌های این گروه این است که اولاً تأثیر و نفوذ زیادی در پارلمان اندونزی دارد تا حدی که در تعیین بعضی از سیاست‌های دولت دخیل بوده است؛ ثانیاً اینکه در بسیاری از موارد جهت انجام امر به معروف و نهی از منکر مستقلاً متوسل به زور شده است که نمونه آن تعطیل کردن اماکن تفریحی و یا تخریب اماکن فساد در ماه رمضان بوده است.

حزب التحریر (HT) یکی دیگر از گروه‌های اسلام‌گرای افراطی در اندونزی است. حزب التحریر که در بسیاری از کشورهای عربی نیز فعال است در دوران سوهارتو در اندونزی فعالیت مخفیانه خود را آغاز کرد. شاخصه‌ها و اهداف این گروه حاکی از سلفی مسلک بودن و افراط‌گرایی آنهاست که عبارت‌اند از:

^{۴۴} Jahroni, Jajang, "Defending the Majesty of Islam: Indonesia's Front Pembela Islam (FPI) ۱۹۹۰-۲۰۰۳" *Studia Islamika*, Indonesia, ۱۱(۲), ۲۰۰۴, p. ۱۹۷-۲۵۳

^{۴۵} Habib Muhammad Rizieq

- ۱- اجرای احکام اسلامی هم در عرصه عمومی و هم در عرصه حکومتی.
 - ۲- عقیده بر اینکه اسلام نه تنها یک دین بلکه یک نظام سیاسی است (الدین و الدوله)
 - ۳- تأسیس امارت اسلامی و احیای خلافت با رجوع به گذشته اسلام (سلف صالح).
 - ۴- نفی هرگونه تکثرگرایی دینی حتی در میان فرقه‌های اهل سنت و تکفیر سایر فرقه‌ها.
 - ۵- عقیده بر اینکه تنها یک حکومت اسلامی می‌تواند وجود داشته باشد و آن همان حکومت پیامبر و صحابه است.^{۴۶}
- از میان سازمان‌های اسلام‌گرای افراطی اندونزی، مجمع ارتباطات اهل سنت و جماعت (FKAWJ) از همه جنجال برانگیزتر بوده است. امروزه نام لشکر جهاد (Laskar Jihad) که شاخه نظامی این جنبش بوده است در همه جای اندونزی شناخته شده است.
- موارد ذیل بیانگر شاخصه‌ها و اهداف لشکر جهاد در اندونزی است:
- ۱- جهاد اصلی‌ترین شاخصه این گروه است.
 - ۲- تأیید و حمایت از جانب شیوخ وهابی.^{۴۷}
 - ۳- شاخصه دیگر این گروه این است که آن‌ها به دنبال تأسیس امارت اسلامی از طریق احیای خلافت نیستند، بلکه به دنبال بازسازی امارت اسلامی در حکومت موجود هستند.^{۴۸}
 - ۴- احیای هجرت: تقسیم دنیا به دار الاسلام و دار الحرب و لزوم هجرت از بلاد غیر اسلامی به بلاد اسلامی.

^{۴۶} Umam, Saiful, *Radical Muslims in Indonesia: The Case of Ja'far Umar Thalib and The Laskar Jihad*, Explorations in Southeast Asian Studies, Hawaii, Vol. ۶, No. ۱, ۲۰۰۶, p. ۱۱

^{۴۷} Noorhaidi, Hasan, *the rise of the Laskar Jihad in the era of transition in Indonesia*, Faith and politics, Indonesia, vol. ۷۳, ۲۰۰۲, p. ۱۶۶

^{۴۸} Gatra, a, Era Media Informasi, Jakarta, Indonesia, March ۲۵, ۲۰۰۲, pp. ۶۶-۶۸

ظهور فرقه‌های جدید همچون احمدیه در بین جریانات دینی اندونزی

از زمان سقوط سوهارتو در سال ۱۹۹۸، اندونزی از نظر آزادی‌های سیاسی و مذهبی در یک مسیر رو به بالا قرار گرفته است. در دوران پسا سوهارتو، روسای جمهور اندونزی، به‌ویژه رهبر پیشین نهضت العلما عبدالرحمن وحید، آزادی دینی را تشویق کردند.^{۴۹} این مسئله باعث شد که ادیان و فرقه‌های جدید همچون احمدیه به‌طور باز و آزادانه به تبلیغ و فعالیت خود

ظهور و گسترش آزادانه فرقه‌هایی همچون احمدیه تا دوره ریاست جمهوری سوسیلو بنگنگ یودویونو روند صعودی داشت تا اینکه در پی بروز برخی چالش‌ها، اوضاع برای این فرقه‌ها رو به وخامت گذاشت. در سال ۲۰۰۵، رئیس‌جمهور یودویونو در کنگره ملی اندونزی صحبت کرد و قول داد که اختیار خود را برای تعریف آنچه اسلام مناسب است، افزایش دهد. اندکی پس از آن، مجلس علمای اندونزی فتوایی صادر کرد مبنی بر محدود کردن آزادی ادیان، ازدواج‌های مختلط، کثرت‌گرایی مذهبی، لیبرالیسم و سکولاریسم. از این سال به بعد دولت به‌طور گسترده‌ای برای محدود کردن اقلیت‌ها فعالیت کرده و در سال ۲۰۰۸ حکمی خاص ضد احمدیه نیز صادر کرد.^{۵۰}

یکی دیگر از فرقه‌های نوظهور در اندونزی، جنبش فجر نوسانتارا، که معمولاً با نام «گفاتار»^{۵۱} شناخته می‌شود، یک فرقه دینی با ترکیبی از عناصر اسلام، مسیحیت و یهودیت است. در سال ۲۰۱۵، دولت اندونزی اعلام کرد که اقدامات این گروه از اسلام منحرف شده و آن‌ها را منحل اعلام کرد. در ژانویه سال ۲۰۱۶، دولت به اجبار بیش از ۷۰۰۰ عضو این فرقه را از مزارع خود در جزیره کالیمانتان اخراج کرد، و به مسلمانان محلی اجازه داد خانه‌های آن‌ها را بسوزانند و بسیاری از پیروان این فرقه را به بازداشتگاه‌های آموزش اجباری اعزام کردند. در

^{۴۹} Marshall, Paul, The Ambiguities of Religious Freedom in Indonesia, The Review of Faith & International Affairs, ۱۶:۱, ۸۵-۹۶, DOI: ۱۰.۱۰۸۰/۱۵۵۷۰۲۷۴, ۲۰۱۸, ۱۴۳۵۸۸, ۲۰۱۸, p. ۸۶

^{۵۰} همان.

^{۵۱} Gafatar

فوریه سال ۲۰۱۶، مجلس علما اندونزی فتوایی صادر کرده و دین این گروه را بدعت اعلام کرد و در مارس ۲۰۱۶، دولت حکمی صادر کرد که از فعالیت اعضای این فرقه جلوگیری می‌کرد.^{۵۲}

در حال حاضر چالش‌های ناشی شده از ظهور فرقه‌های جدیدی مانند احمدیه در اندونزی و رابطه آن با جریان اصلی مسلمانان میانه‌رو همچنین گروه‌های رادیکال اسلامی برطرف نشده است. این چالش‌ها ناشی از آموزه‌های احمدیه است و تفاوت میان انگاره‌ها و هنجارهای این فرقه با جریان اصلی مسلمانان است.

نتیجه‌گیری

اگرچه تكثر قومیتی یکی از شاخصه‌های بافت جمعیتی کشور اندونزی لکن نقش مذهب در شکل‌دهی به جریان‌ات دینی و سیاسی این کشور مهم‌تر و پررنگ‌تر از نقش مواردی چون ناسیونالیسم و قومیت‌گرایی بوده و سنت‌های مذهبی بخش مهمی از فرهنگ و نهایتاً هویت مسلمانان این کشور را تشکیل داده‌اند،

در بسیاری از موارد عنصر دین و مذهب تعیین‌کننده خودی در برابر دیگری و یا دوست در برابر دشمن بوده است. پژوهش‌ها و یافته‌های میدانی نگارنده در طی چند سفر حج و ارتباط با طیف وسیعی از نخبگان و عوام کشور اندونزی نشان می‌دهد که در دوران جدید هنجارهای برگرفته از پانچاسیلا به‌ویژه اصل وحدت اندونزی در جامعه اندونزی سازنده هویت ملی آنان بوده‌اند که می‌توانند در شکل‌دهی به جریان‌ات دینی و سیاسی این جامعه تأثیرگذار باشد.

پیامدهای انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ با آرمان صادرات اسلام انقلابی به سایر کشورهای مسلمان همراه شد و از همان ابتدا، انقلاب ایران مورد استقبال بسیاری از اسلام‌گرایان سنی مذهب اندونزی قرار گرفت. اگرچه ممکن بود برخی این افراد به اصل اسلام شیعه مشکوک باشند. آن‌ها ایران را به عنوان متحد بالقوه در برابر رژیم‌های مستکبر می‌دیدند. ماهیت «اسلامی» انقلاب اسلامی بر هر فرقه‌گرایی برتری داشت و لذا با

^{۵۲} Human Rights Watch. ۲۰۱۶. "Indonesia: Persecution of Gafatar Religious Group: Thousands Forcibly Evicted, Relocated, Detained," March ۲۹. Available on: <https://www.hrw.org/news/۲۰۱۶/۰۳/۲۹/indonesia-persecution-gafatar-religious-group>. Accessed Accessed ۴/۲/۲۰۲۰

اسلام‌گرایان اهل سنت مشترکات زیادی داشت و در نتیجه، پس از انقلاب جریانات اسلامی با گرایش شیعی در این کشور فعال تر شدند.

گفتار دوم

نمادهای ملی در فرهنگ و سیاست اندونزی

ولی میرزائی

مقدمه

کشور اندونزی از نمادهای متعددی در عرصه ملی، سیاسی و فرهنگی بهره می برد که هر کدام نمایانگر بخشی از هویت تاریخی و انسانی این کشور است. نظام سیاسی این کشور مبتنی بر جمهوری، ترکیبی از نظام پارلمانی و ریاست جمهوری با اختیارات وسیع برای قوه مجریه است. عمده اشخاص سرشناس این کشور در برهه ای از تاریخ این کشور نقش خود را ایفا کرده اند و بنا به تفکرات خود به اسلام گرایی یا ملی گرایی روی آورده اند. از سوکارنو، سوهارتو و عبدالرحمان وحید می توان بعنوان افراد تاثیر گذار در عرصه سیاسی و اجتماعی این کشور نام برد که هر کدام بنا به اقتضائات زمان خود، تحت تاثیر تفکرات دو سازمان عمده این کشور یعنی نهضت العلما و محمدیه سیاست های خود را در پیش گرفتند.

جزایر اصلی اندونزی

کشور اندونزی از تعداد زیادی جزایر بزرگ و متوسط و کوچک تشکیل شده است به طوری که مجمع الجزایر اندونزی نسبت به کشور اندونزی از معروفیت بیشتری برخوردار است.

هرچند که این مجمع الجزایر از لحاظ آماری بیشترین جزایر دنیا را در خود جای داده اند اما تنها تعدادی از آنها مهمترین و راهبردی ترین نقاط سیاسی و جغرافیایی این کشور محسوب می شون که عبارتند از:

۱. جزیره سوماترا: یکی از بزرگ‌ترین جزیره‌های جهان است و با جزیره‌های جاوه، سلبس و برنئو، در مجموع، جزایر سوندایی‌بزرگ نامیده می‌شوند. قسمت عمده آن را جلگه‌ها و نواحی پست تشکیل داده و ارتفاعات آن (از جمله کوه‌های باریسان) در کناره غربی آن تا سمت شمال گسترده شده و دارای وسعت زیادی می‌باشند.

جزیره جاوه: پنجمین جزیره وسیع اندونزی و از پرجمعیت‌ترین آن‌ها است که بیش از ۶۵٪ جمعیت کشور در آن زندگی می‌کنند.

جزیره برنئو: قسمت اعظم این جزیره متعلق به اندونزی است که در اصطلاح محلی به آن کالیمانتان گفته می‌شود. ارتفاعات آن عمدتاً در نواحی شمالی واقع شده و قسمت اعظم آن را جنگل‌ها و جلگه‌ها شامل می‌شوند.

جزیره سلبس (سلب): جزیره‌ای کوهستانی و مرتفع است که قسمت اعظم آن را جنگل‌ها پوشانده‌اند.

جزیره گینه نو: نیمه غربی این جزیره که اصطلاحاً ایریان غربی گفته می‌شود و به اندونزی تعلق دارد. نواحی مرکزی و شمال غربی آن را کوه‌ها و نواحی بلند پوشانده و قسمت اعظم آن را جنگل‌ها و جلگه‌ها تشکیل می‌دهند.

جزایر سوندای کوچک (نوساتنگارا): این جزایر بین جزیره جاوه و جزیره گینه نو واقع شده‌اند و عمدتاً کوهستانی و مرتفع می‌باشند.

الف: نماد های ملی

پرچم اندونزی

پرچم کشور اندونزی به شکل فعلی در ۱۷ اوت سال ۱۹۴۵ همزمان با استقلال این کشور به صورت رسمی مورد استفاده قرار گرفت. پس از استقلال این کشور از سلطه هلند، پرچم قرمز و سفید به تصویب رسید و از آن زمان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پنچاسیلا

پنچاسیلا ستون ایدئولوژیک کشور اندونزی است. این اسم از دو کلمه سانسکریت تشکیل شده است که به معنای اصل یا اساس است.

پنچاسیلا پنج مولفه مهم ایدئولوژیک دارد: «یگانگی خدا»، «انسانیت عادلانه و متمدن»، «وحدت اندونزی»، «دموکراسی به رهبری حکمت در مشورت و نمایندگی» و «عدالت اجتماعی برای همه مردم اندونزی». و این در بند ۴ مقدمه قانون اساسی ۱۹۴۵ ذکر شده است..

(سفارت اندونزی در ایران (سخنرانی سوکارنو)، بنیاد پنچاسیلا، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۹۴۷)

برخی از کارکردها و جایگاه پنچاسیلا برای کشور یکپارچه جمهوری اندونزی بدین شرح است:

. پنچاسیلا به عنوان روح ملت اندونزی

. پنچاسیلا به عنوان شخصیت ملت اندونزی

. پنچاسیلا به عنوان بینش زندگی مردم اندونزی

. پنچاسیلا به عنوان اساس کشور اندونزی

. پنچاسیلا به عنوان منبع تمام منابع قانونی جمهوری اندونزی

. پنچاسیلا به عنوان توافق نجیب مردم اندونزی هنگام تأسیس کشور

. پنچاسیلا به عنوان آرمان‌ها و اهداف ملت اندونزی^{۵۳}

والی سونگو

اولیای نه گانه گروهی از مبلغان و مروجان اسلام بودند که در ربع پایانی قرن ۱۵ میلادی تا نیمه دوم قرن ۱۶ میلادی به گسترش اسلام در منطقه جاوه و مجمع الجزایر اندونزی پرداختند و نقش به سزایی در پذیرش مردم

^{۵۳} <https://bpip.go.id/berita/۱۰۳۵/۶۷۳/ini-bunyi-pancasila-dan-makna-۵-lambangnya.html>

مجمع الجزایر اندونزی، به ویژه جاوه نسبت به اسلام رحمت للعالمین ایفا نمودند. به دلیل عظمت و اعتقاد مردم به ولی بودن آنها، آرامگاه آنها را تا امروز زیارتگاه و مورد احترام قرار می گیرد.^{۵۴}

سادات اندونزی از نسل علی بن جعفر عریضی هستند که در قرن نهم با کشتی به اندونزی مهاجرت کردند.

در اندونزی به جای کلمه «سید» کلمه «حبیب» (حبائب یعنی سادات) را به کار می‌برند

سادات و هاشمی‌های اندونزی که اغلب آنها سادات حضرمی (حضرموت یمن) هستند و طبقه اشرافی را در میان مردم اندونزی تشکیل می‌دهند، از احترام ویژه‌ای در میان مردم برخوردارند و مردم برای احترام، دست آنها را می‌بوسند (عموما بوسیدن دست برای احترام در میان مردم اندونزی مرسوم نیست). بعضی از سادات در پست‌های مهمی در دولت به کار گماشته شده‌اند. شمار سادات حدود نیم میلیون نفر برآورد شده است. سادات مورد نظر شامل سادات شیعی، شافعی و حتی نواصب می‌باشند. سادات اندونزی به‌شدت علاقه‌مند به حفظ اصالت عربی و هاشمی خود هستند، از این رو، دریادگیری زبان عربی تلاش جدی دارند و ارتباط خود را با حضرموت همچنان حفظ کرده‌اند. (منصوری، خلیل، شیعیان اندونزی و رسالت حوزه، مجله فرهنگ کوثر، شماره ۲۳، بهمن ۱۳۷۷، ص ۳۳)

+++++=====

ب: مناسبت ها

روز استقلال اندونزی: در روز ۱۷ اوت سال ۱۹۴۵ میلادی ودرخاتمه جنگ جهانی دوم، احمدسوکارنو، رهبرمبارزان آزادیخواه اندونزی استقلال این کشوررا اعلام کرد. اما ۴ سال طول کشید تا اندونزی توانست به استقلال دست یابد و از استعمار هلند خلاص شود. احمد سوکارنوکه در دوران اشغال اندونزی توسط ژاپن با تشکیل گروههای مقاومت از محبوبیت خاصی برخوردار بود در روز ۱۷ اوت سال ۱۹۴۵ میلادی استقلال اندونزی را اعلام کرد ویک دولت هشت نفری تشکیل داد و خود سوکارنو به عنوان رئیس دولت انتخاب شد. مجمع الجزایراندونزی به هشت منطقه تقسیم شد و در راس هر یک ازاین مناطق یک حاکم اندونزیایی منصوب

^{۵۴} <https://tirto.id/nama-nama-asli-wali-songo-strategi-dakwah-wilayah-persebarannya-garD>

گردید. در روز ۱۶ سپتامبر سال ۱۹۴۵ میلادی نیروهای بریتانیایی به فرماندهی مونباتن فرمانده نظامی منطقه اقیانوس آرام و نیروهای هلندی به اندونزی حمله کردند. در هر منطقه ای که نیروهای بریتانیایی مستقر می شدند تشکیلات استعماری هلند دوباره برقرار می گردید. درگیری میان هلندیها و اندونزیاییها افزایش یافت، بریتانیاییها که منافع در اندونزی نداشتند، تصمیم گرفتند هر چه زودتر این لانه زنبور را ترک کنند و در نوامبر سال ۱۹۴۶ میلادی نیروهای بریتانیا خاک اندونزی را ترک کردند. هلندیها برای حفظ این مستعمره ثروتمند پیشنهاد تاسیس یک جامعه مشترک المنافع اندونزیایی را دادند، اما اندونزی فقط خواهان استقلال کامل بود.

بحران اندونزی از حالت منطقه ای خارج و جنبه بین المللی پیدا کرده بود. هلندیها تلاش می کردند با زور و سرکوب حاکمیت خود را به مردم اندونزی تحمیل کنند، اما مقاومت مردم با تشدید فشار هلندیها بیشتر می شد. سرانجام هلند در ۲۷ دسامبر سال ۱۹۴۹ میلادی استقلال اندونزی را پذیرفت.

عید فطر: عید فطر در اندونزی با نام «لباران» شناخته می شود و یک روز بسیار باشکوه و پر از تزئینات است که افراد همراه با خانواده هایشان بیرون می روند که البته مراسم زیادی را به همراه دارد.

پیش از روز عید خانواده ها از اقصی نقاط اندونزی به منزل والدین و زادگاه هایشان می آیند تا عید را در کنار هم جشن بگیرند. و به خاطر این فرهنگ و سنت قدیمی است که جاده های بسیاری از مناطق اندونزی در روزهای پیش از عید با ترافیک همراه است. این سنت «مادیک» نامیده می شود. تعطیلی عید فطر در اندونزی سه روز است.

آداب و رسوم ماه رمضان:

اندونزی دارای فرهنگی غنی بوده و مردم برای استقبال از ماه مبارک رمضان سنتها و آیین مخصوص به خود را برگزار می کنند. ذبح بز و یا گاو برای استقبال از ماه رمضان، آدابی است که تحت عنوان «مئوگانگ» و از ۱۴۰۰ سال پیش تا کنون برگزار می شود. یکی از سنت های خاص این کشور در استقبال از رمضان، ترقه بازی و آتش بازی کودکان در خیابانها است که به یک فرهنگ در میان جامعه تبدیل شده است. از جمله آیین های مردم این کشور در ایام ماه رمضان می توان به صرف وعده های سحر و افطار در کنار یکدیگر و عذرخواهی از

اشتباهات گذشته اشاره کرد . زیارت درگذشتگان نیز از دیگر آداب این کشور در ماه رمضان است که در جهت زنده نگه داشتن یاد آنها و توجه به زندگی پس از مرگ صورت می گیرد .

مردم این کشور قبل از افطار و برای خرید خوراکی های مخصوص این ماه مبارک به غرفه های غذایی رفته و برای سفره افطار خود خوراکی تهیه می کنند ؛ این سنت با نام «نگابورات» یا بازارگردی در رمضان شناخته می شود .

از دیگر آداب مردم اندونزی در ماه مبارک رمضان می توان به سنت «نیدران» اشاره کرد ؛ این مراسم در دهمین روز از ماه رمضان برگزار می شود که طبق آن افراد شرکت کننده پس از اقامه نماز در آرامگاه والدین خود به خوردن غذا به صورت دسته جمعی می پردازند .

«بالیمو» ، «پادوسان» و «وگدران» نیز از آیین هایی هستند که در روزهای پایانی ماه مبارک رمضان برگزار می شوند ، که لزوم توجه به پاکیزگی درونی و ظاهری مسلمانان و روزه داران از جمله آداب برگزاری آنها به شمار می رود .^{۵۵}

+++++

ج: اماکن تاریخی و دیدنی

۱. مساجد کشور اندونزی

برخی از باشکوه ترین و منحصر به فردترین مساجد جهان در کشور اندونزی ساخته شده اند. این مساجد زیبا علاوه بر به نمایش گذاشتن معماری شگفت انگیزی که از سبک های مختلف معماری جهان وام گرفته اند، پیشینه ای تاریخی و فرهنگی غنی ای را نیز برای آیندگان روایت می کنند. مهمترین مساجد این کشور عبارتند از:

^{۵۵} (خبرگزاری حوزه، آداب و سنت مردم اندونزی در ماه مبارک رمضان، ششم اردیبهشت ۱۳۹۹)

مسجد جامع بیت الرحمن اندونزی

این مسجد بزرگ و زیبای کشور اندونزی در مرکز شهر آچه قرار دارد و به عنوان نماد این شهر از زمان ساخت تا به امروز بوده است. مساحت آن به ۱۵۰۰ متر مربع می رسد ساخت این بنای زیبا در سال ۱۸۸۱ میلادی به اتمام رسیده است.

مسجد استقلال جاکارتا

یکی از جاذبه های اصلی گردشگری کشور اندونزی مسجد استقلال در جاکارتا است. این مسجد ۱۰ هکتاری که ظرفیتی در حدود ۱۲۰ هزار نفر دارد، عنوان بزرگترین مسجد جنوب غربی آسیا را به خود اختصاص داده است. ساخت مسجد استقلال جاکارتا ۱۷ سال طول کشیده است.^{۵۶}

مسجد جامع تیلوک بیور

معماری مسجد تیلوک بیور بر خلاف معماری دیگر مساجد اندونزی سبک تایلند با تلفیقی از خانه های سنتی غرب سوماترا می باشد. سقف آن سه لایه است. چشم انداز فوق العاده آن با چشمه و حوضچه های ماهی کامل شده است. (همان)

۲. معابد اندونزی

با توجه به پیشینه تاریخی اندونزی معابد زیادی با ویژگی هایی منحصر به فرد در آن یافت می شود اما مهمترین و قدیمی ترین معبد از معابد این کشور معبد بوروبودور است.

در حال حاضر یک سند قطعی و معتبر در باب این که این معبد دقیقاً در چه زمانی طراحی و ساخته شده در دست نیست و حتی دقیقاً مشخص نیست که این معبد به چه منظوری و حتی برای کدام دین ساخته شده؛ اما با این حال بر طبق یک سری کتیبه ها گویا معبد بوروبودور حول و حوش ۸۰۰ سال بعد از میلاد مسیح ساخته شده است.

^{۵۶} Dawuh, Guru (۲۰۲۱). "Masjid Istiqlal Merupakan Masjid Terbesar Dan Termegah Di Indonesia Yang Dibangun Pada Tahun". Dawuh Guru. Archived from the original on ۲۰۲۱-۰۹-۳۰. Retrieved ۲۰۲۱-۱۰-۰۱.

معبد بوروبودور اندونزی بزرگ‌ترین معبد بودایی جهان و از باشکوه‌ترین معابد اندونزی است. این معبد یک گنبد بزرگ و کلی گنبد کوچک دارد و دیوارهای آن نیز پر اند از حکاکی‌های زیبا. اطراف معبد نیز طبیعتی خارق‌العاده وجود دارد و به همین دلیل است که محال است فهرستی از بهترین جاذبه‌های دیدنی اندونزی وجود داشته باشد و نامی از معبد بوروبودور در آن فهرست نباشد.^{۵۷}

اشخاص برجسته

معروف امین

کیایی حاجی معروف امین فارغ التحصیل حوزه علمیه تبو ایرنگ شهر جومبانگ، جاوه شرقی بود که کار تبلیغی خود را از پایین شروع کرد. او نیز وارد میدان سیاست شد. علو امی ام دینی و بینش ملی، او را به عضویت مجلس مشاوران ریاست جمهوری و رئیس مجلس علمای اندونزی رساند.

او در میان سنت‌های نهضت العلماء متولد شد. خانواده اش او را به مدرسه دینی شبانه روزی (حوزه مانند) در تبو ایرنگ شهر جومبانگ، جاوه شرقی فرستاد. سپس در دانشگاه ابن خلدون شهر بوگور ادامه تحصیل داد.

امین معروف با علومی که کسب کرد، وارد میدان تبلیغ شد. در ابتدا عضو هماهنگ کننده تبلیغ اندونزی در قسمت جاکارتا بود. علاوه بر این، در سازمان نهضت العلماء نیز فعالیت داشت. از دیگر فعالیت‌های وی می‌توان به فعالیت‌های او در مجلس علمای اندونزی اشاره کرد.

^{۵۷} <https://whc.unesco.org/en/list/592>

در گرمای پویایی سیاسی حزب PKB و در سطح ملی، او تصمیم گرفت تا به سازمان های اسلامی نهضت العلماء و مجلس علمای اندونزی بیشتر تمرکز کند و به طور جدی انجام وظیفه نماید. او به عنوان یکی از مسئولان نهضت العلماء تبدیل شد و همچنین در کمیسیون فتوای مجلس علمای اندونزی نیز فعال بود.

علاوه بر این، رئیس جمهور سوسیلو بامبانگ یودهویونو از او خواست در طول دوره های ۲۰۰۷-۲۰۰۹ و ۲۰۱۰-۲۰۱۴ عضو مجلس مشورتی ریاست جمهوری شود.^{۵۸}

سوکارنو

احمد سوکارنو نخستین نخست وزیر اندونزی از ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۶ و میزبان ابتکار کشورهای جهان سوم برای بنیانگذاری جنبش عدم تعهد بود.

اولین فعالیت های ضد استعماری سوکارنو به تلاش های وی برای ایجاد جبهه متحد استقلال متشکل از نیروهای ملی گرا و رادیکال در سرزمینی که هند هلند نامیده می شد، باز می گردد.

سوکارنو که از سال ۱۹۲۹ به مبارزه برای رهایی از استعمار مشغول بود پس از پایان جنگ جهانی دوم با در اختیار گرفتن سلاح های ژاپنی ها که به واسطه جنگ جهانی دوم در این کشور حضور داشتند، درگیری های مسلحانه خود را در این زمینه ادامه داد.

در سال ۱۹۴۹ سوکارنو پس از حمله چتربازان هلندی دستگیر شد اما این پایان ماجرا نبود؛ چرا که سرانجام فعالیت های ضد استعماری او نویدبخش استقلال کشور شد.

در پی استقلال اندونزی فرمانده مبارزات ضد استعماری این کشور میزبان ابتکار کشورهای جهان سوم برای بنیانگذاری جنبش عدم تعهد برای افزایش تأثیر گذاری این گروه از کشورها در تعاملات بین المللی شد.

(آدامز، سوکارنو، مترجم: ابوالفضل علیزاده طباطبایی، گنجینه نشر، چاپ ۱۳۹۱)

^{۵۸}(<https://www.viva.co.id/siapa/read/۲۳۴-maruf-amin>)

سوهارتو

اودرسال ۱۹۶۵ پس از کودتایی که گفته می‌شد توسط کمونیست‌ها به ثمر رسیده است، در اندونزی به قدرت رسید.

سوهارتو سرانجام در ماه مارس ۱۹۶۷ جایگزین سوکارنو شد. طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی و پس از اجرای برنامه‌های مدرنیزاسیون، استانداردهای زندگی در اندونزی بالا رفت.

در سال ۱۹۷۵ ارتش اندونزی تیمور شرقی را به تصرف خود در آورد.

در دهه ۱۹۹۰ میلادی بحران اقتصادی در آسیا بر اقتصاد اندونزی نیز تاثیر گذاشت.

سوهارتو در سال ۱۹۹۸ به دلیل افزایش بی سابقه قیمت‌ها و نارضایتی عمومی مجبور به کناره‌گیری از قدرت شد.

در سال ۲۰۰۰ نیز قضات دادگاه اعلام کردند که سوهارتو به دلیل وضعیت نامساعد جسمانی نمی‌تواند در دادگاهی که قرار است اتهامات مالی وی را مورد رسیدگی قرار دهد، حاضر شود.

فضای باز سیاسی که از سال ۱۹۹۸، پس از سقوط سوهارتو در اندونزی به وجود آمد، زمینه را برای حضور گروه‌های اسلام‌گرا در عرصه سیاسی و حتی همکاری آن‌ها با نیروهای سکولار فراهم کرد. از آن‌جا که در دوران استبداد سوهارتو، اسلام‌گرایان تحت سرکوب شدید دولتی قرار داشتند، پس از برکناری وی، در فضای جدید، گروه‌های اسلام‌گرا سعی کردند که جایگاه خود را در جامعه اندونزی بازپس گیرند و در این میان، زمینه برای ظهور و گسترش فعالیت اسلام‌گرایان افراطی و یا به اصطلاح جهادی نیز مهیا شد.^{۵۹}

^{۵۹} خادمی؛ سید محمد حسن، پایگاه مجلات تخصصی نور؛ نورمگز، دوره یک ۱۳۹۳/۹/۲، ص ۲

عبدالرحمان وحید

کیایی حاجی عبدالرحمن وحیدیا معروف به "گوسدور" (متولد شهر جومبانگ، جاوه شرقی، ۷ سپتامبر ۱۹۴۰ میلادی - متوفای جاکارتا، ۳۰ دسامبر ۲۰۰۹ میلادی در سن ۶۹ سالگی) یک رهبر مسلمان اندونزی و رهبر سیاسی بود که چهارمین رئیس جمهور اندونزی از ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ شد.

او با نام عبدالرحمن "الدخیل" به معنی "فاتح" متولد شد. از آنجا که کلمه "الدخیل" چندان شناخته شده نبود، نام "وحید" جایگزین آن شد که بعداً به نام گوسدور معروف شد. (به یک

در سال ۱۹۴۴ عبدالرحمن وحید از زادگاه خود جومبانگ به جاکارتا نقل مکان کرد. پس از اعلام استقلال اندونزی در ۱۷ آگوست ۱۹۴۵، گوسدور به جومبانگ بازگشت و در طول جنگ برای دفاع از حاکمیت اندونزی در برابر هلندیها در آنجا ماند. وی در پایان جنگ در سال ۱۹۴۹ به جاکارتا بازگشت، زیرا پدرش به عنوان وزیر دین منصوب شد.

در سال ۱۹۶۳، وی برای ادامه تحصیل در دانشگاه الازهر قاهره از وزارت دین بورس تحصیلی گرفت. در سال ۱۹۶۴ گوسدور واقعاً از زندگی خود در مصر لذت برد. او از تماشای فیلمهای اروپایی و آمریکایی و همچنین از تماشای فوتبال لذت می برد. گوسدور همچنین با انجمن دانشجویان اندونزی همکاری داشت و روزنامه نگار مجله این انجم نشد. او سرانجام موفق شد در پایان سال از کلاس تقویتی خود فارغ التحصیل شود.

در سال ۱۹۶۵ شروع به مطالعه اسلام و زبان عربی کرد.

در سال ۱۹۷۰ تحصیلات خود را در دانشگاه بغداد به پایان رساند. پس از آن، گوسدور برای ادامه تحصیل به هلند رفت. سرانجام او قبل از بازگشت به اندونزی در سال ۱۹۷۱ به آلمان و فرانسه رفت

او کار خود را به عنوان روزنامه نگار در مجله کومپاس و روزنامه تمپو ادامه داد. از نوشته های او استقبال خوبی شد. او به عنوان یک کارشناس اجتماعی شهرت یافت. با این کار او دعوتهای زیادی برای برگزاری سمینار ادریافت کرد. با وجود این که در شغلش نسبتاً موفق شد، اما همچنان زندگی برای او مشکل بود،

زیرا تنها یک منبع درآمد داشت . او همچنین دوباره در شغلی متفاوت کار کرد تا با فروش آجیل و غیره درآمد بیشتری کسب کند .

وی در سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۰ به عنوان دبیر کل حوزه تبوایرنگ ؛ در سال ۱۹۸۰ تا سال ۱۹۸۴ به عنوان کاتب عام سازمان نهضت العلماء ؛ در سال ۱۹۸۴ به عنوان رئیس اجرایی سازمان ؛ در ۱۹۸۷ به عنوان رئیس مجلس علمای اندونزی خدمت کرد .

در سال ۱۹۸۹ نیز عضو مجلس مشورتی خلق جمهوری اندونزی شد و سرانجام در سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ به عنوان رئیس جمهور اندونزی خدمت کرد .

گوسدور به عنوان رئیس جمهور اندونزی ، رویکردهای متفاوتی در پرداختن به یک مشکل ملی داشت. او با جنبش آچه آزاد ، رویکرد دلسوزانه تری داشت ، از قوم چینی محافظت کرد ، از خانواده های قربانی حزب کمونیست اندونزی (کشته و شکنجه شده) عذرخواهی کرد.

علاوه بر این ، گوسدور همچنین اغلب اظهارات جنجالی داشت ، یکی از آنها این بود که گفت اعضای مجلس مانند بچه های مهد کودک هستند .

گوسدور فقط حدود ۲۰ ماه رئیس جمهور اندونزی بود . دشمنان سیاسی او از پرونده های Bullogate و Bruneigate استفاده کردند تا ریاست او را متزلزل کنند .

+++++

منابع

- خادمی؛ سید محمد حسن، پایگاه مجلات تخصصی نور؛ نورمگز، دوره یک ۱۳۹۳/۹/۲
- آدامز، سوکارنو، مترجم: ابوالفضل عزیزاده طباطبایی، گنجینه نشر، چاپ ۱۳۹۱
- گلی زواره، غلامرضا، سرزمین اسلام (شناخت اجمالی کشورها و نواحی مسلمان نشین جهان)، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۸۸
- (منصوری، خلیل، شیعیان اندونزی و رسالت حوزه، مجله فرهنگ کوثر، شماره ۲۳، بهمن ۱۳۷۷)

- (اسمیت دتیوس، سرزمین و مردم اندونزی، ترجمه پرویز داریوش، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰، صص ۲۳ تا ۳۰)
- آگوس سونیوتو، اطلس والی سونگو، انتشارات مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۳
- مرتضی اسدی، جهان اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶، ص ۵۱
- کریمی، خسرو، اندونزی و حماسه سوکارنو، انتشارات جعفری، چاپ اول، ۱۳۶۴
- خبرگزاری حوزه، آداب و سنت مردم اندونزی در ماه مبارک رمضان، ششم اردیبهشت ۱۳۹۹
- "What are the rules for national flags?". BBC Magazine. ۱۱ May ۲۰۰۵
- <https://tirto.id/nama-nama-asli-wali-songo-strategi-dakwah-wilayah-persebarannya-garD>
- <https://bpip.go.id/berita/۱۰۳۵/۶۷۳/ini-bunyi-pancasila-dan-makna-۵-lambangnya.html>
- Tomascik, T (۱۹۹۶). The Ecology of the Indonesian Seas – Part One. Hong Kong: Periplus Editions .
- Dawuh, Guru (۲۰۲۱). "Masjid Istiqlal Merupakan Masjid Terbesar Dan Termegah Di Indonesia Yang Dibangun Pada Tahun". Dawuh Guru. Archived from the original on ۲۰۲۱-۰۹-۳۰. Retrieved ۲۰۲۱-۱۰-۰۱.

گفتار سوم

احزاب حاکم در اندونزی

سعیده رستخیز

سیاست در اندونزی

جمهوری، ترکیبی از نظام پارلمانی و ریاست جمهوری با اختیارات وسیع برای قوه مجریه است به این ترتیب که در چارچوب یک جمهوری دموکراسی نیابتی؛ رئیس جمهور هم رئیس کشور و هم رئیس حکومت و یک نظام چندحزبی است. رئیس جمهوری و معاون وی به صورت یک زوج بارأی مستقیم مردم و به مدت ۵ سال انتخاب می شوند. قدرت اجرایی توسط دولت اعمال می شود. قدرت قانونگذاری هم به دولت و هم در دو شورای نمایندگان خلق واگذار شده است. دستگاه قضایی مستقل از دستگاه اجرایی و قوه مقننه است. آقا جوکو وی دودو به عنوان رئیس جمهور منتخب مردم اندونزی در طی دو دوره در انتخابات بر رقبای خود پیشی گرفته است. جوکووی، معروف امین از علمای مذهبی اندونزی است که رئیس سابق بخش اجرایی مجلس العلمای اندونزی را به عنوان معاون خویش در انتخابات برگزید.

احزاب مهم

حزب دموکراتیک مبارز (به رهبری خانم مگاواتی و برنده انتخابات ریاست جمهوری)، گلکار (به رهبری آقای هارتارتو)، دموکرات (حزب دولت پیشین به رهبری یودیونو رئیس جمهور قبلی) و احزاب اسلام گرای اتحاد توسعه، بیداری ملی، رسالت ملی و عدالت و رفاه. در سال های اخیر احزاب جدیدی با نام های گریندرا و هانورا نیز به جمع احزاب بزرگ در مجلس اندونزی اضافه شده که حزب گریندرا با رشد فراوان آراء توانست در انتخابات سال ۲۰۱۴ تعداد ۷۳ کرسی را در مجلس کسب نماید. رهبر این حزب در انتخابات سال ۲۰۱۴

ریاست جمهوری، به عنوان تنها نامزد ائتلاف مخالفین رئیس‌جمهوری منتخب، با جوکووی (استاندار جاکارتا) رقابت کرد.

در ادامه به معرفی احزاب حاکم در اندونزی؛ گرایشات سیاسی داخلی و بین‌المللی؛ دینی و نژادی و شخصیت‌های داخلی آنها می‌پردازیم.

۱. جماعت محمدیه

یکی از سازمان‌های مهم توده‌ای که گرایش فکری سنت‌گرایان را نمایندگی می‌کند و بسیار پیش از عزیمت هلندی‌ها و استقلال کشور پدید آمد "جماعت محمدیه" بود. این تشکل که در سال ۱۹۱۲ اعلام موجودیت کرد بیش از سی‌میلیون عضو دارد. هواداران و اعضای این تشکل را بیشتر طبقات شهری متوسط و تحصیل‌کرده تشکیل می‌دهند. در میان اعضاء این سازمان بنیانگذاران مدارس، درمانگاه‌ها یا دانشگاه‌ها را می‌توان دید. آقای عبدال موتی دبیر کل نهضت است.

جماعت محمدیه که نمایندگی گروهی از اصلاح‌طلبان را برعهده دارد برای نیل به شناخت اسلام و برای روشنگری جامعه اسلامی اقدام به تأسیس هزاران مدرسه و مؤسسه آموزشی و فرهنگی نمود تا اهدافش را پیش ببرد. اما به نظر می‌رسد این تشکل به رغم فعالیت‌های گسترده و امکانات در خور توجه‌اش، با تحولات سریع در عصر حاضر که تمامی ابعاد زندگی مردم آن کشور را تحت تأثیر قرار داده است، قدرت پیشین را نداشته و نتوانسته است اهدافش را با نیازهای روز جامعه تطبیق دهد. بر همین اساس بسیاری بر این باورند که، نهضت مذکور به جهت‌گیری مجدد و تجدیدنظر در چهارچوب‌های فکری خود نیاز دارد. اگر محمدیه بتواند یک بار دیگر روحیه اصلاح‌طلبی را در خود زنده کند، قادر خواهد بود بار دیگر در خط مقدم جریان اسلامگرایی این کشور قرار گیرد و برای یافتن پاسخ‌هایی به مسائل مبتلا به جامعه اندونزی نقش محوری ایفا کند.

قطب برجسته جماعت محمدیه - که جماعتی میانه رو و شبیه طرق صوفیه است - شیخ سیف المعارف است. وی به طور مستقیم با سیاست سر و کار ندارد؛ هر چند برای اعضای خود حق فعالیت حزبی و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی قائلند.

۲. نهضت العلما

در پی انشعاب در حزب سیاسی مشومی، سازمان دیگری به نام «نهضت العلما» در سال ۱۹۲۶ شکل گرفت. این جمعیت که به طور سنتی خواهانی اصلاح و تجدید حیات اسلام بود، با شیوه‌های تبلیغی و تعلیمی سعی بر آن داشت که از طریق بالا بردن سطح آگاهی‌های اسلامی و ترویج اندیشه‌های سیاسی اسلام روح مقاومت در برابر سلطه خارجی را در میان مسلمانان اندونزی تقویت کند و گسترش دهد. این نهضت دو ویژگی داشت؛ یکی غرب‌ستیزی و دیگری اصول‌گرایی متعبدانه. این جمعیت هدفش پیروی از منابع اصلی دین (یعنی قرآن و حدیث) و اصول چهارگانه فقه اسلامی و ترویج شریعت مطابق همان منابع بود. بنابر اظهار نظر علی مکثوم، یکی از شخصیت‌های برجسته نهضت العلما، هر وقت نهضت العلما به حکومت نزدیک شده، تقویت گردیده و هر بار از آن دور شده، تضعیف گردیده است.

در واقع نهضت العلما به عنوان یک نهضت اسلامی به رهبری علما نمی‌تواند گرایش دیگری داشته باشد. به علاوه با در نظر گرفتن این حقیقت که تقریباً در اغلب ممالک اسلامی که مذاهب و فرق اهل تسنن حاکم است، اغلب علما به شدت وابسته به حکومت هستند، نمی‌توان از آنان انتظار داشت که قادر به آزاداندیشی و اتخاذ مواضع مستقل باشند. آنان در واقع از طریق مراکز آموزش اسلامی به جامعه وابسته‌اند. برجسته‌ترین شخصیت جماعت نهضه العلما شیخ مصدوقی بیدلوی است. ایشان نیز به طور مستقیم با سیاست سر و کار ندارند؛ هر چند برای اعضای خود حق فعالیت حزبی و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی قائلند.

۳. جماعت اسلامی

جماعت اسلامی اندونزی، در سال ۱۹۸۲ سنگ بنای تشکیلاتی خود را در این کشور بنا نهاد. این حزب در واقع شاخ اندونزیایی حزبی به همین نام در جنوب شرق آسیاست که در سال ۱۹۷۳ پایه‌گذاری شد. عبدالله سونگ‌کار و ابوبکر بشیر از بنیانگذاران اولیه حزب محسوب می‌شوند. هدف این حزب تشکیل حکومت اسلامی در کشورهای مسلمان‌نشین آسیای جنوب شرقی تحت تأثیر اندیشه‌های سید قطب و حسن البنا بوده است. حزب جماعت اسلامی در صدد است هدف خود را از تاریخ تبلیغ، مبارزه سیاسی و در نهایت حملات مسلحانه تحقق بخشد. این حزب با سازمان القاعده رابطه نزدیکی دارد و به غیر از اندونزی در کشورهای مالزی، جنوب فیلیپین، جنوب تایلند، سنگاپور استرالیا نیز فعال است. این تشکل در اندونزی از سال ۱۹۸۵ وارد مرحله جدیدی از فعالیت خود شد که همان وارد شدن به فاز نظامی است. از این سال به بعد جماعت اسلامی اقدام به توسعه توان نظامی و آموزش‌های رزمی به برخی از هوادارانش نمود. اما مهمترین تغییر در این تشکل در دهه آخر قرن بیستم رخ داد. تغییری که مرحله اوج‌گیری جناح رادیکال در درون جماعت در سال ۱۹۹۸ و پس از فروپاشی نظام سوهارتو و بازگشت رهبران جماعت اسلامی از مالزی، را شامل می‌شود. آنچه باعث شد نام این سازمان بیش از پیش مشهور شود، حوادث شبه‌جزیره بالی در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۲ بود که طی آن ۲۰۰ نفر کشته شدند و این سازمان بنیادگرا از سوی رسانه‌ها به عنوان مسئول این عملیات خونین معرفی شد. گفته می‌شود این سازمان توسط فردی به نام ابوبکر بشیر رهبری می‌شود. ابوبکر بشیر یکی از روحانیون بنیادگرای اندونزیایی است که در دوران حکومت ژنرال سوهارتو در این کشور، فراخوانی را برای تشکیل حکومت اسلامی صادر کرده بود. او از محبوبیت زیادی در میان مسلمانان سنی و بنیادگرای آسیای جنوب شرقی برخوردار است. عقیده غالب در میان این گروه تفکر غرب‌ستیز و بویژه ضد امریکایی آنهاست. بسیاری از اعضای بلندپایه جماعت اسلامی، سابقه حضور در افغانستان و جهاد در مقابل نیروهای شوروی کمونیستی را نیز دارند اکنون و به واسطه همین سابقه بیشتر اقدامات تروریستی و یا انفجارها در اندونزی را منتسب به این جماعت می‌دانند و از آن به عنوان یکی از چالش‌های اساسی حکومت اندونزی نام می‌برند.

۴. گروه‌های افراطی

در جریان مبارزه علیه استعمار و کسب استقلال، سوکارنو معتقد بود که حکومت در اندونزی نباید وصف اسلامی یا سکولار داشته باشد. این مسئله مورد مخالفت شدید گروه‌های اسلامی قرار گرفت. از این رو موضوع به کمیته‌ای فرعی ارجاع شد که محصول آن منشور جاکارتا بود که طی آن عمل به قوانین اسلام برای هواخواهان آن الزامی شده بود. ولی این امر از طرف نمایندگان مسیحی و مسلمانان متجدد در کمیته اصلی رد شد؛ اما با دخالت سوکارنو، هم این موضوع و هم شرط مسلمان بودن رئیس جمهور تصویب شد. با این حال در اعلام استقلال کشور به دست سوکارنو هیچ اشاره‌ای به اسلام نشد و در کمیته تهیه و تنظیم قانون اساسی، هم آن موضوع و هم شرط مسلمان بودن رئیس جمهور حذف شد.

کنار گذاشته شدن منشور جاکارتا - که گروه‌های اسلامی خواستار درج آن در قانون اساسی بودند - شکست سخت و تلخی برای این گروه‌ها بود که سبب بیداری آنان و رفع ابهام در مورد ملت جدید شد که این مسئله جنگ شهری و جنبش «دارالسلام» در سه استان و بروز اولین خشونت‌ها در کوه‌های غرب جاوه را به دنبال داشت. کارتوسویریو، رهبر این گروه مخالف از مسلمانان در اوت ۱۹۴۹ میلادی با عنوان امامت، تشکیل یک دولت اسلامی در اندونزی و جنگ با جمهوری اندونزی را اعلام کرد. استدلال او این بود که یک قدرت سکولار بر اسلام مسلط شده است و حکومت جمهوری با رد کردن اسلام به عنوان شالوده دولت، خود را به مثابه یک دشمن نظیر هلندی‌ها ساخته است؛ ولی شورش وی مقارن با فشارهای نظامی هلند بر جمهوری اندونزی بود. جمعیت و سازمان دارالسلام با چنین مواضع رادیکال و خشونت آمیزی پس از سال‌ها مخالفت و مبارزه چریکی با نیروهای دولتی در سوماترا، برنئو، سلیس و کوهستان‌های غرب جاوه و رهبری یکی از شورش‌های بزرگ در سال‌های ۱۹۶۶ - ۱۹۶۱ میلادی، در همین تاریخ سرکوب و منحل شد و رهبر و بنیانگذار آن یعنی «کارتوسویریو» دستگیر و در سال ۱۹۶۶ میلادی اعدام شد. ولی پیروان و هواخواهانش تحت تأثیر عقاید و شخصیت کاریزمای او از همان دهه ۱۹۵۰ م تاکنون فعال و در حال مبارزه بوده‌اند. در سال ۱۹۵۲ میلادی، او الهام‌بخش قیامی اسلامی در جنوب سولاوسی بود که تحت رهبری «عبدالقادر مذکر» تا ۱۹۶۵ میلادی به طول انجامید و به تأسیس جمهوری اسلامی سولاوسی منجر شد؛ ولی با شهادت عبدالقادر مذکر این حرکت هم سرکوب شد. حرکت جدی‌تر بر ضد حکومت اندونزی در سپتامبر ۱۹۵۲ میلادی به دست «داوود بیوریه» یک رهبری «آچه» ای صورت گرفت. او تشکیل یک دولت اسلامی را در «آچه» به عنوان قسمتی از

دولت اسلامی اندونزی به رهبری کارتوسویریو اعلام کرد. برخی از عقاید و آرزوها در این قیام‌های اسلامی از متن اعلامیه داوود بیوریه قابل استنباط است که آورده است: «به نام خدا ما مردم آنچه تاریخ جدیدی ساخته‌ایم. به خاطر اینکه ما آرزوی یک دولت اسلامی در اینجا، در خاک خودمان، را داشتیم. گروه‌ها و جنبش‌های پراکنده مبارز و انقلابی و زیرزمینی به خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بیش از گذشته فعال شده‌اند و اسلام بار دیگر در حال بازیافتن نقش تعیین کننده و تاریخی خود در جامعه مسلمانان اندونزی است.»

از گروه‌ها و تشکل‌های مسلمان اندونزیای که مشابه و تحت تأثیر گروه‌های جهادی مصر وجود آمده‌اند، می‌توان گروه الجهاد، جنبش اسلامی «وارمام»، گروه «طومار پنجاه» و ده‌ها گروه جهادی دیگر را برشمرد که عموماً از سوی دولت سوهارتو سرکوب شدند. در همین حال، جنبش‌های اسلامی سلفی با تمرکز بر وهابیت نیز در این کشور فعال شدند. در حالی که مردم اندونزی عموماً روحیه‌ای آرام و منضبط دارند اما به تازگی حرکات خشونت‌آمیزی از سوی طیف سلفی آنها شکل گرفته است.

احزاب اسلامی و تحولات جدید

سوکارنو جهت به حداقل رساندن درگیری‌های عقیدتی پانچاسیلا (اعتقاد به خدای واحد - انسانیت - وحدت اندونزی - دموکراسی - عدالت اجتماعی) را به عنوان اصل اساسی خود پذیرند. در نتیجه، احزاب متعدد اندونزی به سه حزب تقلیل یافتند: الف. حزب گلکار که اتحادیه گروه‌های نماینده کشاورزان، جوانان، سربازان، تعاونی‌ها و بازرگانان بوده که بیشترین قدرت را در زمان سوهارتو در دست داشت. حزب متحد توسعه که از بهم پیوستن چهار حزب نهضت العلماء، حزب مسلمین اندونزی، حزب اسلامی شرکت اندونزی و حزب اسلامی پرتی تشکیل شده بود؛ و ج. حزب دمکراتیک اندونزی که در اثر ادغام احزاب سیاسی ملی‌گرایان، مسیحیان، کاتولیک، حامیان استقلال و مردم تشکیل شده بود.

با به قدرت رسیدن سوهارتو، و به دنبال بحران اقتصادی در ژوئن ۱۹۹۷ (خردادماه ۱۳۷۶) در جنوب شرق آسیا، اندونزی بیشتر از کشورهای دیگر منطقه متضرر شد و هنگامی که مجمع یک هزار نفری مشورتی خلق اندونزی در ۲۰ اسفندماه ۱۳۷۶ برای هفتمین بار پیاپی و برای یک دوره ۵ ساله دیگر ریاست جمهوری ژنرال

محمّدسوهارتو را به شکل قانونی تمدید کرد شورشها و اعتراضات سیاسی و اجتماعی در این کشور که در سال ۱۳۷۶ با نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری آغاز شده و با بحران مالی در جنوب شرق آسیا شدت یافته بود، وارد مرحله تازه‌ای گشت. ژنرال سوهارتو که به مدت ۳۲ سال پس از کودتا، حاکمیت در اندونزی را به عهده داشت تا به منظور فرونشاندن دامنه اعتراضات و فائق آمدن بر روند روبه گسترش وخامت اوضاع اقتصادی در این کشور وزیر سابق تحقیقات و تکنولوژی خود یعنی پروفیسور بهارالدین یوسف حبیبی رئیس سابق مجمع روشنفکران مسلمان اندونزی و بانی اصلی توسعه صنعتی و تکنولوژی این کشور را با تفویض برخی اختیارات به عنوان معاون خود برگزید و سپس از قدرت استعفا کرد. حبیبی برای تحقق بخشیدن به شعارهای اقدامات فراوانی انجام داد که تا حدی در برخی از آنها موفق بود از جمله مهار بحران مالی و قدرت گرفتن نسبی رویه در بازارهای ارز جهان بود. از دیگر آثار موفقیت وی موجودیت یافتن احزاب فراوان بود به طوری که بیش از ۱۶۰ حزب بزرگ و کوچک سیاسی اعلام وجود کرده و برآمدگی خود جهت شرکت در انتخابات سراسری هفتم ژوئن ۱۹۹۹ تأکید نمودند هر چند تعداد احزاب فوق سرانجام به ۴۸ حزب تقلیل یافت لیکن برای جامعه‌ای که سالها در عمل حق انتخابی جزء رنگ زرد (حزب گلکار) را نداشت این تعداد حزب نیز گنج‌کننده، مبهم و بعضاً گمراه کننده بود.

در ادامه برخی از احزاب شرکت کننده در انتخابات سال ۱۹۹۹ که وجهه اسلامی دارند به بحث گذاشته می‌شود:

۱. حزب هلال و ستاره (۴۱) به ریاست یوسریل ماهندرا و دبیر کلی ام‌اس کعبان.

براساس اظهارات دکتر یوسریل، این حزب جهت تحقق خواسته‌های مسلمانان تجددگرای (مدرنیست) اندونزی به وجود آمد وی اعتقاد دارد اسلام یک دین جهانی است که برای حل مسایل و مشکلات انسانها و دنیا و آخرت آنها از طرف خداوند نازل شده است. حامیان این حزب هواداران برخی جمعیت‌های سنتی اسلامی چون الارشاد، دیوان دعوت و الشافعیه هستند که به طور عمده در مناطق خارج از جزیره جاوه و بخشی نیز در جاکارتا سکنی دارند، این حزب در طول مدت تأسیس مخالفت جدی با دولت حبیبی نداشت و از فرامین صادره در مجمع مشورتی مردم در مورد لزوم اصلاحات سیاسی (برگزاری انتخابات عادلانه و دموکراتیک)

حمایت نموده و در دیگر مسایل (نقش سیاسی - اجتماعی نیروهای مسلح و تحقیق در مورد رژیم سابق) مواضع کلی اتخاذ می‌کرد. این حزب به دلیل همراه داشتن جمعی از طرفداران سنتی مشومین، از جمله احزاب مطرح در صحنه سیاسی اندونزی می‌باشد.

۲. حزب دولت اسلامی، به ریاست دلیار نوئر و دبیر کلی فهمی رحمان.

بر اساس اهداف و شعارهای این حزب، زندگی مذهبی از زندگی اجتماعی جدا نمی‌باشد و اسلام برای بخش‌های مختلف اجتماع از جمله سیاست و اقتصاد فرامین و تعلیمات دارد. با این وجود این حزب تصریح دارد که به دنبال ایجاد یک دولت اسلامی در اندونزی نمی‌باشد. هم چنین حزب مذکور علیرغم پذیرش اصول اسلام غیرمسلمانان را به عنوان عضو می‌پذیرد. با توجه به تاریخ اسلام استدلال این حزب چنین است که در یک جامعه بنا شده براساس ارزش‌های اسلامی و جامعه از نوع جامعه مدینه مذاهب و عقاید مختلف می‌توانند با صلح و آرامش در کنار هم زندگی کنند. رهبر حزب از رهبران سابق مشومین و از چهره‌های سرشناس محمدیه (سوماترا، مدان) اندونزی می‌باش

۳. حزب سیاسی اسلامی مشومی اندونزی به ریاست عبدالله و دبیرکل سیوطی رهاورین.

این حزب خود را ادامه دهنده "مشومی" می‌داند. جمعیت مشومی در زمان اشغال اندونزی توسط ژاپن از به هم پیوستن برخی جمعیت‌های اسلامی (نهضت العلماء، محمدیه و الارشاد الاسلامیه) تشکیل شده و پس از استقلال اندونزی تبدیل به حزبی سیاسی شد. حزب مشومی (شورای مشورتی مسلمانان اندونزی) که به نام رهبر و بنیانگذارش نامیده شده، یکی از قوی‌ترین سازمان‌های سیاسی اندونزی است که به دست مسلمانان تأسیس شد و در ایجاد فضای استقلال اندونزی نقش مؤثری ایفا کرد. هدف این حزب تأسیس دولت اسلامی در اندونزی بود. براساس اسلامی مدرن و میانه‌رو، عناصر مسلمان متمایل به فرهنگ و اندیشه غربی در این حزب از نفوذ قابل توجهی برخوردار بودند و در دولت ائتلاف نیز اکثریت را به دست آوردند، سرانجام در مبارزات سیاسی علیه سوکارنو، این حزب منحل شد. قبل از اول انتخابات سراسری اندونزی در سال ۱۹۵۵ نهضت العلماء از مشومی خارج گردید. در این انتخابات مشومی پس از حزب ملی‌گرای اندونزی بیشترین درصد آراء را داشت.

در سال ۱۹۵۹ مشومی توسط سوکارنو مورد تحریم قرار گرفت زیرا تعدادی از رهبران آن علیه دولت مرکزی قیام نموده و در سوماترای غربی دولت انقلابی تشکیل دادند. در همان زمان فعالیت احزاب چپگرا در اندونزی گسترش یافته بود و رهبران مشومی به خاطر مخالفت با فعالیت‌های کمونیستی حرکت‌هایی علیه سوکارنو سازماندهی نمودند. لذا از طرف دولت یک حزب راستگرا و طرفدار آمریکا اطلاق شد. این حزب به دلیل داشتن رهبران روشنفکر و تجددگرا همواره در بین مردم اندونزی احترام لازم را داشته است. در زمانی که این حزب مجاز به فعالیت بود از جمله احزاب مشهور اندونزی به شمار می‌رفت و در بین مسلمانان اندونزی به ویژه خارج از جاوه نفوذ فراوانی داشت. در حال حاضر نفوذ مشومی در مناطقی همچون آچه، سوماترای جنوبی، کالیمانتان، سولاوسی و در بخش‌هایی از جاوه وجود دارد. به همین دلیل احزابی مثل هلال و ستاره تبلیغ زیادی دارند که آنها ادامه دهندگان واقعی راه مشومی می‌باشند. این حزب با از سرگیری فعالیت احزاب در دوران رفرم دولت حبیبی - توسط برخی اعضای سابق مشومی - تجدید سازماندهی شده و عنوان فوق را برای خود انتخاب کرد.

۴. حزب حاکمیت مردم به ریاست بهارالدین و دبیر کلی دودی گونتورو.

بنیاد این حزب، اصول اعتقادی پانچاسیلا است. این حزب از جمله احزابی است که بر اساس ادعای رهبران آن جهت حمایت از منافع کارگران، روستائیان، صاحبان مشاغل کوچک و اقشار کم‌درآمد جامعه تشکیل شده است.

۵. حزب جمهوری به ریاست شریف‌الدین هاراهاپ و دبیر کلی یانی وحید.

این حزب نیز اصول اعتقادی پانچاسیلا را مبنای فعالیت خود قرار داده است. این حزب توسط یکی از سیاستمداران ثروتمند اندونزی تأسیس شده که اهداف خود را پیشبرد و توسعه اقتصاد اندونزی عنوان نموده است. وی صراحتاً ادعا نموده بود که تنها حزب گلکار از نظر بنیه و توان مالی می‌تواند با حزب جمهوری رقابت کند. وی منابع مایل حزب را طبقه تجار متوسط ذک می‌کند.

۶. حزب مشومی جدید به ریاست رضوان سعدی و دبیر کلی فیروز بشیر.

این حزب با مشومی سابق تفاوت‌هایی دارد. رهبران این حزب می‌گویند حزب آنها به خاطر شرایط دوران اصلاحات پس از کناره‌گیری سوهارتو به وجود نیامده و سابقه آن به مجلس شرکت امت مسلمان اندونزی برمی‌گردد. "مشومی جدید" خود را پیرو اسلام مدرن می‌داند و به اقتصاد مردمگرا اعتقاد دارد همچنین از وحدت ملت واحد اندونزی و تمامیت ارضی آن طرفداری نموده و بر این باور است که، در تعلیمات اسلامی ملیت جایگاه ویژه‌ای دارد. گفتنی است که، این حزب اصول و اهداف خود را در کتابی به نام (اصول مبارزه مشومی جدید) تشریح کرده است.

۷. حزب شرکت اسلام اندونزی به ریاست توفیق رشدی و اوهان سودجانا و دبیر کلی امارالدین

جاجاسوبیتا و پکا چیری.

عنوان حزب شرکت اسلام توسط دو حزب جدیدالتأسیس مورد استفاده قرار گرفته است. این دو حزب شعار لااله الا الله و محمدرسول الله را در قالب هلال و کلمه الله به صورت یک ستاره به کار گرفته‌اند. این دو حزب تأسیس خود را به سال ۱۹۰۵ و شرکت اسلام اندونزی نسبت داده‌اند. حزب شرکت اسلام در سال ۱۹۰۵ تأسیس شده و در سال ۱۹۱۲ عنوان حزب شرکت اسلام هنیدیا را انتخاب نمود و ده سال بعد در سال ۱۹۲۸ نام کنونی را برای خود انتخاب کرد. در دوران نظم نوین سوهارتو در سال ۱۹۷۳ بسیاری از اعضای آن به حزب متحد توسعه پیوستند. پس از کناره‌گیری سوهارتو و بازشدن فضای سیاسی اندونزی دو حزب جدید به عنوان شرکت اسلام شروع به کار نمودند که هر دو به اجرای کامل اسلام در جامعه تأکید داشته و از شعارهای اسلامی برای تبلیغات خود استفاده می‌کردند.

۸. حزب عدالت به ریاست نورمحمودی اسماعیل و دبیر کلی سوسونو.

عدالت از جمله احزاب جدید اندونزی است و ضمن تأکید بر دولت متحد و مرکزی معتقد است فدرالیسم جایگاهی در اندونزی ندارد. این حزب همچنین با تعیین پانچاسیلا به عنوان تنها پایه و محور اعتقادی احزاب مخالفت نموده و خواستار اصلاح قوانین موجود در مورد آموزش و بکارگیری پانچاسیلا شده است. در انتخابات مجلس این حزب با احزاب رسالت ملی و متحد توسعه به ائتلاف مخالف حزب گلکار ملحق شد. این حزب دیدگاه‌های خود را عدالت، پیشرفت، وحدت ملی و همکاری بین‌المللی اعلام داشته است. حزب عدالت

بطور عمده از جوان‌های مسلمان که در زمینه تبلیغ و دعوت اسلامی کار می‌کنند تشکیل شده است و به نظر می‌رسد طرفداران این حزب به رعایت مسایل اسلامی مقید باشند. این حزب یکی از برنامه‌های بلندمدت خود را تبدیل شدن به یک حزب ملی اسلامی با نفوذ در سراسر اندونزی می‌داند.

۹. حزب نهضت‌الامه

این حزب توسط تعدادی از اعضای نهضت‌العلمای اندونزی تشکیل شده است. در این حزب بطور عمده افرادی از بخش‌های تبلیغی نهضت‌العلماء گردهم آمده که خود را متعلق به جمعیتی به نام اتحاد‌المبلغین اندونزی می‌دانند. این حزب اهداف خود را در راستای دعوت و تبلیغ اسلام عنوان نموده و شعار اهل‌السنه و الجماعه را در کنار پانچاسیلا ترویج نموده است. این حزب و چند حزب دیگر تشکیل شده در میان پیروان نهضت‌العلماء نوعی واکنش در برابر تأسیس حزب بیداری ملی و حمایت عبدالرحمان وحید از آن می‌باشد.

۱۰. حزب بیداری امت

حزب بیداری نیز همانند دیگر احزاب کوچک تشکیل شده توسط پیروان جمعیت نهضت‌العلماء مدعی است دیدگاه‌های اسلامی این حزب موجب ایجاد تشکیلات سیاسی متفاوتی با حزب بیداری ملی شده است. این حزب خود را ادامه دهنده راه نهضت‌العلماء در زمینه سیاسی می‌داند و با انتخاب شعار "عقیده اسلامی، اهل‌السنه و الجماعه" مدعی است که یک حزب اسلامی خالص را تشکیل داده است. با این وجود تصریح کرده هر چند که با هرگونه دولت سکولار مخالف است اما خواهان برقراری یک دولت اسلامی در اندونزی نیز نمی‌باشد.

۱۱. حزب بیداری ملی به رهبری ماتوری عبدالجلیل و دبیرکلی عبدالمهیمن اسکندر.

این حزب همزمان به اصول اعتقادی پانچاسیلا، ناسیونالیسم و اسلام قائل است. "بیداری ملی" از احزاب جدید اندونزی است که هم زمان با وضعیت سیاسی دوران اصلاحات با حمایت و پشتیبانی جمعیت نهضت‌العلماء، به ویژه رئیس آن عبدالرحمان وحید، تشکیل شد. از نظر رهبران حزب بیداری ملی، سیاست و دولت از مذهب باید جدا باشد زیرا در غیر اینصورت جامعه چند نژادی و چند مذهبی اندونزی با مشکلات متعدد مذهبی روبرو

خواهد شد. از طرف دیگر عدم حساسیت مذهبی این حزب موجب اعتراض برخی احزاب اسلامی شده است از جمله حزب "ماه وستاره" و حزب "متحد توسعه" که آنها این حزب را به تسامح بیش از حد در برابر غیرمسلمین متهم می‌کنند و معتقدند که حزب بیداری ملی مکان مناسبتری برای کفار تا مسلمانان می‌باشد. این اظهارات با واکنش شدید وحید روبرو شده و او چندین نوبت از دیدگاه‌های تسامح مذهبی حزب دفاع کرده است.

۱۲. حزب امت اسلامی اندونزیه ریاست انور یوسف و دبیر کلی عبدالله محمد.

این حزب هدف خود را ایجاد وحدت مذهبی و پیشبرد ایمان و تقوای جامعه دانسته است. احزاب دیگری نیز در این کشور هستند که دارای هویت اسلامی می‌باشند (مانند حزب وحدت، حزب بیداری مسلمانان اندونزی، و حزب دموکراتیک اسلامی) اما از فعالیت چندانی در راستای اسلامگرایی برخوردار نیستند. "امت اسلامی" جدای از آنکه خود را حزبی سیاسی با رویکرد کسب قدرت می‌داند اما مهمترین هدف و آرمانش را توسعه اسلامگرایی و تحکیم مبانی آن در جامعه قرار داده است.

جمع‌بندی

در دسته‌بندی‌های جامعه اسلامی اندونزی، دو گروه بزرگ وجود دارند که عبارتند از: تجددگراها، که طرفدار اسلام پیشرو هستند و گروه سنت‌گراها، که جانبدار اسلام بومی هستند. شاید «نهضت‌العلماء» را بتوان نماینده راستین گروه دوم نامید، با توجه به این مطلب که نهضت‌العلماء هیچ‌گاه در طول تاریخ فعالیت خود، یک نیروی جدی مخالف با دولت نبوده و همواره در قدرت با حکومت سهیم بوده است. و البته حزب بیداری ملی را نیز باید به عنوان شاخص‌ترین نماد گروه اول بدانیم. به طور کلی نقش اسلام در توسعه سیاسی جدید اندونزی به خصوص تحت تأثیر دو عامل قرار گرفته است؛ یکی ایدئولوژی مذهب‌گونه پانچاشیلا یا اصول پنج‌گانه و دیگری آیین‌های رهبری دو رژیم پس از استقلال آن، یعنی حکومت چپ‌گرای دموکراسی هدایت شده سوکارنو و رژیم راست‌گرای نظم جدید ژنرال سوهارتو. چون با سیاسی شدن اسلام، رژیم خود را در معرض خطر احساس می‌کنند، حرکت‌های اسلامی در این کشور اغلب در موضع تدافعی قرار داشته‌اند. با همه این اوصاف همگان بر ظرفیت‌های کم نظر جریان‌ها و احزاب اسلامی تأکید دارند این موضوع را البته در کنار یک واقعیت

نیز مورد ارزیابی قرار داد که جامعه اسلامی اندونزی به واسطه شرایط اقلیمی خاص و روحیه ملی مردمانش همواره در مرز میان افراط و تفریط بوده است به عبارتی می‌توان مدعی شد که به رغم سابقه چندین دهه‌ای جریان‌ها و احزاب سیاسی در اندونزی این جریان‌ها هنوز نتوانسته‌اند به خوبی آرمان‌های خود را برای جامعه تبیین و افکار عمومی مسلمانان آن کشور را در آن مسیر ساماندهی کنند. در نهایت باید گفت که، مهمترین مشکل کنونی جریان‌های اسلامگرا در اندونزی نبود استراتژی منسجم برای در دست گرفتن قدرت سیاسی در این کشور است. همچنین ظهور برخی جریان‌های اسلامی افراط‌گرا سبب شده است تا افکار عمومی نسبت به قدرت گرفتن احزاب اسلامی کمی بدبین شوند. قرائن و شواهد نشان می‌دهد تغییر این نگرش نیازمند تحولی عمیق در جبهه اسلامگراهاست.

گفتار چهارم

مقدمه‌ای بر ساختار نظام سیاسی در کشور اندونزی

احمد فیاض بخش

مقدمه و کلیاتی درباره جغرافیا، زبان، مردم اندونزی

اندونزی با نام رسمی جمهوری اندونزی کشوری فرا قاره ای است (در مجمع‌الجزایر مالایی بین قاره آسیا و اقیانوسیه) که بخش جنوب شرقی آسیا و بخش غربی اقیانوسیه را بین اقیانوس های هند و اقیانوس آرام در بر می گیرد. این مجمع‌الجزایر از بیش از ۱۷۰۰۰ جزیره از جمله سوماترا، جاوه، سولاوسی و بخش هایی از بورنئو و گینه نو تشکیل شده است.

اندونزی بصورت تاریخی همیشه تحت تأثیر قدرتهایی خارجی بوده که به منابع طبیعی آن چشم طمع داشته‌اند. برای مثال پادشاهی هندو و بودایی در اندونزی از قرون اولیه پس از میلاد تحت تأثیر هند شکوفا شد. بازرگانان مسلمانی که بعداً به این منطقه وارد شدند دین خود یعنی اسلام را نیز در این منطقه توسعه دادند. همچنین قدرت‌های اروپایی در رقابت برای گرفتن انحصار تجارت ادویه در جزایر مالوکو در دوره موسوم به دوران اکتشافات مداوماً باهم در حال جنگ در این منطقه بودند. پس از سه قرن و نیم استعمار هلند، اندونزی استقلال خود را پس از جنگ جهانی دوم بدست آورد. تاریخ اندونزی از آن زمان با چالش‌های ناشی از بلایای طبیعی، فساد، جدایی طلبی، فرآیند دموکراتیزه‌سازی و دوره‌های تغییرات سریع اقتصادی، در کش و قوس بوده است.

اقتصاد و سیاست

اقتصاد اندونزی هفدهمین اقتصاد جهان از نظر بزرگی اسمی تولید ناخالص داخلی می‌باشد و همچنین پس از تعدیل بر مبنای برابری قدرت خرید، بدلیل عظمت حجم تولید ناخالص داخلی اش دارای هفتمین اقتصاد بزرگ

جهان است. اندونزی یک قدرت منطقه ای است و در امور جهانی به عنوان یک قدرت میانه به شمار می رود. این کشور عضو چندین سازمان چندجانبه از جمله سازمان ملل متحد، سازمان تجارت جهانی، گروه اقتصادی موسوم به G۲۰، یکی از اعضای موسس جنبش غیرمتعهدها، انجمن کشورهای جنوب شرق آسیا، نشست سران آسیای شرقی، گروه کشورهای در حال توسعه موسوم به D-۸ و سازمان همکاری اسلامی است. اندونزی منابع طبیعی فراوانی دارد. صنایع اولیه آن ماهیگیری، نفت، الوار، محصولات کاغذی، پارچه های پنبه ای، گردشگری، استخراج نفت، گاز طبیعی، بوکسیت، زغال سنگ و قلع است. محصولات کشاورزی اصلی آن برنج، نارگیل، سویا، موز، قهوه، چای، نخل، لاستیک و نیشکر می باشند. این کالاها بخش بزرگی از صادرات کشور را تشکیل می دهند. در این کشور بخش اعظم صادرات به روغن نخل و زغال سنگ به اختصاص دارد. علاوه بر نفت خام و پالایش شده به عنوان واردات اولیه، تلفن، قطعات خودرو و گندم اکثر واردات اضافی را پوشش می دهند. چین، ایالات متحده، ژاپن، سنگاپور، هند، مالزی، کره جنوبی و تایلند بازارهای اصلی صادرات و شرکای واردات اندونزی هستند. در حوزه اقتصادی، شکافی در ثروت، نرخ بیکاری و سلامتی بین جزایر پرجمعیت و مراکز اقتصادی (مانند سوماترا و جاوه) و مناطق کم جمعیت و محروم (مانند مالوکو و پاپوآ) وجود دارد. با آنکه ۸۰ درصد از جمعیت اندونزی در بخش های غربی از این مجمع الجزایر زندگی می کنند، در عین حال این بخش از کشور کندتر از بقیه قسمت ها از مواهب رشد اقتصادی برخوردار شده است.

اندونزی یک جمهوری با یک سیستم ریاست جمهوری است. پس از سقوط نظم نوین در سال ۱۹۹۸، ساختارهای سیاسی و حکومتی دستخوش اصلاحات گسترده ای شدند، و پس از چهار مرتبه نوسازی و اصلاح قانون اساسی در خصوص اختیارات قوای مجریه، مقننه و قضاییه، بخشی از قدرت دولت مرکزی به دولتهای محلی و نهادهای مختلف منطقه ای تفویض شد ولی در عین حال محوریت دولت مرکزی حفظ گردید. رئیس جمهور اندونزی رهبر نظام، رئیس دولت، فرمانده کل نیروهای مسلح ملی اندونزی، مسئول حاکمیت در امور داخلی، تعیین سیاستهای کشور و امور خارجی است. رئیس جمهور این کشور می تواند حداکثر در دو دوره پنج ساله متوالی زمام امور را برعهده داشته باشد.

بالاترین نهاد نمایندگی در سطح ملی، مجلس مشورتی خلق است. وظایف اصلی آن پشتیبانی و اصلاح قانون اساسی، تحلیف و استیضاح رئیس جمهور و رسمی کردن خطوط کلی سیاست دولت است. مجلس مشورتی

خلق شامل دو خانه است: شورای نمایندگان مردم با ۵۷۵ عضو و شورای نمایندگان منطقه ای با ۱۳۶ عضو. اولی مسئولیت تصویب قوانین و نظارت بر قوه مجریه را برعهده دارد. اصلاحات از سال ۱۹۹۸ به طور قابل توجهی نقش اولی در حکمرانی ملی را افزایش داده است، در حالی که دومی بیشتر به منزله اتاق جدیدی است که وظائفش معطوف به مدیریت امور منطقه ای و حاکمیتها توسط دولتهای محلی است.

بیشتر اختلافات مدنی در دادگاههای ایالتی مطرح می شود درحالیکه استیناف های در دادگاههای عالی قابل طرح و رسیدگی می باشند. دیوان عالی کشور اندونزی به منزله شعبه قضایی در بالاترین سطح در این کشور است و به درخواستهای برای اظهار نظر نهایی و برای مرور روندهای قضایی در پروندههای منجر شده به احکام رسیدگی می کند. دادگاه های دیگر عبارتند از: دادگاه قانون اساسی که به مسائل قانون اساسی و سیاسی رسیدگی می کند، و دادگاه مذهبی که به پروندههای نقض حقوق شخصی اسلامی (شریعت) رسیدگی می کند. علاوه بر این، کمیسیون قضایی بر عملکرد قضات نظارت می کند.

نحوه تقسیم اختیارات میان دولت مرکزی و استانها، و تفویض قدرت به دولتهای محلی

در اندونزی تقسیم قدرت در چند سطح زیرمجموعه ای به وقوع پیوسته است. در سطح اول استانها هستند که دارای یک مجلس قانونگذاری و یک فرماندار منتخب می باشند. ابتدائاً در این کشور ۸ استان وجود داشت ولی بتدریج تقسیماتی در این استانها واقع شد که در نهایت از سال ۱۹۴۵ تا کنون عدد آنها را به ۳۸ استان رسانید. آخرین نمونه از وقوع تقسیمات در استانها، مورد جدا شدن جنوب غربی پاپوآ از استان پاپوآ غربی بود که در سال ۲۰۲۲ بوقوع پیوست. سطح دوم از انجام تقسیمات در بخش ها و شهرها بوقوع می پیوندد که به ترتیب توسط نایب ها و شهرداران یک مجلس قانونگذاری رهبری می شوند. در سطح سوم تقسیمات نواحی قرار می گیرند، و در سطح چهارم، روستاها. روستا پایین ترین سطح اداره دولتی است. در سطح روستا قدرت میان چندین گروه تقسیم می شود و بازهم تقسیمات ادامه میابند تا در نهایت گروه های محلی ایجاد شوند. پس از اجرای اقدامات خودمختاری منطقه ای در سال ۲۰۰۱، مناطق و شهرها به واحدهای اداری اصلی تبدیل شدند که مسئول ارائه اکثر خدمات دولتی هستند. سطح مدیریت روستا بیشترین تأثیر را بر زندگی روزمره شهروندان دارد و در این سطح از طریق انتخاب یک دهیار به امور روستا یا محله رسیدگی می شود.

به نه استان در اندونزی شامل استانهای آچه، جاکارتا، یوگیاکارتا، پاپوآ، پاپوآ مرکزی، هایلند پاپوآ، پاپوآ جنوبی، پاپوآی جنوب غربی و پاپوآ غربی از سوی دولت مرکزی یک وضعیت خودمختار ویژه اعطا شده است. آچه که یک قلمرو اسلامی محافظه کار است، حق ایجاد برخی از جنبه های یک نظام حقوقی مستقل مجری شریعت را دارد. جاکارتا به دلیل موقعیتش به عنوان پایتخت اندونزی، تنها شهر دارای حکومت استانی است. یوگیاکارتا تنها پادشاهی باقیمانده از دوران پیش از استعمار است که به طور قانونی در اندونزی به رسمیت شناخته شده است، و در این قلمرو خاص از کشور، فرماندار و معاون فرماندار به ترتیب بر سلطان یوگیاکارتا و دوک پاکوالامان در اولویت از جهت داشتن قدرت قرار گرفته اند. شش استان پاپوآ تنها استان هایی هستند که در آن مردمان بومی در رسیدن به قدرت در حکومت محلی در آن قلمروها، نسبت به سایر ساکنین از امتیازاتی ویژه برخوردارند.

اقوام، زبانها، مذاهب

اندونزی متشکل از هزاران قوم بومی متمایز و صدها گروه زبانی است که جاوه ای ها بزرگترین آنها هستند. با این وجود بنظر می رسد یک هویت مشترک نیز در این کشور میان همه اقوام شکل گرفته و همگی در راستای تلاش برای تحقق شعاری با این مضمون «وحدت در تنوع» به حدودی از موفقیت دست یافته اند. این موفقیت تا حدودی در گروه وجود یک زبان ملی مشترک و درعین حال احترام به تنوع فرهنگی و کثرت گرایی مذهبی در یک جمعیت با اکثریت مسلمان بوده است و از سوی دیگر یک حس مشترک ضدیت با استعمار و شورش علیه آن نیز به تحقق وحدت در میان مردم از همه اقوام کمک کرده است. علیرغم تضمین آزادی مذهبی در قانون اساسی، دولت به طور رسمی تنها شش دین را به رسمیت شناخته است: اسلام، پروتستان، کاتولیک رومی، هندوئیسم، بودیسم و کنفوسیوس. دیگر ادیان بومی تنها تا حدی به رسمیت شناخته شده اند. اندونزی با وجود داشتن ۲۳۱ میلیون پیرو مذاهب مختلف اسلامی (۸۶,۷٪) در سال ۲۰۱۸، پرجمعیت ترین کشور مسلمان جهان می باشد. در این میان سنی ها اکثریت (۹۹٪) را تشکیل می دهند. شیعیان و احمدی ها به ترتیب ۱٪ (۱-۳ میلیون) و ۰,۲٪ (۲۰۰۰۰۰-۴۰۰۰۰۰) از مسلمانان اندونزی را تشکیل می دهند. حدود ۱۰ درصد از اندونزیایی ها مسیحی هستند و اکثریت آنها را در هفت استان در شرق اندونزی ساکن می باشند. عوامل ذیل باعث رشد و گسترش اسلام در اندونزی شده اند:

- مهاجرت ایرانیان
- سادات حضرموت یمن
- هند و گجرات هند
- تجارت مسلمانان در مسیر رسیدن به چین

باعنایت به عوامل فوق معلوم می‌شود که اسلام با جنگ وارد این منطقه نشده است. بعلاوه به نظر می‌رسد که رشد اسلام در منطقه از اواخر قرن دوم یا اوائل قرن سوم آغاز گردید. غالب مردم این کشور شافعی مذهب هستند ولذا در میان آنان سنتها و عادات شیعی به نسبت رواج بیشتری دارند. مردم اندونزی ۹ ولی دارند که ۷ تای آنها ایرانی هستند. برای مثال رئیس نهضت العلما از نسل یکی از اینهاست و در انتهای نام خانوادگی او از لفظ «کاشانی» بهره گرفته شده است. از جمله مراسمهای مذهبی یکی تابوت است که در روز عاشورا در بنکلو است، و دیگری مراسم موسوم به مولد النبی در طی سه هفته در ایام تولد پیامبر. محبت اهل بیت در این مردم هست و نیازی به بیان آن نیست. بصورت کلی می‌توان گفت که مردم اندونزی مثل یک کاغذ سفید هستند. هر گروهی که با آنها مواجه می‌شود اگر بتواند بروی این کاغذ سفید چیزی بنویسد، می‌تواند آنها را به تملک خود در آورد. و اگر در این زمینه تعلل شود، سایر گوی سبقت را برده و حرفهای خودشان بر این صفحه حک می‌نمایند. بسیاری از مردم اندونزی به جهت دور بودن از مراکز اسلامی این تصور را دارند که اسلام همان آداب و سنتی است که بنام اسلام میان آنها رواج دارد.

گفتار پنجم

احزاب اپوزیسیون در اندونزی (گرایش‌های سیاسی داخلی و بین‌المللی / گرایش‌های دینی و نژادی / شخصیت‌های اصلی)

امیر حسین زاده

مقدمه

اندونزی با حدود ۱۹۰۴۵۶۹ کیلومتر مربع مساحت کشوری است در میان دو پهنه بزرگ آبی اقیانوس هند و آرام ، که دارای ۱۸۱۱۵۶۹ کیلومتر مربع وسعت خشکی ، و ۹۳،۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت آبی است . این کشور با بیش از ۱۷ هزار جزیره ، بزرگ‌ترین مجمع‌الجزایر جهان محسوب می‌شود و مردمان آن دارای زبان ، نژاد و خرده فرهنگ‌های مختلفی هستند . مناطق مختلف این مجمع‌الجزایر دارای خرده فرهنگ‌های جاوه‌ای ، دایاک ، سوندانی ، پراکانان ، بتاوی ، مدوریوباتاک است. اندونزی به ۳۴ استان تقسیم شده و شهرهای مهم آنجاکارتا ، سورابایا ، مدان ، جوکجاکارتا ، باندونگ ، بالی ، باندا آچه می‌باشند .

(پایگاه اینترنتی سفارت ج.ا.ا در اندونزی، ۱۴۰۱)

کشور اندونزی بیشترین درصد جمعیتی مسلمانان جهان را با حدود سیصد میلیون نفر در خود جای داده است. مسلمانانی که اسلام را نه در تاریخ، بلکه از ماورای مرزهای خود دریافت کرده اند و هویت خود را بر اساس آن تعریف کرده اند.

(آرانی و همکاران، ۱۳۹۹، ص: ۶۵)

در این کشور احزاب و گروه‌های سیاسی مختلفی وجود دارند که در ادامه بدان پرداخته میشود.

احزاب مهم اندونزی

احزاب سیاسی در اندونزی عبارتند از: حزب دمکراتیک مبارز (به رهبری خانم مگاواتی)، گلکار (به رهبری آقای هارتارتو)، دموکرات (حزب دولت پیشین به رهبری یود یونو رئیس جمهور قبلی) و احزاب اسلام گرای اتحاد توسعه، بیداری ملی، رسالت ملی و عدالتور فاه.

در سال‌های اخیر احزاب جدیدی با نام‌های گریندرا و هانورا نیز به جمع احزاب بزرگ در مجلس اندونزی اضافه شده که حزب گریندرا با رشد فراوان آراء توانست در انتخابات سال ۲۰۱۴ تعداد ۷۳ کرسی را در مجلس کسب نماید. رهبر این حزب در انتخابات سال ۲۰۱۴ ریاست جمهوری، به عنوان تنها نامزد ائتلاف مخالفین رئیس جمهوری منتخب، با جوکووی (استاندار جاکارتا) رقابت کرد.

(پایگاه اینترنتی سفارت ج.ا.ا در اندونزی، ۱۴۰۱)

هم اکنون گریندرا ۷۸ کرسی از مجلس نمایندگان اندونزی را در اختیار دارد و سومین حزب مجلس است.

احزاب اپوزیسیون

رئیس جمهور فعلی اندونزی آقای جوکووی دودو است بر اساس قانون اساسی اندونزی، هر دوره ریاست جمهوری در این کشور پنج سال است و هیچ فردی نمی‌تواند بیش از ۲ دوره رییس جمهور باشد. دوران ریاست جمهوری جوکووی نیز در اکتبر سال ۲۰۲۴ به پایان خواهد رسید و احتمال انتخاب مجدد ایشان به ریاست جمهوری وجود دارد.

با این حال در اواخر ژانویه ۲۰۲۲، احزاب سیاسی در اندونزی تصمیم گرفتند تا انتخابات ریاست جمهوری را طبق زمان‌بندی انجام شده در ۱۴ فوریه ۲۰۲۴ برگزار کنند. البته موضوع افزودن دوره سوم به دوران ریاست جمهوری یک امکان دیگر است؛ تخمین زده می‌شود که در سال ۲۰۲۴ کماکان و دستکم ۴۰ درصد از مردم اندونزی از جوو کووی حمایت کنند.

جدای از تمدید دوران ریاست جمهوری جوکووی، احزاب دولت ائتلافی هم در حال برنامه‌ریزی برای داشتن نامزد در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ هستند.

بیشترین توجه و تمرکز در این زمینه نیز متوجه «پرابووسویانتو» رقیب سابق جوکووی و وزیر دفاع کنونی است که به نظر می‌رسد اشتیاق بیشتری برای تشکیل یک ائتلاف بزرگتر بین حزب خود یعنی «حزب گریندرا» با حزب مبارز دموکراتیک اندونزی است. (رهبر گنجه، ۱۴۰۰)

حزب گریندرا

حزب گریندرا حزب ژنرال پوربوو سوبیانتو است که سومین حزب تشکیل دهنده نمایندگان مجلس اندونزی است و هم اکنون ۷۸ کرسی در مجلس اندونزی را دارد. گرایش‌های ایدئولوژیک و مذهبی حزب گریندرا عبارتند از: پانچاسیلا، ضدیت با کمونیسم، ملی‌گرایی اندونزیایی، محافظه‌کاری اجتماعی، مردم‌گرایی راست‌گرایانه. (ویکی‌پدیا، مدخل: Gerindra، ۱۴۰۱)

سیاست خارجی حزب گریندرا تابع از سیاست خارجی حکومت اندونزی است و نسبت به سیاست خارجی کلی اندونزی می‌توان گفت: آنچه در سیاست خارجه اندونزی مشهود است و از سوی دولت نیز بارها بر آن تأکید شده است سیاست "فعال و آزاد" این کشور است و این که این سیاست مبتنی بر دوستی با همه کشورها و پرهیز از هر گونه تنش و ایجاد دشمنی است. شعار رهبران سیاسی اندونزی، خصوصاً در دو دهه اخیر، "هزاران دوست و دشمن هیچ" بوده است و همیشه پرچمدار اعتدال‌گرایی و میانه‌روی بوده است.

(سایت سفارت ج.ا.ا در اندونزی، ۱۴۰۱) حزب گریندرا نیز با همین سیاست حرکت میکند.

نسبت به گرایش‌های دینی و نژادی حزب گریندرا می‌توان گفت این حزب، سه شاخه مسلمان، مسیحی و هندو – بودایی دارد و تمام ادیان و دین‌واره‌های موجود در اندونزی را پوشش داده و خود را مختص به یک دین خاص نکرده است و در ایدئولوژی‌های پیش‌گفته در این حزب هم هیچ‌گرایش دینی دیده نمی‌شود و فقط ضدیت با کمونیسم کمی صبغه دینی دارد با توجه به اینکه برای احزاب سیاسی خصوصاً در کشوری مثل

اندونزی مساله اول دسترسی به قدرت است و گرایشات دینی بخاطر توجه به ارزش ها در این زمینه محدودیت ایجاد میکنند، گرایشات دینی در این حزب وجود ندارد. با توجه به تنوع نژادی کشور اندونزی این حزب همه نژادها و حتی ادیان را هم پوشش داده است.

درباره شخصیت های اصلی حزب گریندرا میتوان گفت رئیس گریندرا ژنرال پرابووسویانتو است که هم اکنون وزیر دفاع اندونزی است، و ۷۲ سال سن دارد. ایشان داماد سوهارتو رئیس جمهور اسبق اندونزی بوده که در سال ۹۸ میلادی در پی بحران در این کشور همسر خود را طلاق داده است. در سال ۲۰۱۹ میلادی ژنرال پرابو شکست خود در انتخابات ریاست جمهوری را قبول نکرده و مجریان انتخابات را به تقلب متهم نمود، حامیان او با نیروهای امنیتی درگیر شدند و این درگیری ها ۶ کشته و ۲۰۰ زخمی در جاکارتا برجای گذاشت. جوکوی با کسب ۵۵,۵ درصد آراء در این انتخابات پیروز شد و پرابو تنها ۴۴,۵ درصد از آراء را کسب کرده بود. (ویکی پدیا، مدخل: Prabowo Subianto, ۱۴۰۱)

شخصیت دوم حزب گریندرا معاون ژنرال پرابو، ژنرال ساندياگو صلاح الدين اونو، است. ایشان ۵۴ سال سن دارد و هم اکنون وزیر توریسم و اقتصاد پویا در دولت فعلی اندونزی است و پیش از آن معاون فرماندار جاکارتا بوده است. ایشان فارغ التحصیل MBA از دانشگاه جورج واشنگتن در سال ۱۹۹۲ است و پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه در شرکتهای متعددی کار انجام داده و به یکی از ثروتمند ترین مردان اندونزی تبدیل شد. در سال ۲۰۱۵ از محیط کسب و کار فاصله گرفت و به حزب گریندرا پیوست. (ویکی پدیا، مدخل: Sandiaga Salahuddin Uno, ۱۴۰۱)

جمع بندی و نتیجه گیری

برای تعامل با شهروندان یک کشور اطلاع کلی از وضعیت سیاسی آن کشور ضروری است، معمولاً در کشورها یک جریان حاکم و یک جریان اپوزیسیون وجود دارد و جریان حاکم قدرت را در دست دارد و جریان اپوزیسیون بدست آوردن قدرت است. جریان حاکم در کشور اندونزی حزب دموکراتیک مبارز و رئیس جمهور اندونزی جوکوی دودو متعلق بدان است و در مقابل آن حزب گریندرا به رهبری ژنرال پرابو قرار دارد.

اپوزیسیون فعلی در اندونزی نشان داده خود را مقید به قانون و نظم جامعه نمیداند و پس از شکست در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۸ در اندونزی، مردم را به خیابانها کشانده و باعث کشته و زخمی شدن عده ای گردید و ممکن است در انتخابات آتی در سال آینده نیز این مساله تکرار شود.

منابع و مآخذ

- ستوده آرانی، محمد؛ حسینی جبلی سید میرصالح، خادمی، سید محمد حسن، (۱۳۹۹) همپوشانی مولفه های هویت ساز بر هویت بخشی دینی کنشگرام اجتماعی اندونزی، فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، سال ۷، شماره ۴، بهار ۱۳۹۹.
- رهبر گنجه، مهدی؛ (۱۴۰۰) داغ شدن تنور سیاست در اندونزی، پایگاه خبری ایرنا، آدرس صفحه وب:
- پایگاه اینترنتی سفارت ج.ا.ا در اندونزی، آدرس صفحه وب:
- <https://indonesia.mfa.gov.ir/portal/GeneralCategoryServices/۴۳۱۶>
- https://en.wikipedia.org/wiki/Sandiaga_Uno
- https://en.wikipedia.org/wiki/Prabowo_Subianto

فصل ۲

دین، فرهنگ و سیاست در مالزی

مالزی کشوری چند قومیتی است که دست‌یابی به وحدت ملی و پیشگیری از تنش‌های قومی، دغدغه اصلی حاکمیت سیاسی در آن کشور می‌باشد. از آن‌جا که دولتمردان مالزی پیشرفت کشور را در گرو عبور از تنش‌های موجود قومیتی و مذهبی می‌دانند از دین، نه مثابه یک ابزار بلکه به عنوان اصلی در عرصه سیاسی با اتکاء به قرائتی میانه‌رو از اسلام، بهره بردند و با پذیرش کثرت‌گرایی معضل رابطه دین و سیاست و جامعه را حل نموده و از این رهگذر با بکارگیری همه نژادها و قومیت‌ها و مذاهب به نظامی سیاسی متشکل از احزاب سیاسی که نماینده قومیت‌های خود بودند، دست یافتند.

پژوهش‌های حاضر با هدف بررسی چگونگی کاربست این استراتژی جهت تداوم اقتدار سیاسی مسلمانان بر سایر اقوام، در صدد آن است تا به منظور پاسخ به سوال اصلی "چگونه قرائت خاص از اسلام توانست ساختار سیاسی مالزی را در ایجاد همسازی اجتماعی در آن جامعه چند قومیتی یاری رساند؟" صحت فرضیه پیشنهادی "نظام سیاسی مالزی با برجسته سازی آموزه های اسلامی مشترک با دیگر قومیت ها نظیر اخلاق قوی کار موجب شده تا گروه های قومی با اولویت بخشی منافع ملی، مطالبات خود را در قالب ساختارهای دموکراتیک دنبال کنند و در نتیجه، زمینه اجرای سیاست های فراگیر چندقومی فراهم شده است." را با گردآوری داده‌ها از طریق روش اسنادی و مطالعه کتابخانه‌ای، مورد آزمون قرار دهد.

یافته های تحقیق نشان می‌دهد اسلام مالایی از ظرفیتی برخوردار است که می‌تواند به سازواری با پیروان سایر ادیان و مذاهب برسد و مشکلاتی که امروزه در برابر بسیاری از کشورهای اسلامی چند قومیتی و یا کشوری نظیر میانمار قرار دارد، در مالزی به حداقل ممکن برسد و در قالب رقابت‌های دموکراتیک جلوه‌گر شود.

گفتار اول

ساختار سیاسی مالزی؛ قرائت خاص اسلامی جهت ایجاد همسازی اجتماعی

مجتبی عطارزاده

مقدمه

مالزی کشوری چند نژادی است. در مرکزیت تصمیم‌گیری سیاسی این کشور، رقابتی میان مالایایی‌ها و دیگر اقوام از جهت مطالبه حقوق سیاسی برابر و حق خودمختاری برای زبان بومی و فرهنگ شان به چشم می‌خورد. از این رو از زمان استقلال مالزی، ایجاد هماهنگی نژادی همواره یکی از مسائل مهم در این کشور بوده است.

در دوره سلطه بریتانیا بر مالزی، غیرمالایایی‌ها به عنوان بیگانگان تلقی می‌شدند. از آن جا که در این دوره، مالایا بیشتر به عنوان منطقه جذاب تجاری تلقی می‌شد تا یک کشور، در نتیجه مهاجران غیر مالایایی نیز به عنوان کارگر، صنعتگر و تاجر محسوب می‌شدند، یعنی همه افرادی که وجودشان برای پیشبرد سرمایه داری غربی و منافع تجاری ضروری بود و تا زمانی که تهدیدی برای حاکمیت انگلیس نداشتند و یا در امور مربوط به قلمرو مالایا مداخله نمی‌کردند، اجازه داشتند به زندگی خود ادامه دهند. انگلیس هیچ مسئولیت ویژه‌ای در قبال آن‌ها نداشت و در نتیجه، آن‌ها نیز علاقه‌ای به حقوق سیاسی و وضعیت اجتماعی نداشتند.

پس از استقلال در سال ۱۹۶۹م، مسئله ناهمسازی قومی زمانی بروز نمود که آشوب‌های نژادی به یکباره در پایتخت (کوالالامپور) بالا گرفت. مردم دسته دسته بر اثر خشونت نژادی کشته شدند. نهادهای دموکراتیک موقتاً برای نظم بخشیدن به کشور، منحل شدند و اقتدار کامل به «شورای عملیات ملی» واگذار شد. متعاقب این رویداد مردم مالزی متوجه شدند که برای حفظ وحدت و توفیق در برابر اقلیتی که آن را بیگانه می‌دانستند باید به مهم‌ترین عامل فرهنگی خود یعنی اسلام رو آورند. لذا از این پس بود که جامعه وارد فاز احیای دین شد و

تشکل‌های اسلامی در قالب احزاب سیاسی فعال شدند و با ارائه نگاه متفاوتی به اسلام، توجه همگان را به نظام قدرتمند اقتصادی اسلام در برابر نظام اقتصادی روز دنیا که بر مبنای سرمایه داری شکل گرفته، جلب نمودند. حکومت، نیز دریافتی اصلاح طلبانه و اثباتی از اسلام و ارزش‌های اسلامی ارائه داد و اسلام را به عنوان دینی پویا که اخلاق کار قوی دارد معرفی کرد تا بتواند پشتوانه لازم را برای رویکرد مالزی به تجارت و صنعتی شدن تدارک ببیند. این دیدگاه در برنامه چشم انداز ۲۰۲۰ بازتاب یافت که در سال ۱۹۹۱ به عنوان جایگزین "سیاست اقتصاد ملی"، یعنی برنامه بیست ساله توسعه مالزی بعد از شورش‌های ۱۹۶۹، مطرح شد. هدف برنامه چشم انداز ایجاد کشوری مدرن و صنعتی در دهه دوم قرن ۲۱ بود که تسهیم قدرت بین مرکز و ایالات و ایفای نقش حداقلی دولت، توانست نیل بدان را محقق سازد تا ساختار قومی و مذهبی این کشور، نماد مصالحه و کنش مسالمت آمیز بین اقوام و مذاهب گوناگون، بدون درگیری خشونت آمیز شناخته شود.

بر اساس آنچه گذشت، نوشتار حاضر بر آن است تا به منظور پاسخ به این سوال اصلی که "چگونه قرائت خاص از اسلام توانست ساختار سیاسی مالزی را در ایجاد همسازی اجتماعی در آن جامعه چند قومیتی یاری رساند؟" صحت این فرضیه که "نظام سیاسی مالزی با برجسته سازی آموزه های اسلامی مشترک با دیگر قومیت‌ها نظیر اخلاق قوی کار موجب شده تا گروه های قومی با اولویت بخشی منافع ملی، مطالبات خود را در قالب ساختارهای دموکراتیک دنبال کنند و در نتیجه، زمینه اجرای سیاست های فراگیر چندقومی فراهم گردد." را با کاربست روش توصیفی-تحلیلی و از طریق مطالعه اسنادی مورد کاوش قرار دهد.

پیشینه تحقیق

فراستی، زرگر و صدیق (۱۴۰۰) در مقاله «دولت - ملت سازی در غرب آسیا؛ ارائه الگوی بومی برای غلبه بر چالش‌ها» سعی نموده اند یک طرح تحلیلی کلی جهت تبیین فرایند و چالش‌های پیش روی روند دولت - ملت سازی در منطقه غرب آسیا ارائه نمایند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهد وجود شکاف‌های قومی، مذهبی و نژادی، عدم شکل‌گیری و تثبیت هویت ملی، عدم استقرار ساختارهای دموکراتیک و نیز عدم حل

اختلافات سرزمینی با کشورهای همسایه و مداخله خارجی باعث شده تا هیچ طرح و مدل فراگیری برای پیشبرد فرایند دولت - ملت سازی و برون رفت از مشکلات و بحران های این منطقه وجود نداشته باشد.

-رنجکش (۱۳۹۸) در مقاله «درنگی بر آسیب شناسی ابعاد نهادی توسعه مالزی» درصدد است تا نگاهی آسیب شناختی به توسعه مالزی (از چارچوب نظریه نهادگرایی) داشته باشد. یافته های این پژوهش نشان می دهد به دلیل وجود عدم توازن قوای حزبی، دموکراسی ناقص، عدم استقلال رسانه ها و آسیب پذیری سیستم قضایی. مالزی از منظر نهادگرایی برای دستیابی به توسعه با چالش رو به رو است.

-خانعلی زاده و سلطانی (۱۳۹۵) در مقاله «تنش های قومی و رویکرد اقتصادی مالزی به توسعه» با هدف تشریح میزان موفقیت رهبران مالزی در کاهش اختلافات قومی، ضمن توضیح ترکیب جمعیتی این کشور، آورده اند وقوع بحران ۱۹۶۹ احساس نیاز به مدیریت تنش ها و یافتن راه حل های سیاسی و هدفمند را بیش از پیش نمایان ساخت و رهبران مالزی با رویکردی اقتصادی به توسعه، در صدد کاهش اختلافات قومی برآمدند که این روند از اوایل دهه ۷۰ آغاز شد و هنوز ادامه دارد.

-مرادی حقیقی و موثقی گیلانی (۱۳۹۴) در مقاله «کارکرد اجتماعی و فرهنگی مذهب در توسعه مالزی» تلاش دارند تا به اهمیت مذهب در یک کشور اسلامی در جهت پیگیری اهداف توسعه و رعایت توازن و تعادل در برنامه ریزی های مربوط به آن بپردازند. نتیجه پژوهش ایشان نشانگر آن است که آگاهی موثر سیاست گذاران مالزیایی از سنت های مطلوب فرهنگی در چارچوب مذهب، زمینه ارتقای سطح فکری جامعه و شکل گیری فرهنگ مطلوب توسعه را در مالزی فراهم نموده است.

جوان (۱۳۹۰) در کتاب «سیاست و حکومت در مالزی» می کوشد طی شانزده فصل، سیاست و حکومت کشور مالزی را مورد مطالعه قرار دهد. وی در این راستا ابتدا به تبیین تاریخ کشور مورد بحث پرداخته و چگونگی به استقلال رسیدن آن را تشریح کرده است. سپس در ادامه شیوه زمامداری سیاستمداران کشور مالزی و سیاست آن ها در قبال دیگر کشورها را شرح داده است. عناوین برخی سرفصل های کتاب، عبارتند از: تاریخ مالزی اولیه؛ منازعه برای استقلال؛ سازماندهی حکومت سلطنت مشروطه؛ قانون اساسی فدراسیون مالزی؛ دولت ایالتی و اقتدار محلی؛ همگرایی ملی و اتحاد و مسایل و چالش ها.

هر چند در هریک از مطالعات پیشین، کشور مالزی از زوایای مختلف کاویده شده است، اما موضوع استفاده از مذهب در مدیریت قومیت ها، مورد عنایت قرار نگرفته که این قلم در راستای تکمیل پژوهش های پیشین، این مهم را وجهه همت خود قرار داده است تا بر غنای ادبیات این حوزه، افزوده گردد.

مالزی در یک نگاه

این کشور در جنوب شرق آسیا واقع شده و پایتخت آن کوالالامپور است. سازمان های دولتی و وزارت خانه های این کشور در شهر جدید پوتراجایا (پایتخت اداری) این کشور واقع هستند. کشور تایلند در شمال و اندونزی در جنوب شرق آن قرار گرفته اند. سواحل شرقی آن کشور که به دریای چین جنوبی مشرف است، به تعدادی جزایر و تخته سنگ های مرجانی ختم می شود. مهم ترین راه ارتباطی اقیانوس هند و اقیانوس آرام، تنگه مالاکا، در سواحل غربی آن واقع شده است. این سواحل بدون بریدگی و بعضاً دارای باتلاق می باشند که برای تأسیسات بندری مساعد نیست. اقیانوس های هند و آرام نیز در جنوب و شرق این کشور قرار دارد. مساحت مالزی ۳۳۰۴۳۴ کیلومتر مربع می باشد و مرکب از سه جزیره مهم ساراواک، مالایا و صباح است.

رودهای معروف آن «پاهانگ» و «کلانتان» نام دارند که به دریای چین جنوبی می ریزند. این کشور دارای آب و هوای استوایی بوده، ۷۵٪ خاک آن را جنگل های استوایی پوشش می دهد. آب و هوای آن در کل گرم و مرطوب است و در معرض وزش بادهای «موسون» قرار دارد. با این همه، پوشش گیاهی شبه جزیره، جنگل های انبوه و همیشه سبز استوایی است. در واقع متراکم ترین پوشش گیاهی آب و هوای مناطق گرم و مرطوب را می توان در مالزی مشاهده کرد. ترکیب گیاهی مالزی در شمار غنی ترین نوع در جهان است و حدود ۸۰۰۰ گونه گیاهی که ۲۵۰۰ نوع آن درخت است در مالزی می روید. میزان تراکم پوشش جنگلی و گیاهی به گونه ای است که غالباً مانع از تابش نور خورشید به زمین می شود، هر چند در دهه های اخیر وزش بادهای شدید و طوفان های استوایی به قسمت هایی از آن آسیب جدی وارد کرده است (مسائلی، ۱۳۷۵: ۱۱).

مالزی گذرگاه اصلی و مهم در آب های جنوب شرقی آسیا است و این موقعیت باعث شده اقوام و نژادهای مختلف از نقاط دیگر آسیا به سوی این سرزمین هجوم آورده و در کل چهار گروه عمده نژادی و قومی را به وجود آورند و ارانگ اصلی، مالایو، چینی و شبه قاره ای «هند» در آن سکنا گزینند. گروه ارانگ اصلی از لحاظ

کمیت کوچک‌ترین گروه قومی بوده و به سه گروه عمده کوچک‌تر تقسیم می‌شوند: جاکیون، سمانگ و سنویی. این گروه‌ها از لحاظ دینی و فرهنگی نیز همگونی ندارند. شماری از آنان اسلام آورده‌اند و بخش عمده آنان، پیرو مذاهب سستی باقی مانده‌اند.

جمعیت این کشور، نژادهای گوناگون با فرهنگ و مذاهب کاملاً متمایز شامل مالایو و دیگر نژادهای بومی (۵۹ درصد)، چینی (۳۲/۱ درصد)، هندی (۸/۲ درصد) را در بر می‌گیرد (جعفری، ۱۳۸۴: ۳۳۹). قوم مالایو که بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و به لحاظ سیاسی مهم‌ترین قوم کشور شمرده می‌شوند، به شدت پایبند به اسلام و دارای فرهنگ و زبان و دین مشترک می‌باشند. دین اسلام مهم‌ترین مؤلفه فرهنگی و ویژگی این قوم است.

قوم دیگر در مالزی یعنی چینی‌ها خود به هفت گروه کوچک‌تر تقسیم شده و در برخی استان‌ها تا یک سوم جمعیت را به خود اختصاص می‌دهند. قوم چهارم از مردمان شبه قاره «هند» هستند که هندی، پاکستانی و سریلانکایی می‌باشند و حدود ده درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.

در مورد اقوام کشور این نکته قابل یادآوری است که جزایر مختلف از لحاظ تنوع قومی شرایط یکسان نداشته و جزایر شرقی یا مالزی شرقی، تنوع قومی بیشتری دارند و در حقیقت به گونه‌ای که دو جزیره ساراواک و صباح، حدود ۲۵ گروه قومی را در خود جای داده‌اند (یاوری، ۱۳۸۱: ۲۴۷).

بر اساس گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۱۰، جمعیت مالزی ۲۷ میلیون نفر، میانگین رشد سالانه آن طی سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۰، ۱/۹ درصد، و میزان با سوادان آن بیش از ۹۰ درصد جمعیت اعلام شده است (۳۷۸: ۲۰۱۰: World Development Report).

در سال ۲۰۰۶، تنها حدود ۴ درصد مردم زیر خط فقر (در مقایسه با ۲۰ درصد در ایران در همان سال) با نرخ تورم سالانه ۲ درصدی (برای ایران تقریباً ۱۹ درصد) و نرخ بیکاری ۲ درصدی (در ایران در همان سال ۲۱ درصد) سالانه از دیگر نشانه‌های سلامت اقتصاد این کشور به شمار می‌رود. درآمد سرانه مالزی برای هر نفر در سال ۲۰۰۷ معادل ۱۲۹۰۰ دلار آمریکا بوده است.

ترکیب جمعیتی مالزی جوان است، طوری که ۳۳/۳ درصد زیر ۱۵ سال و حدود ۳۱ درصد بین ۱۵ الی ۳۱ سال سن دارند. ارزشهای اجتماعی همچون سخت کوشی، امانتداری، صرفه جویی و احترام به قوانین و حقوق دیگران، پشتوانه توسعه و پشت کار از جمله ویژگی های اهالی آن کشور است. دولت مردان مالزی به دنبال تربیت شهروندان فرهیخته، دین باور، قانونمند، درستکار، اخلاقی و مفید برای جامعه هستند (برادران شرکاء، ۱۳۸۷: ۱۷۳).

زبان رسمی مالزی، باهاسا مالزیا بوده، هر چند انگلیسی نیز رواج فراوان دارد و نژادهای چینی و هندی و قبایل بومی در دو ایالت صباح و ساراواک به زبانهای خاص خود تکلم می کنند.

مالزی از نظر منابع اولیه طبیعی، کشوری غنی به شمار می رود. از منابع مهم این کشور، نفت و گاز طبیعی، کائوچو، روغن نخل، قلع، کاکائو و الوار میباشند. از نظر صنعتی نیز در شمار کشورهای تازه صنعتی شده به شمار می آید که عمدهترین محصولات آن را روغن نخل، کائوچوی طبیعی، تولیدات الکترونیکی، خودرو و دستگاه تهویه مطبوع تشکیل میدهند (مسائلی، ۱۳۷۵: ۹۷). بر اساس آمارهای سالهای اخیر، صادرات مالزی ۱۸/۶ میلیارد دلار و واردات آن ۹۶/۸ میلیارد دلار است. مالزی در رتبه بندی شاخص آزادی اقتصادی در سال ۲۰۰۷، با کسب ۶۵/۸۵ امتیاز در رتبه ۴۸ قرار دارد. در بین ۳۰ کشور جنوب شرق آسیا، جایگاه هشتم و در بین ۱۰۲ کشور در حال توسعه، رتبه ۱۵ را دارد (فیضی، ۱۳۸۷: ۵۵۹).

پیشینه تاریخی و روند شکل گیری مالزی

شبه جزیره مالایا و بخش شمالی جزیره بورنئو (ایالتهای ساراواک و صباح) در آغاز به وسیله بومیان جنگل نشین مسکون گردید. در هزاره دوم قبل از میلاد، مهاجرت گروهی از چینها از چین جنوبی به شبه جزیره مالایا و نواحی مالزی و اندونزی و فیلیپین امروزی آغاز شد. آنان به ترویج فلزکاری و کشاورزی پرداختند و نفوذ هندیان هم به رواج باورهای مذهبی هندی و سازماندهی سیاسی و ترویج زبان سانسکریت انجامید. در سده اول میلادی، دولت پادشاهی فونان که به شدت تحت تأثیر فرهنگ هندی قرار داشت، در دره رود مکونگ تأسیس گردید. آغاز داد و ستد با چین به پیدایش بندر مالاکا در سده پانزدهم میلادی منجر شد و فرمانروایان

آن، نخستین کسانی بودند که در آن منطقه به ترویج آئین اسلام پرداختند و داد و ستد با بازرگانان مسلمان موجب رونق اقتصادی بازارهای مالاکا و مالزیا و اندونزی امروز گردید و آئین بودا به مرور جای خود را به مذهب اسلام داد.

شکل‌گیری مالزی به صورت یک کشور مستقل، شبیه اندونزی است، یعنی وضعیت کنونی و تعیین مرزهای جغرافیایی آن، به دوره استعمار غرب باز می‌گردد. در گذشته، مالزی جزئی از سرزمین بزرگ اندونزی-مالی بود (شاهنده، ۱۳۷۴: ۵۹) و همچون دیگر ممالک جنوب شرقی آسیا تا پایان جنگ جهانی دوم، به طور مستقیم و غیرمستقیم تحت استعمار کشورهای غربی (انگلستان) و شرقی (ژاپن) بوده است.

این کشور ابتدا در قرن هجدهم میلادی به تحت‌الحمایگی انگلیس درآمد و تا سال ۱۹۴۱م انگلیسیها نظارت بر امور آن را به عهده داشتند. در همین سال که ژاپن به انگلستان اعلان جنگ داد، مالزی به تصرف ژاپنها درآمد. با شکست ژاپنها در جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵م، انگلیس بار دیگر به مالایا بازگشت. در طول جنگ، انگلیسیها طرحی برای ایجاد اتحادیه مالایا بعد از خروج ژاپنها تدارک دیده بودند که در واقع نوعی ایجاد تمرکز از طریق اعلام وفاداری مردم به فرماندار سلطنتی انگلیس به جای بیعت با سلاطین محلی بود. ماهها کشمکش میان انگلیس و رهبران محلی منجر به کنار گذاشتن طرح دولت مرکزی شد و در اوایل فوریه ۱۹۴۸م، انگلستان با وفای به عهد خود در اعطای خود مختاری به فدراسیون مالایا، طرح فدراسیون مالایا شامل ۹ ایالت مالایو، پنانگ و مالاکا به مرحله اجرا درآمد که در رأس آن یک کمیسر عالی انگلیس به عنوان نماینده انگلیس و سلاطین مالایو قرار داشت که یک شورای مشورتی اجرایی و یک شورای قانونگذاری، وی را یاری می‌کردند. سرانجام در ۲۱ اوت ۱۹۵۷م، فدراسیون مالایا شامل ۹ ایالت شبه جزیره، مالاکا و پنانگ در دایره کشورهای مشترک المنافع به استقلال رسید و تنکو عبدالرحمن به عنوان اولین نخست وزیر برگزیده شد. در سال ۱۹۶۳، صباح و ساراواک به فدراسیون مالزی ملحق شدند ولی دو سال بعد، جدا شدن جزیره سنگاپور و تبدیل شدن آن به کشوری مستقل، بر احساسات ناسیونالیستی مسلمانان مالایو تأثیری جدی بر جای گذاشت.

در سال ۱۹۶۱م تنکو عبدالرحمن نخست وزیر مالزی در سخنرانی خود در دانشگاه سنگاپور، فکر تشکیل فدراسیون گسترده غربی که علاوه بر شبه جزیره مالایا شامل سنگاپور و ایالت بورنئو (از جمله بروئی) می‌شد،

را مطرح کرد. پیشنهاد وی عکس العمل های متفاوتی را به دنبال داشت. انگلیس از این طرح حمایت نمود زیرا معتقد بود کشور- شهر سنگاپور و دیگر مناطق تحت الحمايه انگلیس همچون ساراواک و صباح بعد از خروج انگلیس، از نظر اقتصادی و سیاسی قادر به ایستادن بر روی پای خود نیستند. در مالایا و سنگاپور نیز از این پیشنهاد به طور گسترده ای استقبال شد، اما بلافاصله مخالفت هایی از جانب فیلیپین مطرح شد که نسبت به برونثوی شمالی (صبح) ادعا داشت. همچنین در اندونزی، هم سوکارنو و هم حزب پر قدرت کمونیست این کشور، این پیشنهاد را توطئه ای از سوی استعمار نو خواندند. در همان زمان، تنکو عبدالرحمن مذاکرات با انگلیس را جهت تشکیل فدراسیون مالزی ادامه داد و در ۹ ژوئیه ۱۹۶۲م موافقت نامه ای را با انگلیس به امضاء رساند که در آن، روز ۲۱ اوت ۱۹۶۳م به عنوان زمان تشکیل فدراسیون مالزی تعیین شده بود. فدراسیون مزبور در تاریخ مقرر تشکیل شد، اما برونثی در آخرین لحظات از پیوستن به فدراسیون اجتناب کرد، سنگاپور هم در نهایت با خروج از فدراسیون، در ۹ اوت سال ۱۹۶۵م یک کشور مستقل گردید.

به هر تقدیر، مرکزیت مالزی در جنوب شرقی آسیا از نظر جغرافیایی باعث شد تا اقوام مختلفی به تدریج به مالزی مهاجرت کنند و تنوع خاصی به ترکیب جمعیتی آن بدهند. علاوه بر نژاد مالایو که اکثریت جمعیت کشور را تشکیل می دهند و غالباً مسلمان هستند، تعداد بیشماری چینی و سپس گروه های دیگر هندی از قرن نوزدهم به دلیل منافع اقتصادی و نیازهای استعمار انگلیس، به این کشور مهاجرت کرده اند. اقلیت های نژادی دیگری هم به مالزی مهاجرت کرده اند که از جمله میتوان بنگالیها، پاکستانیها، و عربها را نام برد. بنابراین مالزی از کشورهایی است که خصیصه چند نژادی دارد (مسائلی، ۱۳۷۵: ۲۱).

در آغاز تشکیل کشور مالزی در دهه ۱۹۵۰، بر اساس یک سیاست غیرمدون، بنابر این بود که مالایوها دارای قدرت سیاسی اصلی باشند و چینی ها قدرت اقتصادی را در دست گیرند. این طرح از سوی هیچ کدام از گروه های نژادی مورد قبول واقع نشد زیرا هم مالایوها خواستار کسب قدرت اقتصادی بیشتر بودند و هم چینی ها قدرت سیاسی افزون تری را طلب میکردند. ادامه این کشمکشهای قومی باعث شد مبارزات انتخاباتی سال ۱۹۶۹ به شورش های گسترده ای منجر شود و دولت وقت به حال تعلیق درآمد. پس از این شورشها، سیاست نوین اقتصادی تدوین شد تا انحصار فعالیتهای اقتصادی به یک نژاد خاص از میان رفته و فقر ریشه کن شود.

بر اساس این سیاست، باید تا پایان سال ۱۹۹۰ مالایوها و سایر گروههای بومی حداقل ۳۰ درصد از کل مدیریت و مالکیت فعالیتهای بازرگانی و صنعتی کشور را در اختیار می گرفتند (مسائلی، ۱۳۷۵: ۳۸).

مالزی، دولتی حداقلی به منظور تحقق مرکز گرایی دموکراتیک

به طور کلی، پذیرش الگوی حکومت انگلیسی در دوره پس از استقلال توسط مالزی، زمینه ساز حرکت به سوی مولفه های دموکراسی در این کشور شد. این الگو شامل رقابت انتخاباتی منظم، پارلمان نمایندگی، تفکیک قوا، برتری غیر نظامیان، و آزادی های مدنی بود. (نهر، ۱۳۸۳: ۱۱۸۸). این گزینش شایان توجه است زیرا نخبگان مالزی را بر آن می دارد تا دیدگاهی قالب بندی شده از دموکراسی اختیار کنند که هنگام رویارویی با ارزشهای جا افتاده و عمیق تر، فرو می ریزد. برای نمونه ثبات و امنیت مقدم بر ارزشهای دموکراتیک اند. مالزی از لحاظ دستیابی به دموکراسی، ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی کامیاب ترین کشور آسیای جنوب شرقی است. شرایط ضروری برای شکوفایی دموکراسی در مالزی از نظر برخی صاحب نظران به مقدار زیادی فراهم می باشد. حتی یک بار در تاریخ این کشور از زمان استقلال پیش نیامده است که ارتش یا پلیس آن طور که در کشورهای همسایه رخ داده، در امور سیاسی دخالت کنند. از این نظر، دموکراسی در مالزی ریشه های عمیق و مستحکمی دوانده است. آشکارا ملاک دیگری برای موفقیت سازمانهای دموکراتیک - یعنی عدم وجود کنترل خارجی - موجود است.

با نظام پادشاهی مشروطه و تكثر و توزیع قدرت سیاسی، به نظر می رسد مالزی نوعی خاص از دموکراسی را توسعه داده است. از یک سو اعلامیه رو کونگارا در سال ۱۹۷۲ به بازگویی ایدئولوژی ملی مالزی پرداخته که عنصر اسلامی / دینی در آن بسیار رقیق است. عبارات و اصطلاحات و واژگانی همچون: به ملت ما، مالزی، اهداف نیل به وحدت گسترده تر همه مردمش، حفظ یک شیوه ای دموکراتیک زندگی، ایجاد جامعه ای عادلانه که در آن ثروت ملت به طور مساوی تقسیم شده باشد، تضمین رهیافتی لیبرال نسبت به سنت های فرهنگی غنی و متنوع آن، بنای جامعه ای مترقی با جهت گیری به سوی علم و تکنولوژی مدرن پیشکش شده است. از سوی دیگر، دموکراسی مالزیایی بر اساس نوعی برتری نهادینه شده مالایائی ها در جامعه ای چند نژادی، چند

فرهنگی و چند زبانی، استوار شده و قدرت سیاسی، به عنوان تعیین کننده ترین وجه اداره عمومی جامعه، بیشتر به مالایی ها سپرده شده است و غیر مالایی ها از چنان قدرتی برخوردار نیستند.

دموکراسی مالزیایی، پوپولیسم نیست، بلکه گونه‌ای از دموکراسی هدایت شده‌ای است که نبض آن در اختیار طبقه بالای جامعه مالزی و ویژه نخبگان سیاسی / قومی / مذهبی است: برای تعیین جایگاه قدرت سیاسی در مالزی باید در عمل، تمایز روشنی میان قدرت سیاسی که در دست ماله ای ها (به عنوان یک اجتماع در تئوری) قرار دارد و قدرت سیاسی کنترل و اعمال شده به وسیله طبقه بالای جامعه مالزیایی قائل شد. این درست است که ماله ای ها به طور تقریبی همه نقش‌های رهبری در کشور را برعهده دارند، اما سوال این است که ماله ای ها چه کسانی هستند؟ آنها مطمئناً علی و احمد از کامپونگ ها نیستند. کافیت نگاهی به عناوین ۱۹ وزیر کابینه مالی جدید انداخته شود سه نفر از تون ها، یک نفر از تونکو، نه نفر داتوک و دو نفر تانسری بودند. این خصیصه طبقه بالایی رهبری در سطح دولتی حکومت هم یافت میشود؛ به بیان دیگر قدرت سیاسی در مالزی به اطمینان در دستان توده های انبوه ماله ای ها به مثابه یک گروه نژادی نیست، بلکه در انحصار طبقه بالای جامعه ماله ای ها قرار دارد (Berger, ۱۹۹۷: ۲۰۹).

از میان پنج شرطی که لغت ویچ برای بقا و تضمین وضعیت دموکراتیک (مشروعیت، پابندی به قواعد بازی سیاسی / فرایند دموکراتیک، محدودیت احزاب پیروز در ایجاد تغییر در سیاست ها، فقر به مثابه یک مانع بر سر راه تثبیت ساز و کارهای دموکراتیک، و شکاف‌های قومی / فرهنگی / مذهبی به منزل دموکرات) بر می شمارد؛ مالزی فقط در شرط آخر دچار مشکلات تداوم یافته، اما کنترل شده‌ای است که تثبیت و نهادینه شدن روندهای دموکراتیک را در این کشور کند کرده است. تعارض‌های قومی و فرهنگی و مذهبی در مالزی، به طرزی عمده، به واسطه ساختار دولت قدرتمند توسعه خواه دموکراتیک رقیق شده‌اند؛ زیرا سطح ثروت در این کشور رو به بالا تصویب شده، و اقتصاد راکد و منقبض نیست و نابرابری‌های درآمدی در آن کاهش یا تعدیل یافته است و پارلمانی به طور نسبی قوی و کارا به همراه جامعه مدنی کمابیش پرمایه و متکثر، دولت قوی را همراهی می‌کنند.

لفت ویچ بر این باور است که به ارائه مدلی از ویژگی‌های دولت توسعه گرا می توان اقدام کرد که کوششی است برای استخراج کاراکترهای عمومی مشترک از مجموعه ای از اشکال معین و برخی اوقات متفاوت. مولفه های دولت های توسعه گرا عبارتند از: وجود یک گروه از نخبگان توسعه گرای مصمم، استقلال نسبی دولت توسعه گرا، یک بوروکراسی قدرتمند اقتصادی با کفایت و مجزا شده از علایق و منافع گروه‌های خاص، یک جامعه مدنی ضعیف و مطیع، توانایی برای مدیریت موثر منافع اقتصادی خصوصی و ترکیبی پر تنش از سرکوب و وضع بد حقوق بشر (لفت ویچ، ۱۳۸۵: ۲۵۲).

مالزی نمونه‌های مدرن از دولت های حداقلی را به نمایش می‌گذارد؛ دولت حداقلی یا نگهبان شب، سه وظیفه اصلی دارد: حفظ نظم داخلی، تضمین اجرای قراردادها یا موافقت نامه های اختیاری میان شهروندان خصوصی، و حمایت از مردم در برابر حمله خارجی (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۴۳). در حالی که سیستم فدرال مرکزی دارای بخش عمده ای از منابع و مسئولیت ها در مرکز است، مدیران دولتی درباره اکثر مسائل اختیاری ندارند، یعنی دولت های ایالتی به عنوان شرکای حیاتی در اجرای برنامه های توسعه ای و منطقه ای دیده می‌شوند (Hutchinson, ۲۰۱۶: ۹).

تسهیم یا تقسیم قدرت در قلب هر الگوی مهندسی سیاسی قرار دارد و اغلب چنین تقاضاهایی از ناحیه گروه‌های مختلف اجتماعی در مواقع گذار به دموکراسی یا عبور از دوران منازعات خشونت آمیز یا در جوامع برخوردار از تقسیمات و تمایزات و شکاف های اجتماعی عمیق به منظور نیل به دموکراسی باثبات مطرح می شود. در مالزی که از نظر ساختار سیاسی، کشوری پادشاهی با حکومتی پارلمانتاریستی است، به عنوان بارزترین مدل تسهیم غیررسمی قدرت، پادشاه در نظام سیاسی فدراسیون پادشاهی آن کشور، بیشتر یک نقش تشریفاتی دارد. مدت تصدی گری پادشاهی هم محدود است و پادشاه از میان ۹ ایالت سلطان نشین به مدت پنج سال به این سمت برگزیده می شود. قدرت اصلی در این کشور بر عهده نخست وزیر است که رئیس قوه مجریه محسوب می شود و با نظر موافق پادشاه و با رأی اکثریت مجلس نمایندگان انتخاب می شود و وظیفه اصلی او تدوین سیاست های کلان کشور و نظارت بر حسن اجرای آن ها است. بنابراین، قدرت اجرایی نخست وزیر از سوی پادشاه با محدودیت خاصی روبه رو نیست و پادشاه عملاً نمی تواند مانعی برای نخست وزیر قرار بگیرد (مسائلی، ۱۳۷۵: ۱۸۹).

«لفت ویچ» مالزی را به عنوان دولت توسعه گرا معرفی می کند که در آن بیشتر ویژگی های دموکراسی سیاسی به چشم می خورد، به طور کلی، حکومت در این کشور در برابر نهادهای سیاسی و مردم پاسخگو است و اکثر مردم به حاکمیت قانون احترام می گذارند (لفت ویچ، ۱۳۷۸: ۴۰۵).

از سوی دیگر، قوه مقننه هم از دو مجلس سفلی یا مجلس نمایندگان (خانه ملت) و مجلس علیا یا مجلس سنا (خانه کشور)، تشکیل شده است و طریقه انتخابات مجلس نمایندگان هر پنج سال یک بار از طریق رأی گیری عمومی است. تعداد نمایندگان مجلس فدرال ۱۹۲ نفر است و اعضای کابینه لازم است نماینده یکی از دو مجلس باشند. دوره نمایندگی مجلس فدرال ۵ سال است. انتخابات مجلس سنا که بیشتر جنبه تشریفاتی دارد، دارای ۷۰ عضو است؛ به این صورت، ۲۴ نفر از اعضای آن توسط پادشاه و بر اساس پیشنهاد نخست وزیر منصوب می شوند و مابقی اعضا هم از سوی قانون گذاران ایالت ها برای هر ایالت دو نفر به مدت سه سال است. درباره قوه قضاییه کشور مالزی هم شایان ذکر است که قضات دادگاه های فدرال و دادگاه های عالی این کشور با پیشنهاد نخست وزیر و تصویب پادشاه صورت می گیرد (فلاح زاده، ۱۳۸۳: ۴۵-۴۲).

هر چند رابطه ای خطی بین دموکراسی و تنوع اجتماعی وجود ندارد، اما با این حال نوع مهندسی سیاسی و نحوه تکوین نهادهای سیاسی، احزاب سیاسی و نظام انتخاباتی در جوامع متنوع، برای نیل به دموکراسی و ثبات به طور هم زمان، متغیر قابل توجهی به شمار می رود.

هدف محوری مهندسی سیاسی در جوامع متکثر قومی عبارت است از اینکه کدام نوع از نهادها و اقدامات، انگیزه ها و مشوق های ساختاری موجب می شود تا گروه های قومی تفاوت هایشان را از رهگذر نهادهای مشروع یک دولت دموکراتیک حل و فصل کنند؛ یا چگونه می توان نظام سیاسی را ساختاربندی نمود که کسانی را که برسر موضوعات مهم قومی میانه روی را پیشه می کنند، پاداش دهد و شهروندان را برای حمایت از میانه روی، چانه زنی و معامله به مثل ترغیب کند؟

در پرتو مدل دموکراسی انجمنی بامحوریت دیدگاه های لیپهارت - که بر همکاری نخبگان بین رهبران اجتماعات گوناگون مبتنی است - هماهنگی بین قومی از طریق سازوکارهایی که به طور جمعی استقلال و تأثیر هریک از اجتماعات قومی را می افزاید، حفظ می شود.

رهیافت مرکزگرایی، ضمن نفی فرمول‌های انجمنی، درعوض از نهادهایی طرفداری می‌کند که میانه روی بین اجتماعات را از طریق ارتقای احزاب سیاسی چندقومی، مشوق‌های انتخاباتی متقاطع و سازگاری بین قومی ترغیب می‌نماید. همان‌گونه که پیداست رهیافت نخستین مبتنی بر راهبرد آشکارسازی هویت‌های قومی است و تأکید دومی بر رقیق کردن ویژگی قومی سیاست رقابتی و درعوض ارتقای نتایج سیاست‌های فراگیر چندقومی است.

مرکزگرایان اعتقاد دارند که بهترین راه برای مدیریت دموکراسی در جوامع چندپارچه، تکرار تمایزات و تقسیمات موجود در قوه مقننه و دیگر ارگان‌های نمایندگی نیست، بلکه بیشتر غیرسیاسی کردن قومیت به وسیله مشوق‌های نهادین برای سیاستمداران و حامیان‌شان است تا به شیوه‌های سازگارانه در قبال گروه‌های رقیب رفتار نمایند. به نظر مرکزگرایان، نهادهایی که احزاب و نامزدهایی را ترغیب می‌کنند که رأی خود را در طول، و نه در عرض خطوط قومی کسب نمایند، همکاری را ترغیب می‌کنند. به عبارت دیگر، مرکزگرایی یک راهبرد سیاسی است که با تأکید بر رقابت میانه‌روانه، از مؤلفه‌های سه‌گانه زیر تشکیل شده است:

۱. نمایش محرک‌های انتخاباتی برای رقابت سیاستمداران به منظور جذب آراء از گروه‌های قومی غیر از گروه قومی خود. بنابراین کاندیداها بایستی در استفاده از ادبیات سیاسی خود برسر موضوعات تقسیم‌کننده و تمایزبخش به میانه روی ترغیب و مجبور شوند موضع سیاسی خود را وسعت دهند تا افراد بیشتری را دربرگیرد.

۲. وجود عرصه‌ها و حوزه‌های چانه‌زنی چندقومی همانند نشست‌ها و گردهمایی‌های پارلمانی و اجرای تا بازیگران سیاسی گروه‌های قومی مختلف انگیزه مشارکت در آن‌ها را داشته باشند.

۳. گسترش احزاب سیاسی مرکزگرا، تراکمی و چندقومی یا ائتلاف‌های حزبی که توانایی طرح تقاضاهای چندقومی را داشته باشند و دامنه متنوعی را از گزینه‌های سیاستی به انتخاب‌کنندگان ارائه کنند.

مرکزگرایان برای مدیریت منازعه بر احزاب، انتخابات و پارلمان، به عنوان نهادهایی که بیشترین توانایی را برای مهندسی سیاسی کارآمد دارند، به جای تأکید بر نمایندگی عادلانه و منصفانه احزاب سیاسی قومیت

محور، تکوین و افزایش احزاب سیاسی چندقومی و همکاری و هماهنگی بینقومی را تشویق میکنند. در موضوع انتخابات نیز مرکزگرایان از گفت و گو و همسازی بین نیروهای سیاسی، در قالب رقابت سیاسی، به جای تناسب و سهمیه بندی محدود طرف داری می کنند. مرکزگرایان معتقدند که اگر قواعد بازی سیاسی به گونه ای ساختار بندی شود که مشوق راهبردهای سیاسی همکارانه در فرایند انتخابات باشد، کاندیداهایی که نماینده منافع رقیب هستند انگیزه پیدا میکنند تا در طول خطوط قومی، با یکدیگر درباره مسائل سیاستی گفت و گو نمایند. به عبارت دیگر، مرکزگرایان از آن نوع ترتیبات انتخاباتی حمایت می کنند که سیاستمداران را نه فقط متکی به آرای گروه قومی خود، بلکه نیازمند آرای اعضای گروه های دیگر قومی نیز بسازد. نیل بدین هدف مستلزم آن است که نظام انتخاباتی به گونه ای ساختار بندی گردد که کاندیداهای پیروز به کسب حمایت از مناطق مختلف کشور نیازمند شوند تا بدینوسیله تقاضا برای خاصگرایی یا منطقه گرایی محدود کاهش یابد. برخلاف انجمنی گرایان که هوادار فدرالیسم قومی هستند، مرکزگرایان از نظام دولت واحد و یکپارچه یا فدرالیسم غیرقومی طرفداری می کنند.

لاری دیاموند، نقش مهمی برای احزاب سیاسی در فرایند دموکراتیزاسیون قائل است. دیاموند، بهترین نظام سیاسی را برخوردار از یک یا دو حزب سیاسی دارای پایگاه گسترده و میانه رو می داند که برای احراز آرای میانه جامعه رقابت می کنند. با اینکه به نظر می رسد هرچه جامعه ای متنوعتر باشد تعداد احزاب سیاسی آن کوچک تر و بیشتر است، درباره شبه دموکراسی هایی مانند مالزی چنین رابطه ای صدق نمی کند. به نظر پاول، نظام چندحزبی معتدل برای بقای دموکراسیهای جدید مزایای زیادی دارد و تعداد محدود احزاب سیاسی هم گرا کننده و البته دارای پایگاه وسیع، بیشتر از احزاب سیاسی کوچک، شخصی یا احزاب قوم محور، می تواند به دوام و پایداری دموکراسی مدد رساند. بر اساس این دیدگاه، تلاش سیاستگذاران مالزی برای مهندسی تحزب و ایجاد احزاب ملی هم گرا کننده و دارای پایگاه وسیع اجتماعی، و ممانعت از رشد احزاب سیاسی منطقه ای، محلی و تجزیه طلب، موفق بوده است (دیاموند، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

پیدایش احزاب سیاسی در مالزی مربوط به دوره بعد از جنگ جهانی دوم است یعنی زمانی که انگلیس اعلام کرد قصد ایجاد اتحادیه مالایایی را دارد (مسائلی، ۱۳۷۵: ۲۰۶). در این کشور حدود ۴۰ حزب در صحنه سیاسی

و انتخابات فعال هستند. حزب آمنو قدرتمندترین حزب مالزی توسط داتوعون جعفر، در ۱۹۴۶م بنیان گذاشته شد و تا زمان حاضر همواره قوی‌ترین جریان سیاسی مالایی در طول سال‌های کسب استقلال و پس از آن بوده است. حزب عدالت مردم (PKR)، حزب چینی تبار عمل دموکراتیک (DAP)، حزب پریبومی برساتو و حزب امانه نیز از دیگر احزاب مهم و فعال در مالزی هستند. احزاب و گروه‌های اسلامی و جهت‌گیری آنها را می‌توان در سه گروه مشاهده کرد: «دارالارقم، جنبش جوانان مسلمان مالزی، حزب اسلامی پاس».

جنبش دارالارقم در سال ۱۹۶۸ توسط استاد اشعری محمد شکل گرفت. جنبش‌های اسلامی اغلب از دو الگوی مکی و مدنی پیروی کرده‌اند. الگوی مکی ناظر به پیروی از شرایط پیامبر اسلام (ص) در دوره ده ساله دعوت در مکه بود. در این دوره پیامبر اسلام تلاش خود را صرف فرهنگ سازی کرد. اما الگوی مدنی ناظر به پیروی از شرایط پیامبر در دوره حضور در مدینه بود. در این دوره پیامبر به دنبال تأسیس دولت اسلامی و شکل دهی به ساختارهای آن بود. بر این اساس جنبش دارالارقم، جنبشی مکی بوده و تأکید اصلیش بر ضرورت شکل‌گیری جامعه اسلامی قبل از دولت بود. محور عمده نقدهای این جنبش نیز متوجه حکومت‌ها و سازمان‌های اسلامی بود که به جای تلاش برای تحقق جامعه اسلامی از طریق تعلیمات اسلامی به دنبال تأسیس دولت اسلامی بودند. در واقع نهضت دارالارقم، به نوعی پاسخ به تأثیرات اجتماعی مدرن سازی جامعه مالزی و طرح‌های توسعه اقتصادی این کشور به حساب می‌آید و اشعری محمد برای خنثی کردن این تأثیرات، با برگزاری کلاس‌های آموزش قرآن و آموزه‌های اسلامی به ترویج اندیشه‌های خود و سبک زندگی مبتنی بر احکام اسلامی پرداخت و با جلب نظر توده مالایی‌های مسلمان عمدتاً روستایی، به تدریج دامنه مخاطبان خود را در کوالالامپور و به ویژه در مناطق حومه این شهر گسترش داد. نهضت الارقم برای تحقق اهداف اولیه خود، تأکید این جنبش را بر ایجاد خودآگاهی اسلامی و تبعیت از الگوهای رفتاری اسلامی قرار داد که از طریق ارزیابی و سنجش رفتار شخص، اصلاح خود و ایجاد شخصیت و هویت اسلامی بر مبنای اصول و قواعد بنیادین اسلام حاصل می‌شد (نصر، ۲۰۰۱: ۸۴). این گروه به زعم خود به تقلید جامعه زمان پیامبر، زندگی در جماعات قبیله‌ای، لباس پوشیدن به سبک آن زمان (جامعه‌های بلند سبز رنگ و عمامه)، ریش بلند، تفکیک جنسیتی و حجاب کامل زنان در اماکن عمومی را تجویز می‌کردند.

نهضت دارالارقم در مجموع سنتی ترین نهضت اسلام‌گرای مالزی محسوب می‌شد و خواهان برپایی یک حکومت اسلامی به شکل جهان شمول و مطابق با باورها و قرائت خود از تاریخ دوران صدر اسلام بود و به همه لحاظ در میان برخی از مسلمانان مالایی محبوبیت زیادی داشت و به واسطه این محبوبیت، پیروان اشعری محمد اورا "ابویا" (به معنای پدر) می‌نامیدند (طرفداری، ۱۳۹۵: ۲۰۸).

جنبش جوانان مسلمان مالزی اغلب با رهبر کاریزمایش یعنی انور ابراهیم شناخته می‌شود؛ جنبشی که در ۷۲-۱۹۷۱ با رهبری او با ۳۵۰۰۰ عضو تاسیس شد و مبدل به جنبش مسلط اسلامی در دهه‌ی ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ شد. او رهبری جوان، تحصیل کرده سکولار- غربی، برخاسته از میان طبقه متوسط، باهوش، با سواد، سخن گوی با وقار، شخصیتی برنده، پرنرژی با مهارت‌های استراتژیک و سازمانی بسیار قوی، و جهت‌گیری انطباق‌گرایانه با محیط بود. این جنبش معتقد بود که اسلام سبک خاصی از زندگی را مطرح کرد و دین را به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی پیوند زده است و تمام تلاش خود را معطوف به تحقق عملی این ایده کرد. بنابراین این جنبش اولاً، طرفدار دولتی با گرایش‌ات اسلامی، اصلاح طلب، سکولار و توسعه غرب- محور بود؛ با تذکر این نکته که موضع آنها درباره‌ی ایجاد رسمی دولت اسلامی مبهم باقی ماند، ولی هدفشان اجرای قوانین و ارزشهای اسلامی بود، و البته موضع آنها در مورد اینکه مالزی به لحاظ قومی و دینی همچنان کشوری متکثر باشد ثابت و استوار ماند. ثانیاً، ضمن تقبیح فساد، فقر، توزیع نامتوازن ثروت، نفوذ فرهنگ غرب، خواهان آزادی‌های بیش تر سیاسی و مطبوعاتی و احترام به حقوق بشر بود. ثالثاً، تاسیس دولت اسلامی و توسعه دموکراسی در مالزی را تسریع و تقویت کرد. (Fadil, ۱۹۷۸: ۱۶)

حزب اسلام‌گرای مالزی یا پاس (به زبان مالایائی "پارتی اسلام س- مالیزیا") یکی از سه حزب تشکیل دهنده ائتلاف مخالفان دولت مالزی یا همان "پاکاتان رعیت" است. رهبری معنوی حزب بر عهد نیک عزیز نیک مات روحانی هشتاد ساله ملایائی و رهبری سیاسی آن بر عهده عبدالهادی آونگ است؛ کسی که تلاش کرد دو دنیای حزب پاس و حزب جوانان مسلمانان مالزی را به یکدیگر پیوند زند و جریانی ترکیبی به وجود آورد. حزب هدف غائی خود را اداره کشور مالزی براساس شریعت اسلامی تعریف کرده است. این حزب به عنوان قدیمی ترین و بزرگ ترین حزب سیاسی اسلامی مالزی، در سال ۱۹۵۱ توسط علمائی تاسیس شد که آمو را به سبب "سیاست سازشکارانه در قبال غیرمالایائی‌ها و گرایش دمدمی به اسلام" (Milne and Mauzy, ۱۹۸۶: ۵۶) ترک

کردند. هسته اولیه حزب پاس با الهام از نهضت‌های تاثیرگذار جهان اسلام همچون اخوان المسلمین مصر، جماعت اسلامی پاکستان و نهضت العلماء اندونزی در اواخر دهه ۱۹۴۰ شکل گرفت. برپائی نخستین نشست اسلامی در سال ۱۹۴۷ در واپسین سال‌های استعمار بریتانیا، به تاسیسی شورای عالی مذهبی مالایا و سپس حزب المسلمین منتهی شد؛ حزبی که عمر آن بسیار کوتاه بود و به سرعت توسط حاکمان بریتانیایی مالی به اتهام همکاری با شورشیان حزب کمونیست منحل شد. این رخداد منجر به پیوستن دسته جمعی بسیاری از اعضای این حزب به سازمان ملی مالائی‌های متحد با "آمنو" شد که قدرتمندترین حزب کشور مالزی در سال‌های پس از استقلال بوده است با این حال این پیوند دیری نپائید و پس از پنج سال، حزب آمنو شاهد انشعاب جمعی از اعضای خود و تاسیس حزب اسلامی پان-مالایائی بود که در دهه هفتاد میلادی نام خود را به حزب اسلامی پان-مالزی تغییر داد.

حزب پاس نیز مانند آمنو، تامین خواسته‌های اکثریت مالایائی و اجرای قوانین اسلامی را در راس دستور کار خود قرار داده است. با این حال، رویکرد حزب پاس به مذهب در مقایسه با رویکرد حزب آمنو که قرائتی معتدل و منعطف از اسلام را با عنوان "اسلام مدنی" ترویج می‌کند، سختگیرانه و معطوف به اجرای قوانین شریعت همچون حدود و قصاص است. این حزب عمدتاً به تقبیح غرب گرایان و ارائه تفاسیر سنتی تر از اسلام چه در موضوعات کلی حقوق اسلامی و چه در موضوعات خاصی چون زنان و غیرمسلمانان‌ها می‌پردازد. (۳۳) پاس در پی درگیریه‌ای خونین قومی سال ۱۹۶۹ میان مالایائی‌ها و چینی تبارها به ائتلاف فراگیر "باريسان ناسیونال" (جبهه ملی) به رهبری آمنو پیوست تا در کنترل وضعیت حساس کشور چند قومیتی مالزی و حل تنش‌ها از راه رسیدگی بیشتر به اکثریت محروم مالایائی نقشی داشته باشد. با این حال پس از چندی، تنش‌های درون حزبی به تضعیف و چند پارگی پاس، اخراج آن از جبهه ملی و از دست رفتن کرسیهای مجلس و مناصب ایالتی شد.

دهه ۱۹۸۰ شاهد درگیری‌های شدید و طولانی میان پسا و حزب آمنو بود. رهبران حزب پاس در جدال با سیاستمداران حزب آمنو دست به تکفیر آنان زدند و حتی عبدالهادی آونگ که در آن زمان هنوز به ریاست حزب نرسیده بود اعلام کرد که مقاومت در برابر آمنو حکم جهاد را دارد و کشته شدگان در این راه شهید به شمار می‌آیند. تنش میان این دو حزب به جامعه مالایائی نیز سرایت کرد و آن را دو پاره کرد. در طول سال‌های

گذشته، حزب پاس از مخالفان سرسخت ترویج فرهنگ غرب در مالزی بوده است و موضع‌گیری‌های آن جنجال‌های زیادی را در این کشور برانگیخته است.

بنیاد سیاست‌های قومی در مالزی بر اساس سازگاری اسلام با پلورالیسم سیاسی

مالزی در مقام دولتی با اقلیت‌های گوناگون، چالشی است که بسیاری از کشورهای دیگر یا با آن مواجه هستند و یا به صورت فزاینده‌ای در آینده با آن مواجه خواهند شد. چالش عبارت است از ایجاد حس تعلق و تصویری از یک دولت یا ملت مدرن، در پرتو تکرر قومی، هویت‌های دینی و فرهنگی که اغلب به نظر می‌رسند با هم در تضاد هستند. بعضی جوامع چند قومیتی در حال توسعه، دولت تلاش می‌کند با به عهده گرفتن سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط، نقش حساس و سرنوشت ساز در مدیریت تنش‌های قومی و سازگار ساختن منافع مختلف قومی ایفا کند. مالزی یک نمونه کلاسیک است؛ جایی که همزیستی چند گروه قومی اصلی با هویت‌هایی متمایز وجود دارد. در واقع، شکل‌گیری دولت، خود بر اساس سیاست‌های قومی بوده و در مقام دولت قوم سالار» یا «دموکراسی قومی» شناخته می‌شود (خلیلی و دانشمندی، ۱۳۹۲: ۹۰).

در این میان، ساختار سیاسی اجتماعی مالزی نوین، بر ناسیونالیسم قوم‌گرایانه در یک دموکراسی چند قومی استوار شده است. دموکراسی چند قومی مطابق با تعریف لیپهارت، نظام سیاسی مستقل و دارای حق حاکمیت با دو مشخصه نهادهای تصمیم‌گیری دموکراتیک و حضور دو یا چند گروه قومی است. گروه قومی را نیز به این شکل می‌توان تعریف کرد: گروهی از افرادی که خود را اجتماعی فرهنگی متمایزی میدانند؛ اغلب در زبان، مذهب، نسبت خویشاوندی، و یا مشخصات ظاهری (مثلاً رنگ پوست) دارای اشتراک‌اند؛ و به طور معمول در برابر اعضای گروه‌های قومی دیگر، احساسات منفی و خصمانه‌ای دارند (لیپهارت، ۱۳۸۳: ۶۷۹). مطابق با برخی تفسیرها، تنها راه رسیدن مردم یک جامعه چند قومی به دموکراسی، حذف تفاوت‌های قومی آنهاست. از نظر منطقی، این کار را به چهار روش می‌توان انجام داد: پاکسازی قومی، اخراج، تجزیه و جذب. حال، از چهار الگوی اصلی دموکراتیک نیز برای مهار کردن تفاوت‌ها و درگیری‌های قومی می‌توان بهره‌گرفت: تسهیم قدرت، شکاف‌های متقاطع، برهم نهادن آراء، و نظارت اکثریت (همان، ۶۸).

آنچه در بسیاری از کشورهای آسیای جنوب شرقی به ویژه مالزی انجام شده، از یک سو جذب فرهنگی است که در آن نوعی همگن سازی کشور سازانه با به هم آمیختن گروه های مختلف قومی به عمل آمده، و سوی دیگر به جای تسهیم و کاربست الگوی شراکتی قدرت، به طرزی قابل قبول و با بکار بردن نوعی تبعیض مثبت به نفع مالایائی ها، از الگوی کنترل بهره می گیرند که در آن نوعی ارتباط نامتقارن برقرار می شود که قدرت برتریک گروه (مالایایی ها) ، با مقید کردن گروه های دیگر باعث ایجاد ثبات می شود. به تعبیر لیپهارت، دموکراسی چند قومی مالزی را که بر مبنای تسهیم قدرت گسترده میان گروه های قومی است اما سهم مالزیایی ها در قدرت بسیار بیشتر و نامتناسب است، می توان در مکانی از این پیوستار قرار داد که با شراکت کامل در قدرت فاصله دارد، اما هنوز هم به انتهای شراکت در قدرت نزدیک تر است تا به انتهای سلطه اکثریت (همان: ۶۸۹).

برطبق رهیافت ابزارانگارانه، به قومیت نه به مثابه تجلی هویت فرهنگی یا انتسابی ، بلکه بیشتر به عنوان سازه ای اجتماعی که افراد را قادر می سازد تا برای دستیابی به نتایج مطلوب به طور جمعی کنش نمایند، نگریده می شود. از این رو دولت مالزی پس از استقلال، زبان Malay را زبان رسمی این کشور اعلام کرد. این سیاست های زبانی، پیامدهای ناخواسته ای داشت. در آگوست سال ۱۹۸۵ حکومت اعلام کرد که قصد دارد تا مدارس ابتدایی چینی و تامیلی را ببندد؛ چرا که آنها، مانعی برای انسجام و یکپارچگی ملی هستند. این سیاست، با واکنش شدید معلمان و مربیان هندی و چینی مواجه شد. حکومت همچنین تصمیم گرفت تا به صورت مرحله به مرحله مدارس انگلیسی زبان را به عنوان گام دیگری برای دستیابی به یکپارچگی برچیند. غیر مالایایی ها، احساس نا خرسندی داشتند؛ چراکه زبان انگلیسی، وسیله هدایت تجارت بین المللی بود و در کشورهای مشترک المنافع بریتانیا کاربرد داشت. سرانجام، مبارزه بر ضد زبان انگلیسی در دسامبر سال ۱۹۹۳ هنگامی که مهاتیر محمد چرخش پراگماتیستی انجام داد پایان گرفت او را تایید کرد که زبان انگلیسی به عنوان زبان انتشارات علمی، برای مالایایی ها نیز ضرورت دارد (خلیلی و دانشمندی، ۱۳۹۲: ۱۰۱).

از طرف دیگر، مالزی نمونه جالبی برای اسلامی سازی دولتی، به عنوان یک سازنده منسجم سیاست توسعه اقتصادی ملی به شمار می رود. در حالی که اکثریت کوچک جمعیت مالزی، مالایایی هستند، بیشتر ثروت این کشور به لحاظ تاریخی در دست جوامع اقلیت این سرزمین، یعنی هندی ها و به ویژه چینی ها، متمرکز شده

بود. نتیجه درگیری‌های قومی ۱۹۶۹ این بود که حکومت در دهه ۱۹۷۰ برنامه اصلاحات اقتصادی را اجرا کرد که مخاطب اصلی آن مالایائی‌ها بودند. سیاست اقتصاد ملی، برنامه‌ای در مورد اعطای حقوق ویژه، تخصیص سهم و یارانه به مالایائی‌ها برای بهبود وضعیت اقتصادی و آموزشی آن‌ها با هدف از بن بردن نابرابری میان مالایائی‌ها و سایر اقوام بود. طی این سیاست ۲۰ ساله (۱۹۷۱-۱۹۹۰) وضع اقتصادی مالایائی‌ها بهبود یافت و ۵۶ درصد از فرصت‌های شغلی جدید در اختیار آنها قرار گرفت. تا قبل از سال ۱۹۷۰ شکاف عمیقی میان درآمد خانواده‌های مالایی و چینی در مالزی وجود داشت؛ اما پس از اجرای سیاست‌های اقتصادی مثبت در قالب سیاست‌های ترجیحی قومی در آموزش و پرورش و اشتغال در بخش خصوصی، شاهد افزایش همکاری‌های بین قومی در کسب و کار برای دریافت سود متقابل هستیم (Montesino, ۲۰۱۲: ۱۲۸).

اسپوزیتو و وال در این زمینه برآند که: اگرچه تمرکز اولیه این برنامه بر توسعه اقتصادی- اجتماعی بود، اما توسعه زبان و ارزش‌های فرهنگی مالایائی و پیوند میان دین و قومیت را بیش از پیش مورد توجه قرار می‌داد. این فرآیند از طریق تأکیدی که بر دین فرهنگ، تاریخ و زبان مالایائی می‌گذاشت، موجب تقویت همبستگی، هویت و مباحثات مالزی می‌شد. ناسیونالیسم مالایائی و اسلام عناصری مهم در هویت فرهنگی مالایائی بودند که مبدل به نیروی سیاسی و ایدئولوژیکی قدرتمندی شدند (اسپوزیتو و وال، ۱۳۹۰: ۲۵۰).

به موازات اقدامات تأثیرگذار دولت به منظور انتقال ثروت به نژاد مالایا، سازمان ملی مالا‌های متحد (آمنو) نیز در پی گفتمان هویتی متحد کننده ای بود که مشارکت مالایائی‌ها را در روند توسعه ملی برانگیزد و نقش اقتصادی اصلی را برای جمعیت بومی کشور تضمین کند. دولت با انتخاب اسلام برای ایفای این نقش، قادر بود همزمان هر دو کار را محقق سازد: اول، سازمان ملی مالا‌های متحد با برافراشتن پرچم اسلامی‌سازی می‌توانست اسلام گرایان رادیکال را کنار بزند، همان افرادی که برای مخالفت با حکومت، از ادبیات دینی بهره می‌جستند و نظم سیاسی حاکم را به چالش می‌کشیدند؛ دوم، با ارائه یک برنامه اسلامی‌سازی گسترده، با تأکید ویژه بر اخلاق عمومی، اخلاق کار و اداره امور مالی بر اساس اسلام، این حکومت توانست از دین برای جامعه پذیر کردن و سازگار کردن مالایائی‌ها با آرمان توسعه ملی استفاده کند (Ongkili, ۱۹۸۵: ۱۰۵).

هنگامی که مالایا در سال ۱۹۵۷م استقلال خود را از بریتانیا بازیافت، انعطاف پذیری مالایایی و نبوغ شان برای اخذ شرایط تغییر یافته، هنوز بسیار آشکار بود. مفهوم بریتانیایی تمدن از بین نرفت، اما با مفهوم اسلامی تمدن همزیستی کرد؛ با همان اعتماد به نفس، مالزیایی ها مفید ترین عناصر را از دو فرهنگ مجزا انتخاب کردند. حکومت، تجارت، آموزش و حتی فعالیت های تفریحی/ فراغتی، بازتاب گر ریشه های ایدئولوژیک دوگانه هستند که اکنون به شکل موثری در شیوه زندگی با هم پیوند خورده اند. هیچ هراسی نه از ایده های غربی وجود دارد و نه عقاید اسلامی، و به هر دو به عنوان غنی ساز فرهنگ قوم مالایا نگریسته می شود (Andaya & ۱۹۸۲:۲۵۶). با این وجود، این ها همه را می توان شواهدی دال بر سازگاری اسلام با شکلی از پلورالیسم سیاسی در مالزی دانست. در این کشور اگرچه اسلام، دین رسمی است و فرمانروایی عالی، در مقام رهبر دینی و رئیس دولت عمل می کند، نوعی دموکراسی هدایت شده از طریق فرمانروایی سازمان ملی مالایا متحد، در چارچوب نظامی چند حزبی (به شرحی که گذشت) عمل می کند.

در واقع، ایده گسترده تکثرگرایی فرهنگی از طریق سیاست «توافق/ انطباق» میان جوامع و حفاظت ویژه اقتصادی برای جامعه بومی مالایایی حفظ شد. نه اسلام سلفی گرای بنیادگرا و نه لائسیسته محض، هیچکدام به مثابه درمان معضلات یک جامعه عقب مانده محسوب نشده اند، بلکه نوعی برداشت همساز گرانه از اسلام که به نرمی می توانست همنشین عناصر مدرنیته شود، برگزیده شد. اسلام، مدعی بلامنازع عرصه حکومت گری شد و در آمیختگی با دیگر جنبه های زیست فرهنگی مالزیایی ها، منش زمامداری، به سیاست ورزی به منزله نوعی عقلانیت ابزاری سپرده شد.

شورش های ضد چینی مالایایی ها در سال ۱۹۶۹م سبب شد احیا گری اسلامی در مالزی به نوعی اصلاح گری و احیا گری قومی- مذهبی تبدیل شود که در آن، دین و اقتصاد و زبان و فرهنگ، با هم پیوند خوردند و به طور عمده متوجه جبران ضعف های مالایایی ها شد که به عنوان اکثریت جمعیت جامعه مالزی، از اقلیت های چینی/ هندی تبار، هم از حیث تحصیلات و هم از جنبه درآمدهای اقتصادی عقب افتاده بودند. برای حفظ ثبات و جبران این عقب ماندگی، چندین قانون به تصویب رسید که حقوق مالزیایی ها را محدود می کرد. این قوانین، حقوق ویژه ای برای مالایی ها در برداشت و از گفت و گو درباره مسائل حساس از قبیل امتیازات ویژه حکمرانان مالایی و جایگاه رسمی زبان آنان جلوگیری می کرد. بار دیگر در سال ۱۹۷۱، حکومت پارلمانی

تعدیل یافته ای در مالزی به قدرت رسید. ثبات سیاسی تجدید شد و یک جبهه متحد تازه بهنام «جبهه ملی» مرکب از احزاب مهم سیاسی پدید آمد. جبهه ملی مرکب از احزاب عمده سیاسی مالایایی، چینی و هندی بود و در همه دوره های انتخاباتی در سالهای پس از آن، پیروز شد. در سال ۱۹۸۱ ماهاتیر محمد اولین نخست وزیر بود که از میان مردم عادی برگزیده شد و هیچ ریشه ای در طبقه اشراف سنتی نداشت. او به صورت نماد نیرومند فن سالاران (تکنوکرات های) مالزیایی نوین درآمد (نهر، ۱۳۸۵: ۱۱۸۹).

در این میانه شعار برای مالایایی بودن باید مسلمان بود، اسلام را کانون نیروی سیاسی / ایدئولوژیک تازه نفس احیا گری مالایای ها قرار می داد، بنابراین جنبش های «دخوه» به معنای فراخوان و دعوت به اسلام، نیروی بیشتری گرفتند و علیه دو خطر غرب و زرد به معنای شیوه آمریکایی زندگی کردن و ارزش های چینی، هشدارهای مکرر به مالایائی های مسلمان می دادند؛ تا آنجا که خواهان بازگشت به اسلام در مقام سبک جامعی از زندگی توأم با عبادت و فعالیت های اجتماعی و اسلامی سازی هر چه بیشتر جامعه مالزی بودند (خلیلی و دانشمندی، ۱۳۹۲: ۱۱۱).

هوکر، ضمن اذعان به پیچیدگی ماهیت پیوند دولت و اسلام در آسیای جنوب شرقی به درستی برای باور است که در این منطقه، هرچند شریعت در روی کاغذ اهمیت داشت، اما نقش تعیین کننده ای در قوانین اداری یا شخصی یا امور مالی نداشت. برعکس، شریعت بخشی از نظام بود که در آن، آداب و آیین های پیش از اسلام، تداوم می یافت (هوکر، ۱۳۸۸: ۳۸۰). در دوران استعمار، جایگاه اجتماعی رسمی اسلام تا حد یک مذهب صرف و یکی از مذاهب موجود پایین آمد. مقررات، اسلام را به یک مذهب شخصی و یک قانون فردی تبدیل کرد. دولت، غیر مذهبی و مذهب به طور کامل از آن جدا شده بود، درباره مالایا، مالزی بعدی، که به نحوی استثنا دیده می شد و در آن، سلطان ها به طور نظری ریاست مذهب در دولت های شان را برعهده داشتند، این امتیاز چنان در چارچوب مقررات محصور شده بود که می شد آن را نادیده گرفت. اسلام، در واقع به تعبیر هوکر یکی از عناصر ضروری دولت به شالوده اصلی اش، یعنی صرف اعتقادات فردی تبدیل شد و چنان که گویی این وضع کافی نبوده است، خود مذهب در همان سطح پایه اش تابع مقررات و دستورات حکومت شد. دستگاه های دیوانسالاری استعماری چنان نهادهای بنیادی اسلام را در مقررات پیچیدند که حتی امروز نیز غیرممکن است که اسلام را در شرایطی غیر از آنچه در آن دوران تحمیل شد، مشاهده کنیم. برای مثال قانون

اساسی شریعت نیست، بلکه برخی اصول انتخاب شده است که به شکل اروپایی بیان و در دادگاه هایی به سبک اروپا اجرا می شود. همین ترتیب محدودیت هایی وضع شده برای کسب مجوز مربوط به دریافت زکات، احداث مساجد، انتشار مطالب مذهبی و آموزش اسلام، هنوز هم وجود دارند (همان: ۳۸۱).

سیاست کلی دولت مالزی در زمینه مسائل فرهنگی بر این پیش فرض مبتنی است که اسلام، دینی مصلحت گرا و همساز با روح دموکراسی است. همچنین برخی از ارزش های اسلامی مثل اخوت اسلامی و مدارا کردن با غیر مسلمانان، صداقت و درستکاری، نظم و هماهنگی، پاکیزگی و احترام به سالمندان را ارزش هایی جهانی تلقی کرده و اشاعه آن را در جامعه به نفع همه مردم حتی غیر مسلمانان می داند. در یک بررسی تازه، سه تصور در جامعه مالایایی بازتاب دارد: سلطنت، نظامی که بر پایه الله باشد و نظامی که بر اساس قومیت مالایایی است (Verma, 2004: 90). از این رو، دولت مالزی همچنین با برداشت های افراطی از اسلام مخالف است و شیوه های تندروانه برخی از جریان های اسلامی را ناهم ساز با اصول دموکراتیک حاکم بر اسلام می داند و بر این باور است که ترویج ارزش های فرهنگی تمدن غرب، منافاتی با اصول و احکام اسلام در زمینه زندگی اجتماعی ندارد (کنتول اسمیت، ۱۳۵۵: ۹۲). از همین روی، بخش قابل توجهی از مردم مالزی، خصوصاً شهرنشینان و نسل جوان این کشور، به ارزش های فرهنگی غرب گرایش دارند و این امر در مظاهری همچون نحوه پوشاک، گذراندن اوقات فراغت و به ویژه مسائل هنری مثل فیلم و موسیقی نمایان است.

طبق قانون اساسی مالزی، اسلام دین رسمی کشور است؛ ولی افراد در انتخاب دین و انجام مراسم دینی آزاداند و پیروان ادیان دیگر نیز اجازه تبلیغ اعتقادات خود را دارند (گلی زواره، ۱۳۸۵: ۲۶۴). همچنین اگر چه پادشاه، نخست وزیر و حاکمان ایالات مالزی باید مسلمان باشند؛ ولی اعضای کابینه می توانند از میان پیروان دیگر ادیان نیز انتخاب شوند. در عین حال، حاکمان ایالات در مناطق خود حکم رهبر مذهبی را دارند و پادشاه پیشوای مذهب اسلام در ایالت است (پادشاه مالزی به تناوب از میان حاکمان ایالات انتخاب می شود).

در راستای سیاست همسازگری بین اسلام و دموکراسی، حکومت مالزی خواهان ایجاد هماهنگی در امور مذهبی جامعه و اعمال کنترل بر فعالیت های پیروان مذاهب مختلف (به ویژه مسلمانان) برای رسیدن به جامعه ای متعادل و باثبات است. برای این منظور، سازمان ها و ارگان های رسمی خاصی نظیر «شورای ملی امور اسلامی» و «کمیته

فتوا» ایجاد شده‌اند که وظیفه اصلی آنها کنترل فعالیت‌ها و امور اسلامی و هماهنگ کردن آنها با هدف‌های حکومت است. اموری همچون نظارت بر مدارس مذهبی غیردولتی و مواد آموزشی آنها، کنترل کتاب‌های مذهبی منتشرشده، انتشار کتاب‌ها و نشریات مذهبی، ارائه آموزش‌های مذهبی در سطوح مختلف، و صدور فتوا در زمینه مسائل گوناگون، همه در قلمرو وظایف بخش امور مذهبی حکومت مالزی است (Milne & Mauzy, ۱۹۸۶; ۲۸).

امروز اعتقاد عمومی در داخل و خارج کشور مالزی بر این است که، مالزی ظرفیت و قابلیت این را دارد که همواره به عنوان یک کشور در حال پیشرفت و مترقی و قدرتمند باقی بماند، مشروط بر این که همبستگی، وحدت و ثبات سیاسی خود را به دور از هیاو و جنجال‌های سیاسی بی‌حاصل که خاص کشورهای عقب‌افتاده می‌باشد، حفظ نماید (محمد، ۱۳۸۲ : ۳۷). بر این اساس و به رغم اتخاذ سیاست تساهل مذهبی اما از آن جا که سرمایه‌گذاری خارجی، عامل اصلی رشد و حرکت اقتصادی آن کشور به‌شمار می‌آید و رشد افکار انقلابی و شیعی می‌تواند ضمن بر هم زدن وحدت ملی باعث متضرر شدن سرمایه‌گذاران خارجی شود و به همین دلیل فشار خارجی از این ناحیه بر دولت مالزی وارد گردد، دولت مقابله با افکار شیعی را به نوعی فرار از این فشارهای خارجی می‌داند و برای خشنود نمودن سرمایه‌گذاران خارجی و رشد اقتصادی خود، مقابله با شیعه را هدفی اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته است. البته سخت‌گیری مذهبی حکومت مالزی منحصر به شیعه نیست و کم‌وبیش درباره ادیان دیگر هم وجود داشته است. در سال ۱۳۷۶ ش در زمان مهاتیر محمد که به‌شدت ضد تشیع بود، هم‌زمان با دستگیری برخی از سران شیعه، تعدادی از مبلغان و سران وهابی نیز دستگیر شدند. ادعای حکومت این بود که هر آنچه وحدت عمومی جامعه مالایوهای مسلمان و اکثریت نسبی آن را برهم زند، با آن مخالفت می‌کند؛ خواه شیعه باشد، خواه مذهب و گروه دیگر.

شیعیان، هرچند در گذشته مراکزی در مالزی داشتند، در حال حاضر به دلیل فشارهای دولت، تشکیلات مذهبی، حزبی و مرکز دینی متمرکزی ندارند. به این دلیل، انجام امور فرهنگی و فعالیت‌های مذهبی و سیاسی شیعه در مالزی بسیار ضعیف انجام می‌شود. شیعیان در منازل خود به صورت غیرعلنی و در دسته‌های کوچک به انجام امور مذهبی می‌پردازند. در برخی ایالات، شیعیان با سعی و تلاش خود برنامه‌های منظم مذهبی را برپا می‌کنند و سعی در حفظ این برنامه‌ها دارند؛ اما همان‌گونه که ذکر شد، این برنامه‌ها محدود به گروه‌های کوچک خانگی و

به صورت غیرعلنی است. دولت مالزی هم با اینکه از این برنامه‌ها آگاه است، از برگزاری مراسم در منازل به صورت غیرعلنی ممانعت نمی‌کند (محمّدی اصفهانی، ۱۳۷۰: ۶۳).

تنفر نسبت به شیعه در مالزی در قالب فعالیت‌های ضدشیعی توسط چهره‌های اسلامی، از دولت گرفته تا استادان دانشگاه‌ها، نمود پیدا می‌کند. مرکز اسلامی مالزی نیز در این محکوم نمودن شیعه نقش بازی کرده و مذهب مزبور را با ارائه تصور غلطی از تشیع، انحرافی قلمداد کرده است. بسیاری از نویسندگان، دیدگاه تشیع درباره امامت و ازدواج موقت، محکوم می‌کنند.

دکتر عبدالرحمن عثمان، معاون وزیر در دفتر نخست‌وزیری، از رهبرانی بود که با شیعه دشمنی داشت و در واقع، وی عمل نمودن به این مذهب را در مالزی ممنوع نمود. به رغم همراهی وی با ماهاتیرمحمد در بازدید از ایران، تنفر وی از شیعه کاهش پیدا نکرد. چندین دانشگاه که دارای شیعیان زیادی بوده‌اند، تحت بازرسی قرار گرفتند. آنها که در ارتباط با این ایدئولوژی بودند، تنبیه و شاید از این دانشگاه اخراج گردند (درخشه و مرتضوی امامی، ۱۳۹۳: ۱۶۲).

نتیجه‌گیری

در صورت ایجاد اختلافات و درگیری‌ها در یک کشور به دلیل وجود اقلیت‌های قومی، یک دولت نسبتاً مستقل و قوی می‌تواند برای مدیریت تنش‌های قومی نقش واسطه را ایفا نماید؛ اقداماتی که به موجب منابع اقتصادی و قدرت سیاسی در میان گروه‌های مختلف توزیع عادلانه گردد و هویت مذهبی آن‌ها در کنار شناخت شناسی اجتماعی و فرهنگی شان به رسمیت شناخته شود و در صورت بروز تضاد منافع، دولت در نقش داور بی‌طرف، استراتژی قضاوت عقلانی را اتخاذ نماید.

دولت در مالزی با داشتن یک ساختار قومی پراکنده و در بسیاری موارد «متعارض» با اتخاذ سیاست «دموکراسی قومی» به ایجاد انسجام سیاسی و اجتماعی در این کشور سرعت بخشید؛ این سیاست با توجه به پیشه فرهنگی فرهنگی حاکم در مالزی و اعتقاد به برابری در فرهنگ عمومی توانست مسیر موفقی را طی کند.

در این سیستم به منظور کاهش تنش های قومی و افزایش هماهنگی اجتماعی، ساختار احزاب و نهادهای سیاسی، منعکس کننده ساختار ترکیب قومی در جامعه می باشد در واقع آن چه در مالزی اتفاق افتاده، احترام به افراد و در نظر گرفتن حوزه خصوصی و شخصی برای آنها در قالب آزادی و پذیرش نظرات افراد در قالب دموکراسی، بدون ایجاد اجبار قانونی برای پذیرش یا عدم پذیرش یک گرایش مذهبی می باشد که این مسئله تنها تحت تاثیر یک تفسیر منطقی از اصول عقلانی اسلام در یک کشور مسلمان اجرایی شده است. به وجود آوردن چنین معنایی باعث شده تا دین اسلام به شکل یک دین همگانی و مثبت در چرخه روابط اجتماعی نمود پیدا کند و در عین حال افراد آزادی و حقوقشان را از طریق نهادهای قانونی و بدون گرایش های افراطی پیگیری کنند.

مردم مالزی معادله پرچالش و همیشگی دین و مدرنیته را، برای خود حل کرده اند؛ بدین معنا که دین شخصی و تا حدی جمعی، در مواجهه با توسعه، خود را در قالب جدیدی عرضه می کند که حالتی بینابینی دارد و با تأمین خواست های هردو طرف، معاش می کند و مسلمانان مالزی این وضعیت را به مثابه امری تثبیت شده در الگوی زندگی جمعی خود قبول دارند ؛ از این رو روحیه کار و تلاش در مسیر توسعه به عنوان مهم ترین عامل پیشرفت ، در آنان نهادینه شده است. در واقع کم کاری افراد در یک کشور موجب عقب ماندگی آن جامعه و در نتیجه عدم توسعه می گردد؛ اما در صورتی که فرهنگ کار و تلاش در جامعه حاکم باشد و کسب رضایت خداوند به عنوان پشتوانه معنوی وجدان جمعی برای افراد جامعه در جایگاه مهمی قرار داشته باشد، می توان سطح بالایی از کارآمدی را در جامعه مشاهده نمود.

دولت مالزی با الهام از اخلاق قوی کار، ارزش ها و فرهنگ اسلامی در ترویج فرهنگ و روحیه کارآفرینی و سخت کوشی با توجه به جایگاه مهم کار و کوشش برای جلب رضایت خداوند ، تمام تلاش خود را برای ایجاد جامعه ای مرفه به کار بست و در راس این اقدامات خود، عدالت اجتماعی - اقتصادی را مورد توجه قرار داد. عدالت اقتصادی در جهت ریشه کنی فقر مطلق صرف نظر از نژاد و موقعیت جغرافیائی، و عدالت اجتماعی به منظور قطع رابطه بین نژاد و وضعیت اقتصادی پی گیری گردید. با ایجاد روابط پایدار میان گروه های قومی به عنوان یکی از عوامل کلیدی برای ثبات سیاسی و اقتصادی ، احساس قدرتمند مالزیایی در بین مردم غالب شد که تمایزات قومی تحت الشعاع آن قرار گرفت و جامعه مالزی، جامعه ای فضیلت و رفاه محور گردید که تکامل

فرد در سایه پیشرفت جامعه، تعریف شد. البته دولت از طریق آموزش و پرورش و امور فرهنگی تلاش خود را در جهت ایجاد تفاهم هرچه بیشتر میان اقوام گوناگون به کار بسته است و با گروه‌هایی که به این اختلافات دامن می‌زنند مقابله می‌کند.

در کنار توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی نیز مورد توجه است و تلاش برای ایجاد شرایط لازم برای حضور و رقابت مردم با گرایش‌های متفاوت صورت می‌گیرد. در دو دهه اخیر نیز جنبش‌های اصلاح طلبانه دموکراتیک به رهبری جبهه ملی در جهت تحکیم نهادهای دموکراتیک توانسته‌اند از رهگذر اقدامات منجر به تمرکززدایی از قدرت سیاسی، گام‌های مهمی به سمت توسعه سیاسی بردارند. از جمله این اقدامات این که حدود قدرت شاه مالزی توسط قوانین فدرال ترسیم می‌شود و مجلس بر رفتار او نظارت می‌کند. او نیز بر کار نخست‌وزیر و کابینه مالزی نظارت دارد. همچنین، نخست‌وزیر و اعضای کابینه نیز بر اساس انتخابات مجلس نمایندگان فدرال انتخاب و تعیین می‌شوند.

منابع

- آسیا؛ شناسایی کشورها (۱۳۸۱) ترجمه فرامرز یآوری، چاپ دوم، تهران: گیتاشناسی
- -اسپوزیتو، جان؛ وال، جان (۱۳۸۹) جنبش‌های اسلامی معاصر: اسلام و دموکراسی، ترجمه شجاع احمدوند، تهران: نشر نی
- -برادران شرکاء، جعفری، حمیدرضا و آمنه و کاویانی فر، محبوبه (۱۳۸۷) چشم انداز ۲۰۲۰ (گزارش پژوهش‌های اقتصادی)، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات اقتصادی.
- -جعفری، عباس (۱۳۸۴) گیتاشناسی کشورها. تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- -جوان، جایوم (۱۳۹۰) سیاست و حکومت در مالزی. ترجمه مجید خورشیدی و فخرالدین سلطانی. تهران: نشر سایه گستر
- -خانعلی زاده، زهرا؛ سلطانی، فخرالدین (۱۳۹۵) تنش‌های قومی و رویکرد اقتصادی مالزی به توسعه، همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی

- -خلیلی، محسن و دانشمندی، رضا (۱۳۹۲) نگاهی به مدل دولت / ملت سازی در مالزی، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، دوره ۱، شماره ۱، تابستان، صص ۸۴-۱۲۴
- -درخشه، جلال و مرتضوی امامی زواره، سیدعلی (۱۳۹۳) شیعیان مالزی، فصلنامه شیعه شناسی، دوره ۱۲، شماره ۴۵، فروردین، صص ۱۷۶-۱۵۷
- -دیاموند، لاری «آیا همه دنیا می تواند دموکراتیک شود»، ترجمه الناز علیزاده اشرفی در بشیریه، حسین (۱۳۸۵) گذار به دموکراسی، تهران: نگاه
- -رنجکش، محمد جواد (۱۳۹۸) درنگی برآسیب شناسی ابعاد نهادی توسعه مالزی، فصلنامه راهبرد توسعه، سال پانزدهم، شماره ۳ (پیاپی ۵۹)، زمستان، صص ۱۳۱-۵۶
- طرفداری، علی محمد (۱۳۹۵) در تکاپوی تاسیس حکومت دینی: بررسی تاریخی زمینه ها و دلایل برآمدن و براندازی نهضت دارالارقم در مالزی، فصلنامه تاریخ اسلام، سال هفدهم، شماره دوم، تابستان، صص ۲۱۷-۱۸۷
- -فراستی، محمدرضا؛ زرگر، افشین؛ صدیق، میرابراهیم (۱۴۰۰) دولت - ملت سازی در غرب آسیا؛ ارائه الگوی بومی برای غلبه بر چالش ها، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۱۴، شماره ۵۲، صص ۲۰۱-۱۷۵
- -فلاح زاده، محمدهادی (۱۳۸۳) آشنایی با کشورهای اسلامی (مالزی). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- -فیضی، سیروس (۱۳۸۷) سیاست خارجی توسعه گرا: الگوی مالزی، در: مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه گرا، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- -کنت ول اسمیت، ویلبرد (۱۳۵۵) اسلام در جهان امروز، ترجمه حسینعلی هروی، تهران: دانشگاه تهران
- گلی زواره، غلام رضا (۱۳۷۸) شناخت کشورهای اسلامی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
- -لفت ویچ، آدریان (۱۳۸۵) دولت های توسعه گرا: پیرامون اهمیت سیاست در توسعه، ترجمه جواد افشار کهن، مشهد: انتشارات مرندیز و نی نگار
- -لیپهارت، آرنه (۱۳۸۳) «چند قومی»، ترجمه مزدا موحد، در کتاب: سیمور مارتین لیپست [زیر نظر] دایره المعارف دموکراسی، جلد دوم تهران: انتشارات کتابخانه تخصصی وزارت خارجه

- -محمّدی اصفهانی، محمدکاظم (۱۳۷۰) در قلمرو زردهای سبز (یادداشت‌های سفر مالزی و سنگاپور)، تهران: صحف
- -مرادی حقیقی، فائزه؛ موثقی گیلانی، احمد (۱۳۹۴) کارکرد اجتماعی و فرهنگی مذهب در توسعه مالزی، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، دوره هشتم، شماره ۳۱، آذر، صص ۶۹-۹۶
- -مسائلی، محمود (۱۳۷۲) مالزی، تهران: وزارت امور خارجه.
- -نهر، کلارک. دی (۱۳۸۵) مالزی، در: دائرة المعارف دموکراسی (جلد سوم)، زیر نظر سیمور مارتین لیپست، سرپرستان ترجمه فارسی کامران فانی و نورالله مرادی. تهران: وزارت امور خارجه.
- -ویچ لفت، آدریان (۱۳۷۸) دموکراسی و توسعه، ترجمه احمد عقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- -هوکر، ام.بی (۱۳۷۱) اسلام در جنوب شرقی آسیا، ترجمه محمدمهدی حیدرپور، مشهد: آستان قدس رضوی

- -Andaya, B. W. and Andaya, L. Y. (۱۹۸۲). A History of Malaysia. London: Macmillan.
- Fadil, Siddiq (۱۹۷۸) as quoted in chandra Muzaffer , Islamic Resurgence in Malaysia , ۲th edition .Fajar Bakti publisher
- -Hutchinson, F. (۲۰۱۶). Evolving paradigms in regional development in Malaysia. Journal Economic Working, ۷(۱۶), ۲-۳۲
- -Milne, R.S. and Mauzy, Diance K.(۱۹۸۶), Malaysia, tradition, Modernity and Islam, Boulder and Landon, Westview Press
- -Montesino Max U. (۲۰۱۲), Cross-cultural conflict and affirmative action: Inter- and intra-ethnic dilemmas of Malaysia's heterogeneous workplace, Indiana University-Purdue University, USA.
- -Nasr, Seyyed Vali Reza(۲۰۰۱) Islamic leviathan: Islam and the Making State Power, Oxford, Oxford University Press

- –Ongkili J. P. (1985) Nation-building in Malaysia 1946 /1974. Oxford: Oxford University Press.
- –Verma,Vidhu(2004).Malaysia: State and Civil Society in Transition. Malaysia: Contemporary Southeast Asia Institution
- –World bank(2010). World Development Report: Development and Climate Change. Washington DC.

گفتار دوم

احزاب سیاسی مالزی

مرجان علیمیرزایی

مقدمه

کشور مالزی با نام رسمی فدراسیون مالزی در جنوب شرق آسیا واقع است. پایتخت آن کوالالامپور، زبان رسمی مالایی و واحد پول آن رینگیت است. این کشور به وسیله دریای جنوب چین به دو قسمت کاملاً مجزا به نام شبه جزیره مالزی (مالزی غربی) و بورنئو (مالزی شرقی) تقسیم شده است. همسایگان آن تایلند، سنگاپور، فیلیپین و اندونزی هستند. مالزی پایتختی اداری به نام پوتراجایا (putrajaya) دارد که سازمان ها، وزارتخانه ها و ادارات مهم دولتی این کشور در آن واقع هستند. این کشور سیزده ایالت و سه منطقه فدرال دارد.

ساختار سیاسی

مالزی کشوری است با نظام سلطنتی دوره ای که در ساختار سیاسی - حکومتی آن سیستم فدرال حاکم است. بالاترین مقام تشریفاتی هر ایالت، سلطان آن ایالت است و امور اجرایی هم در اختیار سروزی و کابینه ایالتی قرار دارد. ایالت ها دارای مجلس ایالتی مستقل هستند.

پادشاه مالزی که در راس حکومت قرار دارد از میان خانواده سلاطین فقط ۹ ایالت مالزی تعیین می شود و به مدت پنج سال سلطنت می کند. این انتخابات دوره ای است و میان این ۹ خانواده در حال چرخش است. وظایف پادشاه اغلب تشریفاتی است و قدرت اصلی در مالزی در دست نخست وزیر به عنوان رئیس قوه مجریه است.

در مالزی، دو رکن قوه مجریه و مقننه در ارتباط کامل با هم هستند و قوه مجریه از درون پارلمان مالزی شکل می گیرد. بنابراین، اعضای کابینه و هیئت وزرا همگی هم زمان عضو پارلمان هم هستند. اما رکن سوم یعنی قوه قضائیه در مالزی مجزا و مستقل از دو قوه دیگر عمل می کند و کارکرد اصلی آن تضمین اجرای قانون اساسی و تحقق عدالت بر اساس قوانین حاکم بر کشور است که البته رسیدگی به اختلافات قانونی میان افراد هم از وظایف این قوه است. اعضای مهم قوه مجریه توسط پادشاه انتخاب می شوند. در مالزی به رئیس قوه قضائیه "قاضی القضاة" می گویند که بر اساس توصیه نخست وزیر و پس از بررسی در شورای سلطنتی توسط پادشاه منصوب می شود. هم اکنون رئیس قوه قضائیه خانم "نکو مایمون" است. نخست وزیر که رئیس قوه مجریه است نیز توسط پادشاه انتخاب می شود، بدین معنا که پادشاه نخست وزیر را از میان نمایندگان مجلس انتخاب و معرفی می کند، بعد پارلمان به او رای اعتماد می دهد.

هر چند طبق قانون، انتخاب نخست وزیر از میان نمایندگان مجلس باید صورت پذیرد اما در عمل، رئیس حزب حاکم یا بزرگترین حزب ائتلاف حاکم به عنوان نخست وزیر منصوب می شود.

پارلمان مالزی دو مجلسی است: مجلس نمایندگان و سنا. مجلس سنا بالاترین مجلس در مالزی به حساب می آید و دارای هفتاد سناتور است. نمایندگان سنا به دو صورت انتخاب می شوند: ۲۶ نماینده از سوی مجلس ایالتی به مجلس سنا معرفی می شوند و ۴۴ نماینده هم از سوی پادشاه بنابر سوابق خدماتی و شایستگی شان انتخاب می شوند. سناتورها برای دوره ای سه ساله انتخاب می شوند و برای یک دوره دیگر هم قابل تمدید هستند. رئیس سنا از میان سناتورها و توسط خود آن ها انتخاب می شود. رئیس مجلس نمایندگان هم توسط اعضای مجلس انتخاب می شود که الزاما نباید از میان اعضای همان مجلس باشد. مجلس نمایندگان از قدرت زیادی برخوردار است و عملا دروازه دستیابی به مسندهای قدرت از جمله وزارتخانه ها در این کشور است. قوانین نیز در مالزی اول توسط مجلس نمایندگان تصویب می شوند سپس سنا آن را بررسی و تصویب می کند و به پادشاه تقدیم می کند.

در حال حاضر عبدالله پاهانگ از ۲۰۱۹ پادشاه مالزی است. نخست وزیر از ۲۰۲۲ انور ابراهیم می باشد. آقای جوهری عبدل هم رئیس قوه مقننه به عبارتی همان رئیس مجلس نمایندگان است.

ساختار دادگاه ها در مالزی به دو بخش دادگاه برتر (superior court) و دادگاه تابعه (subordinate court) تقسیم می شود. عالی ترین دادگاه در مالزی دادگاه فدرال است.

احزاب در مالزی

مالزی کشوری است که دارای احزاب متعدد است. این حزب ها برای به قدرت رسیدن ناچار به ائتلاف با یکدیگر هستند. در این جا مهم ترین ائتلاف های احزاب مالزی را بیان می کنیم:

۱- ائتلاف امید یا همان PH (پاکاتان هاراپان) به رهبری انور ابراهیم که هم اکنون نخست وزیر است و در ۱۹ نوامبر سال ۲۰۲۲ به قدرت رسیده است. احزاب حاضر در ائتلاف امید شامل احزاب زیر هستند:

یک، حزب عدالت مردم (PKR (People's Justice Party) به رهبری انور ابراهیم. دوم، حزب عمل دموکراتیک (DAP (Democratic Active Party که یک حزب چینی تبار است به رهبری کیم کیت سیانگ که البته غیرچینی تبارها هم می توانند در آن به عضویت درآیند.

سوم، حزب امانه UPKO به رهبری محمد صبو (که از انشعاب حزب پاس تشکیل شد).

چهار، حزب واریسان صباح MUDA به رهبری شفیع ابدال (این حزب رسماً عضو ائتلاف حزب امید نیست اما با امید همکاری دارد).

۲- ائتلاف جبهه ملی BN: این ائتلاف خود شامل چند حزب اصلی به این شرح است:

یک، آمنو UMNO (United Malaysian National Organization) یا همان سازمان ملی ملایوهای متحد که در ابتدا در سال ۱۹۴۶ توسط ماهاتیر محمد پایه گذاری شد و از قوی ترین جریان های سیاسی بود تا این که در سال ۲۰۱۸ بعد ۶۱ سال، شکست سختی متحمل شد. این حزب در حال حاضر ۲۶ کرسی در پارلمان دارد.

دوم، اتحادیه چینی های مالزی MCA که یک حزب چینی تبار است که دو کرسی در مجلس نمایندگان دارد.

سوم، کنگره هندی های مالزی MIC که یک حزب هندی تبار است که فقط یک کرسی در مجلس دارد.

چهارم، حزب PBRS که این حزب هم یک کرسی در مجلس دارد.

۳- ائتلاف PN یا جبهه متحد: این ائتلاف در حال حاضر به عنوان جبهه مخالف دولت یا اپوزیسیون در پارلمان نقش بازی می کند و از چند حزب زیر تشکیل شده است:

یک، حزب پریبومی برساتو به رهبری آقای محی الدین یاسین نخست وزیر اسبق مالزی. این حزب ۳۱ کرسی در مجلس فعلی دارد.

دوم، حزب اسلامی پاس PAS به رهبری هادی آونگ که یکی از قدیمی ترین احزاب مالزی است و پایگاه مردمی مسلمانان مالایی به حساب می آید. این حزب الان ۴۶ کرسی در مجلس دارد.

۴- ائتلاف GPS شامل حزب PBB با ۱۴ کرسی و حزب PRS با ۵ کرسی و حزب PDP با ۲ کرسی و حزب SUPP با ۲ کرسی است.

۵- ائتلاف GRS شامل حزب PBS با یک کرسی و حزب STAR با یک کرسی و نمایندگان مستقل هم ۴ کرسی دارند.

قابل ذکر است که دو ماه مانده به برگزاری انتخابات در مالزی پارلمان این کشور باید منحل شود و انتخابات سراسری باید پنج سال بعد از انتخابات دوره پیشین برگزار شود. البته در شرایط خاص، پادشاه می تواند دستور انتخابات زودهنگام را صادر کند. سن حق رای نیز در مالزی ۲۱ سال است.

جمع بندی

ساختار سیاسی مالزی نظام سلطنتی دوره ای است که در آن سیستم فدرال حاکم است. پادشاه که برای دوره ۵ ساله انتخاب می شود اغلب مسئولیت تشریفاتی دارد و قدرت در دست نخست وزیر به عنوان رئیس قوه مجریه است. پارلمان مالزی که دو قسمتی است نقش اساسی را به عنوان قوه مقننه در کنار قوه مجریه عهده دار است. در مالزی، دو رکن قوه مجریه و مقننه در ارتباط کامل با هم هستند و قوه مجریه از درون پارلمان مالزی شکل می گیرد. ائتلافات سیاسی که نتیجه ائتلاف احزاب مهم در این کشور هستند در انتخابات شرکت می کنند و نخست وزیر هم از میان ائتلاف برنده انتخاب می شود.

گفتار سوم

احزاب و جریانات اسلامی در مالزی

زهره خداپرست

مقدمه

مالزی یکی از توسعه‌یافته‌ترین کشورهای آسیای جنوب شرقی از نظر اقتصادی است که در عین حال از تنوع فرهنگی بسیاری نیز برخوردار است. این کشور، در گذشته جزو قلمرو امپراتوری بریتانیا شمرده می‌شد و توانست با برنامه‌های توسعه‌ای به زمره ی کشورهای صنعتی جهان پیوندد.

مالزی الگویی از هماهنگی نژادی شمرده می‌شود و ساکنان آن از سه نژاد مالایی، چینی و هندی تشکیل شده‌اند. مالزی جامعه‌ای چنددینی است. چهار دین اصلی کشور مالزی به ترتیب فراوانی عبارت‌اند از: اسلام، بودیسم، مسیحیت و هندوئیسم.

طبق قانون اساسی مالزی، اسلام دین رسمی کشور است؛ ولی افراد در انتخاب دین و انجام مراسم دینی آزاداند و پیروان ادیان دیگر نیز اجازه تبلیغ اعتقادات خود را دارند. (گلی‌زواره، ۱۳۸۵، ص ۲۶۴)

تقریباً ۶۰ درصد از جمعیت این کشور را مسلمانان تشکیل می‌دهند و اکثر مسلمانان این کشور دارای مذهب سنی شافعی هستند. این مقاله احزاب و جریانات اسلامی در مالزی اعم از شیعه و سنی، منشاء پیدایش آن‌ها، تفکرات، قوانین و نحوه ی عملکرد و تاثیرگذاری آن‌ها را در جامعه مالزی مورد بررسی قرار می‌دهد.

جنبش دعوت

نتیجه‌ی فوری آشوب سال ۱۹۶۹ رشد سازمان‌های اسلامی تحت نام کلی جنبش‌های دخوه (دعوت) بود. با توجه به معنی لغوی دخوه به عنوان "فراخواندن"، آنها خواهان بازگشت به اسلام به عنوان یک سبک زندگی

بوده، و اغلب در پی تاسیس حکومت اسلامی و اجرای قوانین اسلامی بودند. هدف این جنبش از سوئی دعوت غیرمسلمانان به دین اسلام و از سوی دیگر تذکر به مسلمانان برای مراقبت بیشتر بود. سیاست‌های عمده این جنبش اولاً، فشار بر حزب حاکم برای دفاع از اسلام، ناسیونالیسم مالایائی، و حقوق و امتیازات اقتصادی مسلمانان مالایائی بود. ثانیاً، رد وابستگی به غرب و ارزشهای چینی که موجب تخریب همبستگی، وحدت و هویت اسلامی مالایائی‌ها می‌شد. ثالثاً، بازگشت به اسلام به عنوان یک سبک زندگی ترکیبی متشکل از انجام توامان عبادات دینی و فعالیت‌های اجتماعی. گرایش اصلی آنها یکی، تاکید بر رفتارهای شخصی چون نماز و روزه، پوشش اسلامی، پرهیز از رقص، موسیقی غربی، مواد مخدر و الکل بود و دوم، تاسیس حکومت اسلامی به ویژه اجرای قوانین اسلامی و جدا سازی دو جنس. روی هم رفته، جنبش‌های دعوت و جهت گیری آنها را می‌توان در گروه‌های زیر مشاهده کرد: «دارالارقم، جنبش جوانان مسلمان مالزی، حزب اسلامی پاس و گروه جمهوری اسلامی».

گروه دارالارقم

این جنبش در سال ۱۹۶۸ توسط استاد اشعری محمد شکل گرفت. جنبش‌های اسلامی اغلب از دو الگوی مکی و مدنی پیروی کرده‌اند. الگوی مکی ناظر به پیروی از شرایط پیامبر اسلام (ص) در دوره ده ساله دعوت در مکه بود. در این دوره پیامبر اسلام تلاش خود را صرف فرهنگ سازی کرد. اما الگوی مدنی ناظر به پیروی از شرایط پیامبر در دوره حضور در مدینه بود. در این دوره پیامبر به دنبال تاسیس دولت اسلامی و شکل دهی به ساختارهای آن بود. بر این اساس جنبش دارالارقم جنبشی مکی بوده و تاکید اصلیش بر ضرورت شکل گیری جامعه اسلامی قبل از دولت بود. محور عمده نقدهای این جنبش نیز متوجه حکومت‌ها و سازمان‌های اسلامی بود که به جای تلاش برای تحقق جامعه اسلامی از طریق تعلیمات اسلامی به دنبال تاسیس دولت اسلامی بودند. این گروه به زعم خود به تقلید جامعه زمان پیامبر، زندگی در جماعات قبیله‌ای، لباس پوشیدن به سبک آن زمان (جامه‌های بلند سبز رنگ و عمامه)، ریش بلند، تفکیک جنسیتی و حجاب کامل زنان در اماکن عمومی را تجویز می‌کردند

اشعری محمد در اواخر دهه ۱۹۸۰ با خود- تبعیدی به تایلند رفت. این سفر فرصت‌های جدیدی در مقابل او قرار داد به طوری که در اوایل دهه ۱۹۹۰ دارالارقم مبدل به سازمانی قدرتمند و ثروتمند توأم با شاخه‌های زیاد شد (۴۸) انجمن با مدارس و کلینیک درمانی، اجرای پروژه‌های خدمات اجتماعی، طرح‌های صنعتی، کشاورزی و آموزشی همراه با رستوران و انتشاراتی، اعلام موجودیت در ۱۶ کشور دیگر از طریق راه اندازی شبکه‌های مدارس و دانشگاه‌ها به ویژه در اندونزی، تایلند، سنگاپور، بروئی، پاکستان و آسیای مرکزی). این قدرت، اشعری محمد را دچار نوعی توهم پیامبری کرد و گاه و بی گاه بر ارتباط مستقیم خود با پیامبر تاکید می‌کرد. همین مسئله در کنار گرایش‌اتحاد سیاسی موجب شد تا در تابستان ۱۹۹۴، حکومت بر ضد آنها دست به کار شود. لذا علمای دینی بر انحرافی بودن او و پیروانش فتوا صادر کردند و بلافاصله به اتهام اقدام بر ضد امنیت ملی محکوم شدند.

جنبش جوانان مسلمان مالزی

این گروه در اوت ۱۹۷۱م توسط انور ابراهیم تأسیس شد. این گروه، حدود ۳۵۰۰۰ نفر عضو دارد و کمتر به رعایت دستورات مذهبی پایبند است. جنبش جوانان مسلمان خواهان ایجاد تغییرات در سیاست‌های دولت برای پیروی از اصول اسلامی، یا ایجاد دولت اسلامی در مالزی است. رهبران جنبش ویژگی دولت اسلامی مورد دعوت خویش را به طور مشخص بیان نمی‌کنند؛ ولی معتقدند که این دولت باید به ترویج احکام اسلامی پرداخته و به حقوق غیرمسلمانان نیز احترام بگذارد. بنابراین این جنبش اولاً، طرفدار دولتی با گرایش‌اتحاد اسلامی، اصلاح طلب، سکولار و توسعه غرب- محور بود؛ با تذکر این نکته که موضع آنها درباره‌ی ایجاد رسمی دولت اسلامی مبهم باقی ماند، اولین هدفشان اجرای قوانین و ارزشهای اسلامی بود، و البته موضع آنها در مورد اینکه مالزی به لحاظ قومی و دینی همچنان کشوری متکثر باشد ثابت و استوار ماند. ثانیاً، ضمن تقبیح فساد، فقر، توزیع نامتوازن ثروت، نفوذ فرهنگ غرب، خواهان آزادی‌های بیش تر سیاسی و مطبوعاتی و احترام به حقوق بشر بود. ثالثاً، تأسیس دولت اسلامی و توسعه دموکراسی در مالزی را تسریع و تقویت کرد. روش‌های عمده این جنبش عبارت بود از: نخست، ایجاد سلول‌هایی (اُسره) برای انتظام بخشی به فعالیت‌ها از طریق تهیه برنامه، سمینارها، پروژه‌های اجتماعی، ترجمه و توزیع نوشته‌های فعالان اسلامی چون حسن البناء، سید قطب و

ابوالاعلی مودودی به زبان مالایائی برای راهنمایی دانشجویان جدید، التزام به عدالت اجتماعی در چهارچوب اسلام و معرفی اسلام به عنوان جایگزین مناسب برای ایدئولوژی‌های حاکم سوسیالیستی و ناسیونالیستی به دانشجویان. دوم، تاکید بر بومی سازی بدین معنی که ضمن تاثیرپذیری از پاکستان، سودان و تا حد کم تری جمهوری اسلامی ایران، معتقد بود ایدئولوژی و اهداف آن متناسب با بستر تاریخی و جامعه متکثر فرهنگی و قومیتی شکل گرفته است. بنابراین به زعم آنها نباید تجارب دیگران به شکل غیرانتقادی و تقلیدی به کار گرفته شود.

انور ابراهیم رهبر این جنبش نگاه متفاوتی به اسلام را ارائه داد و توجه همگان را به نظام اقتصادی اسلام جلب کرد. او معتقد بود همان گونه که نظام اقتصادی روز دنیا بر مبنای نظام سرمایه داری شکل گرفته است، اسلام نیز یک نظام قدرتمند اقتصادی دارد. برخی از محرومان اقتصادی مالزی و حتی غیرمالایوها، جذب شعارها و پیام‌های جنبش و نیز راه‌حل‌های اقتصادی آن شده‌اند. این سازمان شاخه‌هایی در ایالات مختلف دارد؛ مدارس و تعاونی‌هایی را اداره می‌کند؛ مجله انتشار می‌دهد و با برخی از ملت‌های عرب رابطه دارد. طرفداران و پیروان اصلی سازمان، از طبقه متوسط و تحصیل کرده ی غرب‌اند. (مسائلی، ۱۳۷۲، ص ۴۶)

گروه جمهوری اسلامی

اعضای شورای نمایندگی اسلامی و ثوره اسلام به تقلید از انقلاب اسلامی ایران سازمان دعوت دانشجویی جدیدی موسوم به گروه جمهوری اسلامی تاسیس کردند که متعهد به تاسیس حکومت اسلامی به سبک ایران بود و جایگزین حزب جوانان مسلمان مالزی به عنوان سازمان دانشجویی اسلامی مسلط دهه ۱۹۸۰ شد. کنش سیاسی و ایدئولوژی گروه جمهوری اسلامی، در جهان بینی، سفت و محکم، در سیاست، مقابله جویانه، و در برنامه سیاسی، رادیکال بود. در ایدئولوژی آن‌ها، چیز خاکستری وجود نداشت. افراد و دولت یا اسلامی بودند یا غیراسلامی، متعهد به اسلام بودند یا خیر، مومن بودند یا کافر، رستگار بودند یا بدبخت. به زعم آن‌ها، حکومت مبتنی بر قانون اساسی مصنوعی مالزی، باید جای خود را به حکومتی مبتنی بر قرآن و حدیث و الگوی حکومتی پیامبر اسلام و تحت حاکمیت علما و قوانین شریعت بدهد.

به تقلید از رویکرد سازمانی اخوان المسلمین مصر و جماعت اسلامی پاکستان، مهم ترین ابزار تحقق اهداف گروه جمهوری اسلامی مانند همه سازمان‌های دعوت، اُسره‌ها به عنوان گروه‌های مورد حمایت تحصیل کردگان بودند که بر کنش سیاسی و مذهبی تاکید داشتند. قدرت و توفیق گروه‌های اسره در تعهد ایدئولوژیک و سازمانی آن‌ها نهفته بود که اغلب اقلیتی را قادر می‌ساخت تا بر اکثریت اعمال نفوذ و سلطه کند. دانشجویان در اسره‌های کوچک سازماندهی شده، به شکل جنسینی از یکدیگر جدا بودند و همدیگر را به طور منظم ملاقات می‌کردند تا سطح علمی خود را ارتقا دهند (با یکدیگر گفت و گوهای دینی، مباحثه و مناقشات مذهبی داشته باشند) و نماز را به جماعت بخوانند تا حدی که یک نظام حمایت اجتماعی درست کنند. بدین سان، می‌توانستند حس قدرتمندی از همبستگی و هویت دینی را توسعه و تحکیم بخشند. البته برخی رفتارهای افراطی این گروه موجب شد تا این گروه اگرچه در میان دانشجویان موقعیتی پیدا کند، ولی در عرصه ملی نتواند به یک سازمان مهم سیاسی بدل شود.

حزب اسلام گرای پاس

حزب اسلام گرای مالزی یا پاس، به زبان مالایائی "پارتی اسلام س-مالیزیا" یکی از سه حزب تشکیل دهنده ائتلاف مخالفان دولت مالزی یا همان "پاکاتان رعیت" است. رهبری معنوی حزب بر عهده ی "نیک عزیز نیک مات" روحانی هشتاد ساله مالایائی و رهبری سیاسی آن بر عهده "عبدالهادی آونگ" است؛ کسی که تلاش کرد دو دنیای حزب پاس و حزب جوانان مسلمانان مالزی را به یکدیگر پیوند زند و جریانی ترکیبی به وجود آورد. حزب هدف غائی خود را اداره کشور مالزی براساس شریعت اسلامی تعریف کرده است. این حزب به عنوان قدیمی ترین و بزرگ ترین حزب سیاسی اسلامی مالزی، در سال ۱۹۵۱ توسط عالمانی تاسیس شد که آمو را به سبب "سیاست سازشکارانه در قبال غیرمالایائی‌ها و گرایش دمدمی به اسلام" ترک کردند. هسته اولیه حزب پاس با الهام از نهضت‌های تاثیرگذار جهان اسلام همچون اخوان المسلمین مصر، جماعت اسلامی پاکستان و نهضت العلما اندونزی در اواخر دهه ۱۹۴۰ شکل گرفت. برپائی نخستین نشست اسلامی در سال ۱۹۴۷ در واپسین سال‌های استعمار بریتانیا، به تاسیس شورای عالی مذهبی مالایا و سپس حزب المسلمین منتهی شد؛ حزبی که عمر آن بسیار کوتاه بود و به سرعت توسط حاکمان بریتانیایی مالی به اتهام همکاری با

شورشیان حزب کمونیست منحل شد. این رخداد منجر به پیوستن دسته جمعی بسیاری از اعضای این حزب به سازمان ملی مالائی‌های متحد با "آمنو" شد که قدرتمندترین حزب کشور مالزی در سال‌های پس از استقلال بوده است با این حال این پیوند دیری نپائید و پس از پنج سال، حزب آمنو شاهد انشعاب جمعی از اعضای خود و تاسیس حزب اسلامی پان-مالایائی بود که در دهه هفتاد میلادی نام خود را به حزب اسلامی پان-مالزی تغییر داد.

حزب پاس نیز مانند آمنو، تامین خواسته‌های اکثریت مالایائی و اجرای قوانین اسلامی را در راس دستور کار خود قرار داده است. با این حال، رویکرد حزب پاس به مذهب در مقایسه با رویکرد حزب آمنو که قرائتی معتدل و منعطف از اسلام را با عنوان "اسلام مدنی" ترویج می‌کند، سختگیرانه و معطوف به اجرای قوانین شریعت همچون حدود و قصاص است. این حزب عمدتاً به تقبیح غرب‌گرایان و ارائه تفاسیر سنتی‌تر از اسلام چه در موضوعات کلی حقوق اسلامی و چه در موضوعات خاصی چون زنان و غیرمسلمانان‌ها می‌پردازد. پاس در پی درگیری‌های خونین قومی سال ۱۹۶۹ میان مالایائی‌ها و چینی‌تبارها به ائتلاف فراگیر "باريسان ناسیونال" (جبهه ملی) به رهبری آمنو پیوست تا در کنترل وضعیت حساس کشور چند قومیتی مالزی و حل تنش‌ها از راه رسیدگی بیشتر به اکثریت محروم مالایائی نقشی داشته باشد. با این حال پس از چندی، تنش‌های درون حزبی به تضعیف و چند پارگی پاس، اخراج آن از جبهه ملی و از دست رفتن کرسی‌های مجلس و مناصب ایالتی دهه ۱۹۸۰ شاهد درگیری‌های شدید و طولانی میان پاس و حزب آمنو بود. رهبران حزب پاس در جدال با سیاستمداران حزب آمنو دست به تکفیر آنان زدند و حتی عبدالهادی آونگ که در آن زمان هنوز به ریاست حزب نرسیده بود اعلام کرد که مقاومت در برابر آمنو حکم جهاد را دارد و کشته شدگان در این راه شهید به شمار می‌آیند. تنش میان این دو حزب به جامعه مالایائی نیز سرایت کرد و آن را دو پاره کرد. در طول سال‌های گذشته، حزب پاس از مخالفان سرسخت ترویج فرهنگ غرب در مالزی بوده است و موضع گیری‌های آن جنجال‌های زیادی را در این کشور برانگیخته است. (احمدوند، جنبش‌های اسلامی معاصر، ۱۳۹۰)

تأثیر انقلاب اسلامی ایران در حزب پاس

جنبش اسلامی مالزی به ویژه پاس تمایلی آشکار و صریح به اسلامی سازی جامعه (به لحاظ سیاسی، اقتصادی، آموزشی و اجتماعی) داشت، موافق نظام حکومتی پارلمانی و انتخاب بود، اما کنترل آمو بر حکومت را مورد انتقاد قرار می داد و تا حدودی شبیه ایران، طرفدار ایجاد کمیته ای از علما برای انطباق قوانین با اسلام بود. علاوه بر این، بسیاری از فعالان مبارز اسلام گرا که به تازگی پس از فراغت از تحصیل از بریتانیا بازگشته بودند، رهبری پاس را تحت فشار قرار دادند که باید موضع اسلامی منظم تر و ناب تری همراه با تاکید کم تر برناسیونالیسم مالایائی اتخاذ کند و برای تاسیس جمهوری اسلامی به سبک ایران، تاکید بیش تری بر سازماندهی، تربیت کادر و کنش سیاسی انجام دهد.

حزب اسلامی پان مالزی:

حزبی سیاسی در این کشور است که به عنوان حزبی بنیادگرا و تندروی اسلامی شناخته می شود. این حزب پس از "بحران انور" که طی آن ماهاتیر محمد، نخست وزیر وقت مالزی، معاون خود انور ابراهیم را بر کنار کرد، مشهورتر شد و از فضایی که بعد از سال ها ضد حزب حاکم درست شده بود برای گرفتن قدرت استفاده کرد. این حزب در انتخابات ۱۹۹۹ علاوه بر ایالت کلاتان که قدرت را در آن به دست داشت، ایالت ترنگانو را نیز از دست "باريسان ناسیونال" گرفت. اما در انتخابات ۲۰۰۴ نه تنها ترنگانو را از دست داد که قدرتش در کلاتان نیز محدود شد و با اکثریتی بسیار نازل به قدرت در این ایالت رسید.

این حزب به همراه چندین حزب دیگر، ائتلاف "باريسان آلترناتيف" (به فارسی: جبهه آلترناتیو) را در مقابل باريسان ناسیونال (به فارسی: جبهه ملی) تشکیل می دهد. در سال ۲۰۱۳ عرصه سیاسی مالزی شاهد جنجالی پیرامون انتخاب محمد سبو بعنوان رهبر این حزب بود. مخالفان وی را متهم به تشیع می کردند و خواستار کناره گیری وی بودند.

شیعیان در مالزی

تاریخ حضور شیعه در مالزی به نخستین برخوردهای مردم بومی مالائی با اقوام مهاجر مسلمان در قرن پنجم هجری به بعد بر می گردد و در آن زمان دین اصلی مردم این سرزمین هندوئی و بودائی و زبان آنان سانسکریت بوده است.

از میان مسلمانان بازرگان در قرون گذشته شیعیانی نیز بوده اند که برای داد و ستد به بندر ملاکا با کشتی های بزرگ تجاری می آمده اند و بر اساس گفته پرفسور داتو محمود زهدی از اساتید بنام دانشگاه بین المللی اسلامی مالزی، نخستین مهاجران به این سرزمین شیعه بوده اند و البته تا کنون اسناد قابل قبولی برای اثبات حضور گسترده شیعه در دست نیست و نمی توان با قاطعیت گفت که شیعه نخستین مهاجران به مالزی بوده اند. گروه دیگری از شیعیان مالزی متعلق به مهاجران هندی و پاکستانی و افغانی و بنگلادشی می باشد که در دوران سیطره انگلستان در مالزی به عنوان نیروهای کار به این منطقه کوچانده شده اند و در طول سالهای متمادی مذهب خود را حفظ کرده اند و آداب و مناسک دینی را بر اساس مذهب شیعه به جای می آورند. شیعیان خوجه اثنا عشری هند نیز از همین جمله بشمار می آیند که در حال حاضر در مالزی دارای اتحادیه مستقل می باشند و فعالیت خود را در حمایت از دانشجویان جعفری اثنا عشری دارند.

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی قدس سره تعدادی از همین سادات و برخی دیگر از جوانان پرشور سنی مذهب برای آشنا شدن با اسلام انقلابی به قم مهاجرت کردند و به تحصیل علوم دینی پرداختند و تعداد این افراد از ۵۰ نفر نیز تجاوز نمی کرد. این جوانان مالزیائی بعداً به کشورشان بازگشتند و در مشاغل مختلف دولتی و غیر دولتی چون شرکتهای تجاری به کار پرداختند و تعدادی از همین افراد نیز به فعالیت مذهبی مشغول شدند.

شیعیان مالزیائی اعم از طرفداران انقلاب اسلامی و یا طرفداران مراجع شیعی دیگر در هند و عراق و پاکستان و ایران هیچگاه برای خود مسجدی نداشته اند و همه فعالیتهای آنان در منازل و یا اماکنی تحت عنوان حوزه و یا مرکز انجام می شده است. تعدادی از سران احزاب پاس و آمنو نیز به تشیع گرایش یافتند، اما شیعیان حزب پاس در بیان این گرایش شجاعت بیشتری از خود نشان دادند و احزاب مخالف آنان نیز همین امر را دستمایه حمله سیاسی خود قرار دادند و برای تضعیف جبهه مخالف آنان را به پیروی از تشیع متهم می ساختند.

الف- گروه های شیعی

شیعیان مالزی، طبق پژوهش‌ها و مطالعات امور اسلامی وزارت نخست‌وزیری در کوالالامپور، به سه دسته تقسیم می‌شوند:

شیعه طیبی بهره که در اصل از هندوستان به مالزی مهاجرت کرده‌اند.

شیعه اسماعیلیه آقاخان که به Kedai peegbai معروف‌اند و در اطراف لمبه کلانگ (Lembah kelang) فعالیت دارند و تعداد آن‌ها کم‌تر از شیعیان بهره است؛

شیعه جعفریه یا امامیه اثناعشری که دولت مالزی پیدایش این گروه از شیعیان را به پیروزی انقلاب اسلامی ایران یعنی در سال ۱۹۷۹ میلادی نسبت داده است. (<http://www.ahlulbaytpotal.com>)

ب- فعالیت های فرهنگی شیعیان

فعالیت‌های فرهنگی علنی شیعیان، از سال ۱۳۷۶ با تهاجم دولت به این جامعه و دستگیری تعدادی از سران آنها بسیار کم شده است و در سال‌های اخیر، تنها شاهد فعالیت گروه‌های کوچک شیعیان در زمینه‌هایی همچون برگزاری جلسات قرآن و احکام و ایجاد پایگاه‌های اینترنتی بوده‌ایم. فعالیت‌های اجتماعی شیعیان نیز در سال‌های اخیر، نسبت به گذشته انسجام و وحدت بیشتری یافته است.

در مالزی مدرسه علمیه و حوزه‌ای به شکل حوزه‌های علمیه شیعه در قم و نجف وجود ندارد؛ اما از آنجا که مسئولیت برخی مدارس با افرادی است که از نظر فکری نزدیک به شیعه‌اند، به همین مدارس، مدرسه‌های دینی شیعه اطلاق می‌شود. وجود این گونه افراد در سطوح مدیریت و حتی استادی این مدارس، تا حدودی باعث تغییر و تحول در آن شده و زمینه را برای نزدیکی هرچه بیشتر آنها به حوزه‌های علمیه شیعه آماده می‌سازد.

ج- وضع اقتصادی شیعیان

شیعیان مالزی را از لحاظ طبقات اقتصادی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

طبقه بالا، یعنی ثروتمندان، که حدود سی درصد از شیعیان را دربر می‌گیرد؛

طبقه متوسط که شامل کارمندان عادی و افراد دارای مشاغل تجاری در حد متوسط می شود و شصت درصد شیعیان را دربر می گیرد؛

طبقه پایین که بیشتر از افراد نیازمند با درآمد بسیار پایین اند و ده درصد شیعیان مالزی در این طبقه قرار می گیرند.

بیشتر شیعیان مالزی در شرکت های خصوصی غیردولتی مشغول به کارند؛ زیرا در این شرکت ها آزادی بیشتری دارند. شیعیان اگر بخواهند در پست های دولتی شاغل باشند، باید تقیه کنند. برخی از آنان که پست های دولتی دارند، خود را از جمع شیعیان کنار کشیده اند و بسیار کم با آنها رفت و آمد می کنند.

د- رابطه انقلاب اسلامی و جریانات شیعی مالزی

بخش زیادی از جامعه روشنفکری مالزی از مسلمان و غیر مسلمان تحت تاثیر استکبار ستیزی انقلاب اسلامی و مواضع روشن حضرت امام قدس سره علیه رژیم اشغالگر قرار داشته اند و علی رغم داشتن مذهب اهل سنت از طرفداران انقلاب اسلامی بشمار می آیند و جریانات سیاسی همسو با غرب با ادعای مبارزه با شیعه در مالزی در صدد تضعیف این گروه بزرگ از روشنفکران مسلمان که در احزاب مختلف سیاسی نیز نفوذ دارند می باشد. هدف اساسی از انقلاب اسلامی ایران ترویج مذهب تشیع در شرق آسیا نبوده و نخواهد بود و این اصول ثابت و بنیادین انقلاب اسلامی است که توانسته است بخش عظیمی از روشنفکران جوامع شرق آسیا را تحت تاثیر قرار دهد و این تاثیر پذیری رنگ مذهبی خاص نداشته است و علت اعلام آمارهای بسیار متفاوت از شیعیان مالزی نیز وجود گسترده اقشار روشنفکر مالزی اعم از مسلمان و غیر مسلمان در حمایت از جریان استکبار ستیزی و مبارزه با رژیم اشغالگر قدس توسط انقلاب اسلامی ایران از سال ۱۳۵۷ تا کنون است و جریانات همسوی با غرب همه این اقشار را متهم به تشیع نموده اند و در صدد تضعیف جریانات مخالف غرب در مالزی می باشند.

پیش از بروز انقلاب اسلامی تعداد زیادی از روشنفکران مالزیایی در کشورهای انگلستان، آلمان، فرانسه، آمریکا و دیگر کشورها با انقلابیون ایرانی در انجمن های اسلامی دانشگاه های مختلف آشنا شده بودند و تاریخ آشنائی آنان با افکار امام خمینی و انقلاب اسلامی به آن دوران باز می گردد.

بسیاری از دولتمردان مالزیایی در رده های مختلف سیاسی که در دانشگاههای خارج از کشور خود تحصیل کرده اند با نام و آوازه امام خمینی قبل از انقلاب اسلامی آشنا شده اند و به گونه ای تحت تأثیر اسلام ناب محمدی در زمانی که همه حکومتهای مشرق زمین تحت سیطره آمریکا و غرب بودند قرار داشتند. هنگامی که این تحصیل کردگان مالزیایی به کشور خویش بازگشتند در مراکز مختلف آموزش عالی مالزی از دستاوردهای انقلاب اسلامی و این که یک کشور اسلامی مقتدر به نام ایران وجود دارد که با اتکای به مردم مسلمان توانسته است در برابر غرب بایستد برای دانشجویان خود سخن گفته اند و بسیاری از آنان در زمان حیات امام خمینی نیز توفیق دیدار ایشان در بیت متواضع جماران را داشته اند و بارها در مجامع مختلف از خاطرات خود در سفر به ایران سخن گفته اند.

این روشنفکران دارای اعتقادات مذهبی شیعه نبوده اند و صرفاً به عنوان مدافعان انقلاب اسلامی تحت تأثیر افکار امام خمینی قرار داشته اند. به مرور زمان فشارهای سیاسی و امنیتی بر این عده در دانشگاههای مالزی افزایش می یابد و همین امر سبب می گردد تا این افراد گرایشهای سیاسی خود را از نظام حاکم پنهان نمایند و با تحریک مخالفان انقلاب اسلامی و مدافعان غرب متهم به شیعه گری و یا تقیه شده اند. برخی از شیعیان بومی نیز برای نشان دادن گسترش شیعه در مالزی به عمد و یا غیر عمد این گروه از روشنفکران مالزیایی را در زمره شیعیان در حالت تقیه معرفی کرده اند، اما تماسهای فردی با این تعداد گسترده از مدافعان انقلاب اسلامی به خوبی گرایش دینی اهل سنت را در آنان تقویت می کند، اما در هر حال مذهب شیعه را نه تنها جریان انحرافی نمی دانند، که معتقدند با گفتگوی سازنده با جهان تشیع می توان در رونق سیاسی و اقتصادی و فرهنگی مالزی نیز مشارکت نمود و این تعدد مذاهب نه تنها عامل تهدید بشمار نمی آید، که عامل انسجام و ایجاد فرصت نیز می باشد.

از دیگر عوامل گسترش دیدگاههای استکبار ستیزی و انقلابی امام خمینی در مالزی انتشار تعداد زیادی مقالات مربوط به انقلاب اسلامی در روزنامه های مالزی در سالهای نخست انقلاب اسلامی ایران توسط روزنامه نگاران و نویسندگان مالزیایی است. البته در همان سالها نیز تلاشهایی برای عدم انعکاس اخبار مربوط به انقلاب اسلامی ایران در مالزی توسط حکومت وقت صورت می گرفت، اما حادثه عظیم انقلاب اسلامی و جنبشهای

متأثر از آن در شرق آسیا و دیگر مناطق جهان امری نبود که بتوان به سادگی از کنار آن گذاشت و یا اخبار آن را در مطبوعات مالزی سانسور کرد.

از دیگر عوامل توسعه انقلاب اسلامی در این دیار شعار جهان شمول بودن انقلاب و دادن امید به نسل های آینده برای به دست گرفتن سرنوشت خود و جهانی با برخورداری از سعادت معنوی و برقراری حکومت عدل اسلامی و پایان یافتن دوران استکبار شرق و غرب به دست جوانان پرشور مسلمان با هر مذهبی تحت رایت قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) و احیای بندگی خدا و نه ابرقدرتها بود و این شعارها در جان و روح جوانان مالزیائی رسوخ کردند و حرکت بزرگی را به سمت وسوی احیای تمدن اسلامی و حتی اسلام سیاسی در حکومت ایجاد نمود. جریانات سیاسی مدافع غرب چه به صورت بومی و داخلی و چه با تحریک دولتهای عربی با هدایت غرب و استکبار تلاش زیادی کردند تا با تحریک پادشاهان مالزی این فکر را به آنان القا نمایند که پیام انقلاب اسلامی و احیای تفکر بندگی خدا و مقابله با استکبار و شعار حکومت اسلامی و یا احیای ارزشهای دینی در حکومت به معنای حذف دوران پادشاهی مالزی می باشد و با استفاده از این ترفند توانستند دیدگاههای متعادل پادشاهان مالزی را نسبت به تشیع و انقلاب اسلامی بدبین نمایند و این در حالی است که تا کنون هیچ یک از علما و روشنفکران مسلمان شیعی و سنی طرفدار انقلاب اسلامی چنین تلقی و تفسیری از انقلاب اسلامی در مالزی ارائه نکرده اند و به صراحت همه فعالیتها و آرمانهای خود را در چارچوب قانون اساسی مالزی و احترام به آداب و رسوم ملی و پرچم این کشور دانسته اند.

عامل دیگر محبوبیت انقلاب اسلامی در میان مردم مالزی از همه ادیان و مذاهب این است که مردم کشوری چون ایران با اتکای بر توانائی های خویش توانسته است در ایجاد کشوری قدرتمند و پیشرفته موفق باشد و این موفقیت جمهوری اسلامی ایران مرهون رهنمودهای امام راحل و بیانات و راهنمائیهای مقام معظم رهبری در سالهای پس از انقلاب اسلامی بوده است. پیروزی انقلاب اسلامی سبب گردید تا مسلمانان با چنگ زدن به ریسمان الهی و احیای ارزشهای اسلامی صفوف خود را برای مقابله با استکبار جهانی محکم تر نمایند و دوران تسلط آنان بر جهان اسلام سپری گردد، و جهان تک قطبی با ایدئولوژی مادی و لیبرالیسم غربی توسط طرفداران انقلاب اسلامی در سراسر جهان با چالش روبرو شود، و این همان نگرانی جریانهای همسوی غرب در مالزی از گسترش انقلاب اسلامی در شرق آسیا می باشد که بدون هیچ مدیریت از سرمنشأ آن، یعنی

جمهوری اسلامی ایران، مرزهای جغرافیائی را در می نوردد و نور و امید را برای مسلمانان جهان به ارمغان می آورد.

جریان وهابیت و سلفی گری

یکی دیگر از جریاناتی که در مالزی وجود دارد جریان وهابیت و سلفی گری است. علت ایجاد و رشد افکار سلفی گری می تواند عوامل مختلفی از جمله نفوذ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای عربی بویژه عربستان باشد که خود را رقیب ایران میدانند.

بودجه های کلانی برطبق آمار رسیده بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در این منطقه هزینه شده است به نحوی که بسیاری از شرکت ها، مؤسسات و بخش های مختلف تعامل نزدیک اقتصادی با چنین جریانی دارند و طبیعتاً می توانند تحت تأثیر تفکرات آنان نیز قرار بگیرند.

سرمایه گذاری اقتصادی عربستان در مالزی باعث وابستگی و بدهکاری دولت مالزی به عربستان شده است. این وابستگی اقتصادی بر سیاست دولت در ارتباط با کشور عربستان تأثیر گذاشته و باعث مسامحه و مماشات این کشور در رابطه با سیاست های دولت عربستان، بویژه نفوذ وهابیت و افکار سلفی گری در مالزی شده است. علاوه بر این، دولت سعودی از فرصت استفاده کرده و فعالیت های خود را در مراکز فرهنگی، و مساجد در تبلیغ وهابی گری توسعه بخشیده است. همچنین مدارس و دانشگاه های وهابی سعی در جذب جوانان مالزی و آموزش و تعلیم وهابیت دارند. جوانان مالزی پس از آموختن سلفی گری به کشور خود بازگشته و به تبلیغ سلفی گری و انجام فعالیت های در داخل و خارج از کشور، در رابطه با اهداف وهابیت می پردازند. پیوستن جوانان مالزی به گروه داعش و فعالیت های آن ها در بعضی کشورها همچون سوریه و افغانستان و چین و... در راستای همین اهداف است. فعالیت وهابی ها در داخل کشور نیز موجب ایجاد جو شیعه ستیزی و شیعه هراسی در مالزی شده است.

نتیجه گیری

علی رغم فراز و نشیب ها و اختلافاتی که در دوران مختلف در بین احزاب و گروه های اسلامی وجود داشته است، اکثر این احزاب که به نوعی می توانند نماینده مردم کشور مالزی باشند، خواهان کشوری مستقل و حاکمیتی هستند که ملزم به رعایت قوانین شریعت و پایبند به اجرای احکام اسلامی باشد. اکثر این گروه ها به تاءسی از انقلاب اسلامی ایران مخالف نفوذ استکبار و فرهنگ غرب در جامعه مالزی هستند بنابراین در جریان تبلیغات می توان از این خصیصه استفاده کافی و وافی برد.

منابع

- مسائلی، محمود، مالزی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۲ ش.
- احمدوند، شجاع، جنبش های اسلامی معاصر، چاپ دوم، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰ ش.
- http://shia_online.ir
- <http://www.Ahlolbaytpotal.com>
- <http://www.paynews.com>
- <http://jamaran.ir>
- <http://fa.wikipedia.org/malaysia>

گفتار چهارم

نمادهای ملی در فرهنگ و سیاست مالزی

فریده اسماعیلی

مقدمه

مالزی یکی از کشورهای جهان اسلام با جمعیت بالغ بر ۳۲ میلیون نفر است که تا سال ۲۰۲۰ طبق آمار سازمان ملل برآورد شده است.

این کشور دارای ۱۴ ایالت و سه منطقه فدرالی است که مهم ترین شهرهای آن عبارت است از : جوهوربارو (مرکز ایالت جوهور) ، آلورستار (مرکز ایالت کداح) کوتابارو (مرکز ایالت کلانتان) ف ملاکا (مرکز ایالت ملاکا) کوانتان (مرکز ایالت پنانگ) ، کنگر (مرکز ایالت پرلیس) کوچینگ (مرکز ایالت ساراواک) شاه علم (مرکز ایالت سلانگور) و کوالالامپور (مرکز منطقه کوالالامپور)

زبان رسمی

زبان رسمی مردم مالزی ملایو است که با لهجه های گوناگون در نقاط مختلف کشور صحبت می شود. از جمله مهمترین این زبانها ایبان و کدازن است.

ادیان و مذاهب مختلف:

مهمترین ادیان در مالزی به ترتیب : اسلام (مذاهب شافعی حنفی و شیعه) که ۵۸ درصد از مردم پیرو آن هستند بودیسم ۱۷ درصد و کنفوسیوس و تایوئیسم ۱۱ درصد. پیروان مذهب مسیحیت ۸ درصد هندویی و

دایویسم و برخی عقاید جادوگری نیز وجود دارند. دین رسمی کشور اسلام است و نوع مذهب براساس نژاد تعیین کننده است.

جشن های ملی و تعطیلات رسمی:

- سال نو چینی (۲ روز) که معمولاً با مراسمی با شکوه در ماه فوریه آغاز می شود و ۱۵ روز بطول می انجامد.
- عید قربان که این روز تعطیل رسمی است.
- روز ۳۱ اوت روز ملی
- روز تولد پادشاه
- عید فطر ۲ روز
- روز میلاد حضرت محمد
- روز وساک (وفاق - ۱۲ می) که همان سالروز تولد بوداست و در بیشتر ایالتها تعطیل است.
- کریسمس
- روز کارگر (اول می)
- اول ماه محرم و شنبه و یکشنبه هر هفته
- روز تولد حاکم هر ایالت نیز در همان ایالت تعطیل عمومی است.

واحد پول:

واحد پول مالزی به موجب قانون از سال ۱۹۷۵ از دلار و سنت به رینگیت و سن تغییر یافت.

وضعیت جغرافیایی

مساحت و مختصات جغرافیایی

مساحت کشور مالزی ۳۲۹ هزار و ۷۵ کیلومتر است که ۳۲۸ هزار و ۵۵۰ کیلومتر آن را خشکی و ۱۲۰۰ کیلومتر را آبهای داخلی تشکیل می دهد. مختصات جغرافیایی کشور مالزی در جنوب شرق آسیا بین ۲ تا ۳۰ درجه عرض شمالی و ۱۱۲ تا ۳۰ درجه طول جغرافیایی است.

همسایگان

این کشور از شمال با کشور تایلند و جزیره برونو همسایه است و از جنوب نیز با دریای چین جنوبی و ویتنام هم مرز و همسایه است.

وضعیت فرهنگی واجتماعی

نماد رنگها و پرچم

نام پرچم مالزی جالور جمیلانگ JELUR Gemilang نام دارد. این نام در زبان مالایی به معنی خط های عالی یا راه های با شکوه است. این نام که در سال ۱۹۹۷ توسط نخست وزیر مالزی ، دکتر ماهاتیر محمد نامگذاری شد. هدف نخست وزیر مالزی از نامگذاری پرچم به این نام، که اعلام تلاش و پیشرفت و موفقیت مالزی بود.

در پرچم مالزی خطوط راه راه یک کانتون و چهار رنگ قرمز سفید زرد و ابی می بینید که هنگام طراحی روی پرچم فلسفه ای برای آن تعریف شده است.

ستاره و هلال های پرچم مالزی نماد سنتی از دین اسلام و مردم مالزی است که اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می دهد.

ستاره ۱۴ نقطه نشان دهنده وحدت بین ایالت های فدرال و ۱۳ کشور عضو است.

ماه هلالی شکل زرد نشان دهنده دین رسمی مالزی اسلام است.

رنگ ابی روی پرچم مالزی نشان دهنده عضویت کشورهای مشترک المنافع بریتانیا و وحدت مردم مالزی است.

رنگ قرمز نشان دهنده پایداری و جسارت است.

رنگ سفید نشان دهنده صداقت و اشرافیت است ضمن آنکه رنگ سفید و قرمز دو رنگ اصیل و سنتی مورد علاقه و منتسب به کشورهای جنوب شرقی اسیا است.

رنگ زرد نشان دهنده وفاداری به کشور و پادشاه مالزی است.

رنگ ابی در کانتون بالا سمت چپ نشان دهنده وحدت صلح و اطاعت است.

نوارهای شکوه پرچم مالزی شامل شش نوار قرمز و پنج نوار سفید است.

نوارهای افقی قرمز و سفید متناوب پرچم نشان دهنده ۱۳ ایالت و دولت فدرال است.

مراسمات و جشنهای مذهبی و فرهنگی

کشور مالزی بدلیل تنوع بالای اقوام و ملیتها، دارای جشنها و مناسبات گوناگون و متنوعی هستند. در ادامه به برخی از اعیاد و جشنهای کشور مالزی می پردازیم.

جشنهای مذهبی

معروفترین اعیاد و آداب و رسوم مالزی جشن عید فطر (Hari raya puasa) است که با شکوه و بسیار مهم است. این جشن در پایان ماه مبارک رمضان برگزار شده و همه مسلمانان مالایی و غیر مالایی در آن شرکت می کنند.

مردم مالزی عید اضحی یا هاری رایا را که همان عید قربان است نیز جشن میگیرند

روز تولد پیامبر یا مولود الرسول هم جز اعیاد بزرگ مسلمانان در مالزی است.

اول ماه محرم که شروع سال جدید قمری است نیز یکی از مناسبتهای مهم در این کشور است.

جشن فانوس چینی ها

جشن فانوس یکی از جشن های خاص چینی هاست که نشانگر پایان سال نو است. این جشن در روز دهم سال برگزار می شود. جشن فانوس یکی از قدیمی ترین این های چینی هاست که قدمت آن به ۲۰۰۰ سال پیش و به دوران امپراطوری ها بر می گردد. در این روز خاص مردم در جلوی خانه هایشان به صورت ردیفی شمع روشن می کنند و شب در حالی که فانوس به دست دارند مسیر مشخصی را طی می کنند. درخشش نور فانوس ها در تاریکی شب از جذابیت های این جشن است.

جشن کیک ماه

جشن کیک ماه جشن پیروزی قیام چینی ها در برابر سرداران مغول در قرن ۱۴ است. در این جشن که در ماه سپتامبر برگزار می شود مردم کیک هایی به شکل قرص ماه پخته و به یکدیگر هدیه می دهند.

جشن بودایی

بوداک یک روز ملی در مالزی است که در اکثر ایالات مالزی تعطیل رسمی است. جشن ورساک یا همان جشن بودایی در بهار برگزار می شود و مردم نذورات را به معابد برده و میان نیازمندان خیرات می کنند.

جشن هندی ها

هندی های مقیم مالزی HINDU TAMIL هستند که پوشش خاص و آداب و رسوم ویژه ای دارند. یکی از بزرگترین جشن های هندی ها جشن دیپاوالی یا جشن نور است. در جشن دیگر هندی ها که تاپیوسام نام دارد. هندوها از سراسر کشور در باتو کیو (غارهای باتو) جمع شده و این روز را گرامی می دارند.

شهر تاریخی مالاکا (Malacca city)

مالاکا یک مرکز ایالتی به همان نام در ساحل غربی مالزی با تاریخ بسیار غنی و فرهنگی آمیخته از فرهنگهای پرتغالی هلندی و انگلیسی می باشد و سه استعمارگری که سالها بر این شهر حکومت کردند و تاثیرات باور پذیری را بر سبک زندگی مردم و فرهنگ عمومی جامعه بر جای گذاشتند. شهر تاریخی مالاکا در فهرست جهانی میراث فرهنگی یونسکو به ثبت رسیده است.

شهر مالاکا در آخر قرن چهاردهم تنها یک روستای ساده بود که بیشتر مردم آن به کار ماهیگیری مشغول بودند تا اینکه شاهزاده پارامسوارا با مالاکا آشنا شد و در حین فرار خود از سوماترا در سواحل این شهر توقف کرد و تصمیم گرفت مالاکارا به بندرگاهی فوق العاده تبدیل کند.

معبد چنگ هون تنگ

از جمله جاذبه های بسیار مشهور مالاکا معبد چنگ هون تنگ برای تایویستها می باشد. ساختمان این معبد در خیابان شماره ۲۵ جالان توکونگ قرار گرفته و این معبد را باید یکی از قدیمی ترین و مهمترین معابد کشور مالزی دانست. این معبد بر پایه عقاید سه مذهب تایویسم بودیسم وکنفوسیوس استوار است. همچنین در این معبد انواع مناسک چینی و مراسم روحانی برگزار شده و کاهنان آنجا مدام در حال دعا و انجام مراسم خاص خود هستند.

از دیگر جاذبه های مشهور شهر مالاکا کلیسای سنت پیتر است. کلیسای سنت پیتر محلی برای جمع شدن و ملاقات و دیدار کاتولیکهای سراسر جهان با ملیتهای مختلف است. این کلیسا از قدیم ترین کلیساهای رومی در مالزی بشمار میرود. زنگ این کلیسا در سال ۱۶۰۸ میلادی از جزیره گوا به این مکان آورده شده است.

- شخصیت های تاثیر گذار ملی و اسلامی
- ماهاتیر محمد نخست وزیر انقلابی و تاثیر گزار
- عبدالهادی آونگ ، رییس حزب اسلامی پاس
- محمد المنور: فارغ التحصیل الازهر و استاد دانشگاه و مدرس حوزه های اهل تسنن
- انور ابراهیم : ریاست سازمان جوانان مسلمان مالزی
- حاج محمد بخاری نویسنده و استد مطالعات اسلامی و ادبیات عرب
- احمد آونگ : رییس سابق جمعیت العلمای مالزی
- عبدالغنی شمس الدین: رییس جمعیت العلمای مالزی
- سید حسین العطاس

• سید القادر عطاس

• فرید العطاس

مراکز مهم آموزشی و اسلامی

در مالزی بخشی تحت عنوان امور مذهبی در نهاد نخست وزیری بمنظور ایجاد هماهنگی در اداره امور اسلامی ایجاد شده است که از طریق سازمانهای زیر فعالیت می کند:

الف) شورای امور اسلامی که وظایف زیر را برعهده دارد:

دبیرخانه شورای ملی امور اسلامس

کمیته فتوا

نظارت بر صندوق تولیت و صندوق رفاه شورای ملی

پیگیری شکایات مسلمانان

بررسی سیمنار و کنفرانس اسلامی قبل از انجام آن

ب) کمیته توسعه امور اسلامی

ج) شورای مشورتی اسلامی

انتخاب و ارزیابی ارزشهای اسلامی

ارائه نظر درباره تطبیق انواع فناوری مورد قبول اسلام

بررسی و تحقیق درباره امور مذهبی و هدایت امور مذهبی

د) موسسه فهم اسلامی مالزی (ایکیم)

(۱) تصحیح برداشتهای ناصواب از دین اسلام

(۲) ایجاد همبستگی میان جوامع مسلمان و غیر مسلمان در مالزی

(ز) موسسه جمعیت خیریه اسلامی (برکیم)

(و) شورای ملی امور اسلامی:

این شورا متشکل از ۱۳ نفر از نمایندگان ایلات و ۵ نفر از نمایندگان پادشاه است که تحت ریاست نخست وزی فعالیت می کند و هماهنگی امور مذهبی را بر عهده دارد.

مساجد مهم

- مسجدنگارا..سمبل نماد استقلال مالزی
- مسجدسلطان صلاح الدین دارای بلند ترین گنبد جهان
- مسجد سلطان عبدالصمد نماد گردشگری اسلامی مدرن مالزی
- مسجد جامع الوطنی
- مسجد کامپونگ کلینگ مسجدی بدون گنبد در شهر مالاکا
- مسجد ملی مالزی
- مسجد باستانی کوتا مسجدی مختص پیروان مذهب حنفی
- مسجدپورترا. معروف به مسجدصورتی
- مسجد رویال
- مسجد سلطان ابوبکر.مسجدی زیبابه سبک آفریقایی شمالی
- مسجد ترانکورا
- مسجد شاه اعلم
- مسجدکوچینگ

منابع

- آشنایی با کشورهای اسلامی (۲) مالزی ، ۱۳۸۳ ، محمد هادی فلاح زاده ، انتشارات : موسسه فرهنگی

مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصرتهران

- <http://malaysia.sawadee.com>
- <http://allmalaysia.info>
- <http://www.nationmaster.com>
- <http://www.euromonitor.com>

گفتار پنجم

نمادهای فرهنگی مذهبی و تاریخی کشور مالزی

داوود مدنی

مقدمه:

مالزی کشوری در قاره آسیا و جنوب شرقی آن است. این کشور روی نقشه به وسیله دریای جنوب چین به دو قسمت کاملاً مجزا به نام شبه جزیره مالزی یا مالزی غربی و شبه جزیره شرقی یا بورنئو تقسیم شده است. کشور مالزی دارای سیزده ایالت و دو سرزمین فدرال است. همسایگان مالزی تایلند، سنگاپور، فیلیپین و اندونزی هستند. دین مردم مالزی اسلام بوده و جمعیت مالزی در سال ۲۰۲۳ حدود ۳۳،۳۶۵،۹۹۹ نفر برآورد شده است. زبان اصلی مالزی زبان مالایی با خط انگلیسی است، اما مهاجرانی که از سراسر جهان به این کشور آمدند، به زبان مادری خود سخن می‌گویند. در اصل زبان مالایی به خط جاوی که از خط عربی گرفته شده است نوشته می‌شد، اما به دلیل استعمارات بریتانیا اکثر مردم زبان مالایی را با خط انگلیسی می‌نویسند مالزی یک جامعه چند دینی است، و اسلام دین رسمی این کشور می‌باشد. بر طبق ارقام آماری چهار دین اصلی آن عبارتند از اسلام، بودایی گرای، مسیحیت و هندوگرایی.

مالزی کشوری است تفریحی و بسیار زیبا که هر ساله اماکن توریستی و تاریخی این کشور میلیونها توریست را پذیرا می‌باشد. در این مقاله به معرفی مراکز تاریخی، فرهنگی و نمادهای مهم و کلیدی مالزی پرداخته می‌شود.

الف – جاذبه های مذهبی و دیدنی مالزی:

۱- غار باتو Batu Cave: جاهای دیدنی کوالالامپور جاذبه های مذهبی چشمگیری دارند. یکی از این جاذبه ها غار باتو است. غاری هزارتو که رموز و راه های زیادی را در خود نهان کرده است. در اطراف غار چندین معبد باستانی واقع شده است. سابقه ساخت این معابد به سده ۱۹ میلادی باز می گردد. تپه و غار باتو چیزی حدود ۱۳ کیلومتر از شمال کوالالامپور فاصله دارد.

۲- کلیسای جامع سنت ماری کوالالامپور (St. Mary's Cathedral Kuala Lumpur): جاهای دیدنی مالزی طیف گسترده ای از ادیان مختلف را پوشش داده اند. با این حال کلیسای جامع سنت ماری، یکی از قدیمی ترین کلیساها در این منطقه به حساب می آید. ساخت این کلیسا در سال ۱۹۹۴ به پایان رسید. این کلیسا به لحاظ معماری، یکی از بناهای قدیمی، اما زیبای مالزی است. سبک معماری گوتیک در این کلیسا خودنمایی می کند. این کلیسا در کنار نمای بیرونی تماشایی، فضای داخلی بسیار زیبایی هم دارد. و از نظر گردشگری یکی از مکان های قدیمی با تاریخچه ای مذهبی بسیار بالای این کشور محسوب می شود.

۳- مسجد جامع کوالالامپور (Masjid Jamek of Kuala Lumpur): جاهای دیدنی و مذهبی کوالالامپور جایگاه ویژه ای در میان مسلمانان از جمله ایرانی ها دارند؛ زیرا بسیاری از این اماکن اسلامی هستند. مسجد جامع کوالالامپور در بین تمامی این جاها، جایگاه ویژه ای دارد. همان گونه که از نام این مسجد پیداست، مراسم مهم مذهبی مسلمان های این شهر در آن برگزار می شود. مسجد جامع کوالالامپور سبک معماری مغولی و مراکشی دارد. زمان ساخت این مسجد به سال ۱۹۰۹ میلادی باز می گردد. جالب اینجاست که گفته می شود مردمان کوالالامپور در سال ساخت مسجد، نخستین نماز جمعه را در آن برپا کردند.

۴- مسجد فدرال (مسجد ولایت): (Federal Territory Mosque). مسجد فدرال که به آن مسجد ولایت نیز گفته می شود، یکی از مساجد رسمی و زیبای کوالالامپور است. سبک و سیاق معماری عثمانی در گوشه و کنار این مسجد مشاهده می شود. به لحاظ وسعت نیز مسجد فدرال یکی از بزرگ ترین مساجد منطقه است. این مسجد ۲۲ گنبد دارد که یکی از دیگری تماشایی تر هستند. شباهت های چشمگیری میان مسجد فدرال و مسجد ابی استانبول وجود دارد. مسجد فدرال به لحاظ فضای سبز نیز محیطی باطراوت را برای نمازگزاران فراهم کرده است.

۵-مسجد ملی مالزی یا مسجد نگارا: (National Mosque of Malaysia) جاهای دیدنی کوالالامپور دلیلی بر اهمیت جایگاه اسلام در میان اهالی مالزی است. در این زمینه می‌توان به مسجد ملی مالزی اشاره کرد. این مسجد در بین باغ‌های سرسبزی با مساحت ۵۳ هزار مترمربع واقع شده است. تاریخ ساخت مسجد ملی مالزی به سال ۱۹۶۵ میلادی باز می‌گردد. مهم‌ترین ویژگی این مسجد، مناره بلند آن است که ۷۳ متر طول دارد. نزدیک به ۱۵ هزار نمازگزار در مسجد ملی مالزی به عبادت مشغول می‌شوند. معماری زیبا، حوض‌های فیروزه‌ای و گنبد و مناره‌های باشکوه از ویژگی‌های اصلی مسجد ملی مالزی به حساب می‌آید. طبق روال بازدید از اماکن اسلامی، حجاب کامل برای بانوان و پوشش شایسته برای آقایان الزامی است.

۶-معبد تیان هو: (Thean Hou Temple) جاهای دیدنی مالزی فقط به اماکن باشکوه اسلامی خلاصه نمی‌شود. مکان‌های باشکوهی از دیگر ادیان نیز در گوشه‌وکنار مالزی خودنمایی می‌کند. یکی از این مکان‌ها که تاریخچه‌ای غنی دارد، معبد تیان هو است. این معبد یکی از مهم‌ترین معابد در جنوب آسیا شناخته می‌شود. این معبد در ۴ طبقه با کاشی‌های نارنجی و معماری چشمگیر ساخته شده است. تاریخ ساخت این معبد به سال ۱۸۹۴ باز می‌گردد. معبد تیان هو که به آن معبد تین هو هم گفته می‌شود، در تپه‌ای مرتفع واقع شده است که نمایی تماشایی از کوالالامپور پیش روی گردشگران قرار می‌دهد.

۷-معبد چان سی شو یوئن (Chan See Shu Yuen Temple): جاهای دیدنی مالزی نیز نمادی از اهمیت دین بودایی در میان مردمان این سرزمین است. معبد چان سی شو یوئن، یکی از بزرگ‌ترین معبد‌های بودایی‌ها در سرتاسر جهان به حساب می‌رود. ساخت این معبد در سال ۱۸۹۷ آغاز شد و به سال ۱۹۰۶ پایان یافت. معبد چان سی شو یوئن در منطقه‌ای خوش آب‌وهوا قرار دارد. در گوشه‌وکنار این معبد تندیس‌هایی از باورهای دین بودا مشاهده می‌شود. بنای معبد نیز طراحی خاص خودش را دارد و مکان مناسبی را برای گردشگری فراهم نموده است.

۸ - معبد سری ماهاماریان: (Sri Maha Mariamman Temple) جاهای دیدنی مالزی در بین اماکن مذهب هندو نیز جایگاه ویژه‌ای دارند. معبد سری ماهاماریان، معبدی متعلق به هندویان مالزی است. این معبد در سال ۱۸۷۳ ساخته شده و معماری برج‌مانندی دارد. همانند دیگر معابد هندویان، نگاره‌هایی از خدایان هندو در اطراف برج

خودنمایی می‌کند. این معبد جایگاه ویژه‌ای در میان هندویان دارد. به همین دلیل به رغم گذشت زمان، این معبد در شرایط بسیار مطلوبی به سر می‌برد.

۹- معبد سین سزه سی یا (Sin Sze Si Ya Temple): این معبد را یکی از چهره‌های سرشناس کوالالامپور قدیم در سال ۱۸۶۴ ساخته است. معبد سین سزه سی یا، مکانی برای نیایش پیروان مکتب تائوئیسم در مالزی به حساب می‌آید. همه‌ساله در سال نو چینی‌ها نورافشانی‌های باشکوهی در این معبد انجام می‌شود. دیوارنگاره‌ها و تندیس‌هایی که در گوشه و کنار معبد وجود دارد، همگی یادی از فرهنگ چینی را در ذهن تداعی می‌کند.

ب- جاهای دیدنی مالزی به لحاظ جاذبه های طبیعی:

۱- باغ ارکیده کوالالامپور: (Kuala Lum) جاهای دیدنی مالزی به لحاظ جاذبه های طبیعی بسیار شگفت انگیز و در خور توجه می باشند که یکی از انها باغ ارکیده کوالالامپور می باشد. همان‌گونه که از نام این باغ پیداست، زیباترین ارکیده‌های جهان در آن کاشته شده است. در کنار این ارکیده‌های زیبا، گل‌های دیگری مانند ختمی نیز در این باغ خودنمایی می‌کند. باغ ارکیده با حدود یک هکتار وسعت، لحظه‌هایی سرشار از آرامش را برای گردشگران به ارمغان می‌آورد.

۲- باغ دریاچه کوالالامپور: جاهای دیدنی کوالالامپور گاهی اوقات در میان مردمان این شهر با نام‌های مختلفی شناخته می‌شوند. یکی از این مکان‌ها، باغ دریاچه کوالالامپور است که به آن باغ گیاه‌شناسی پردانا هم می‌گویند. تاریخ افتتاح این باغ به سال ۱۹۸۰ میلادی باز می‌گردد. که در دو طرف دریاچه احداث شده است. به همین دلیل نیز به آن باغ دریاچه می‌گویند. زیباترین گل‌های گرمسیری در کنار گیاهان سرسبز در باغ دریاچه انتظار گردشگران را می‌کشد. پارک آهوان، پارک پروانه‌ها و پارک پرندگان از دیگر قسمت‌های باغ دریاچه به حساب می‌آید.

۳- پارک آهو کوالالامپور (Deer Park): جاهای دیدنی مالزی طبیعت جانوری این منطقه را هم پوشش می‌دهند. پارک آهو یکی از این مکان‌هاست که در همسایگی باغ دریاچه قرار گرفته است. همان‌گونه که از نام این باغ پیداست، آهوان خوش‌خرام در آن زندگی می‌کنند. در کنار آهو، چندین گونه گوزن نیز در این باغ حضور دارند.

۴- چ-پارک پرندگان کوالالامپور: چیزی حدود ۵ هزار پرنده از ۲۰۰ گونه زیبا در این باغ زندگی می‌کنند. طوطی، فلامینگو، مرغ مینا، قرقاول و مرغ مینا از پرنده‌های زیبای پارک پرندگان کوالالامپور به حساب می‌آید ماندگار شود.

۵- پارک پروانه های کوالالامپور: درپارک پروانه های کوالالامپور پروانه‌های زیبای این پارک، سیاحت در آن را بسیار جذاب برای گردشگران تبدیل کرده است. نزدیک به ۶هزار پروانه از ۱۲۰ گونه زیبا در این پارک حضور دارند. در کنار پروانه‌های زیبا، حدود ۱۵ هزار گونه گیاه زیبا نیز در این پارک رشد کرده است.

۶- پارک جنگلی کوالالامپور (KL Forest Eco Park):سرسبزی طبیعت مالزی شرایطی برای احداث زیباترین پارک‌های جنگلی در منطقه فراهم کرده است. پارک جنگلی کوالالامپور یکی از این پارک‌هاست که ۱۱هزار مترمربع وسعت دارد. این پارک از سال‌ها پیش به‌عنوان منطقه‌ای محافظت‌شده در مالزی شناخته می‌شد. به همین دلیل گونه‌های جانوری متنوع و طبیعت دست‌نخورده‌ای دارد.

۷- پارک جنگلی کوالالامپور (KL Forest Eco Park):سرسبزی طبیعت مالزی شرایطی برای احداث زیباترین پارک‌های جنگلی در منطقه فراهم کرده است. پارک جنگلی کوالالامپور یکی از این پارک‌هاست که ۱۱هزار مترمربع وسعت دارد. این پارک از سال‌ها پیش به‌عنوان منطقه‌ای محافظت‌شده در مالزی شناخته می‌شد. به همین دلیل گونه‌های جانوری متنوع و طبیعت دست‌نخورده‌ای دارد.

۸- برج های دوقلوی پتروناس: این برج ها نمادی از مالزی مدرن به حساب می‌آید. درست در زیر این برج‌ها، پارک کی ال سی سی با مساحت ۲۰ هکتار واقع شده است. درخت‌های سرسبز، دریاچه موج و پرندگان زیبای پارک کی ال سی منظره ای شگفت انگیز به این محل داده است

ج- جاهای دیدنی مالزی به لحاظ فرهنگی هنری:

۱- کتابخانه ملی کوالالامپور: مالزی کشوری با فرهنگ غنی و مردمانی متمدن است. به همین دلیل کاملاً پیداست که در این شهر چندین کتابخانه بزرگ وجود داشته باشد. با این حساب کتابخانه ملی کوالالامپور، معروف‌ترین کتابخانه مالزی است. در سال ۱۹۵۹، چراغ سبز دولت برای ساخت این کتابخانه روشن شد. در

نهایت نیز در سال ۱۹۶۶، کتابخانه ملی کوالالامپور افتتاح شد. در کنار کتاب‌های امروزی، کتاب‌های نفیس، آثار دست‌نویس و کتب عتیقه در این کتابخانه نگهداری می‌شود.

۲- سینمای گلدن اسکرین (Golden Screen Cinemas): کوالالامپور سینماهای بی‌شماری دارد، سینمای گلدین اسکرین با تمامی این سینماها فرق می‌کند. این سینما صندلی‌های تعاملی دارد. این صندلی‌ها همراه با صحنه‌های هیجان‌انگیز فیلم، حرکت می‌کند. از طرف دیگر رایحه‌های مربوط به فیلم در حال پخش، در هوا منتشر می‌شود. این شرایط تجربه‌ای خاص از فیلم‌دیدن در سالن سینما را پیش روی گردشگران قرار می‌دهد.

۳- گالری پتروناس : نفت جایگاه ویژه‌ای در میان مردمان مالزی دارد. این گالری در سال ۱۹۹۳ افتتاح شد. از آن زمان تاکنون گردشگران بی‌شماری راه گالری پتروناس را در پیش گرفته‌اند. این گالری مدتی است که و به برج های دوقلو پتروناس منتقل شده است. مکان فعلی گالری پتروناس، ۲ هزار مترمربع مساحت دارد و فعالیت‌های شرکت نفتی پتروناس را به گردشگران معرفی می‌کند.

۴- گالری جادی باتیک (JadiBatek Gallery): جاهای دیدنی مالزی به لحاظ هنری نیز جاذبه های چشمگیری برای گردشگران دارند. یکی از این مکان‌ها، گالری جادی باتیک است. این گالری در سال ۱۹۷۶ افتتاح شده و از آن زمان تاکنون بورس صنایع‌دستی کوالالامپور به حساب می‌آید. در گالری جادی باتیک، انواع صنایع‌دستی و آثار هنری فروخته می‌شود. این گالری پارچه و لباس‌های محلی نفیس را با قیمتی مناسب پیش روی گردشگران قرار می‌دهد.

۵- گالری شهر کوالالامپور: جاهای دیدنی مالزی در کنار سرگرمی، اطلاعات ارزنده‌ای از هنر و فرهنگ این مرز و بوم در اختیار گردشگران قرار می‌دهند. برای نمونه گالری شهر کوالالامپور آثار هنری و عکس‌های تاریخی جالبی دارد. در این گالری ماکت‌های کوچکی از مکان‌های دیدنی شهر نیز مشاهده می‌شود. در ورودی گالری شهر کوالالامپور، سازه‌ای جالب نصب شده که سوژه مناسبی برای گردشگران است.

۶- گالری ملی هنرهای تجسمی (National Visual Arts Gallery): گالری ملی هنری‌های تجسمی مالزی از آن دسته جاهای دیدنی مالزی است. این گالری در کنار اینکه بهشت هنردوست‌هاست، آینه‌ای تمام‌نما از فرهنگ و زندگی مردمان مالزی را به گردشگران عرضه می‌کند. طراحی ساختمان گالری ملی هنرهای تجسمی

نیز در نوع خود زیبا و تماشایی است. در این گالری آثاری از هنرمندان مالزیایی و بین‌المللی به معرض نمایش گذاشته شده است.

۷- مرکز هنرهای نمایشی کوالالامپور (Kuala Lumpur Performing Arts Centre): مرکز هنرهای نمایشی کوالالامپور ساختمانی با نمای شیشه‌ای است که در آن باکیفیت‌ترین تئاترهای منطقه به نمایش گذاشته می‌شود. در این مکان در کنار تئاتر، برنامه‌های هنری سرگرم‌کننده دیگری هم در معرض دید گردشگران قرار می‌گیرد.

۸- موزه های مالزی: موزه های زیادی در فهرست جاهای دیدنی مالزی خودنمایی می‌کند. نظیر موزه پلیس سلطنتی مالزی، موزه تلکام، موزه توهومات مالزی و موزه صنایع دستی اورنگ. موزه بانک نگارا مالزی، موزه ملی پارچه، موزه ملی مالزی (موزه نگارا) و موزه هنرهای اسلامی از دیگر موزه‌هایی این دیار به حساب می‌آید که از نظر فرهنگی و هنری بسیار دیدنی هستند.

د- مراسم مذهبی و فرهنگی مردم مالزی :

مذهب رسمی کشور مالزی اسلام است و توسط اکثریت مالایی‌ها و بخشی از جامعه هندی کشور اجرا می‌شود. بر اساس قانون اساسی مالزی، سایر نژادها نیز در انتخاب دین خود در فضایی قابل قبول و به دور از درگیری آزاد هستند. سایر مذاهب این کشور شامل آیین بودا، هندو، آئین سیک و مسیحیت می‌شوند. به خاطر وجود فرهنگ‌های متنوع در مالزی، اکثر مراسم مذهبی در زمره تعطیلات رسمی قرار گرفته و فارغ از هرگونه نژاد و باور در سراسر کشور جشن گرفته می‌شوند. مراسم مهم مذهبی و فرهنگی مالزی عبارتند از:

۱- عید فطر: عید فطر مهم‌ترین عید مسلمان پس از پایان ماه رمضان در مالزی است. در این زمان مسلمانان برای ادای نماز عید به مساجد مهم کشور مالزی رفته و برای خود، خانواده و دوستان طلب بخشش می‌کنند. مردم مالزی این رسم بزرگ را «خانه‌ای با درهای باز» می‌نامند که میهمان‌نوازی آن‌ها را نشان می‌دهد. در این روز دوستان و خانواده درهای خانه‌هایشان را به روی یکدیگر باز کرده و این عید را جشن می‌گیرند. غذاها و دسرهای مختلفی در این روز سرو می‌شود. در این زمان بسیاری از شهروندان به دیدار پادشاه و ملکه مالزی می‌روند و این شانس را دارند که با آن‌ها دست بدهند و همچنین در کاخ سلطنتی عکس بگیرند.

۲- تایپوسام: یکی از جشنواره‌های جذاب آیین هندو در مالزی تایپوسام است. اگرچه این رسم یک فستیوال مذهبی است، اما شادابی و پای‌کوبی آن ما را به یاد یکی از جشن‌های شهر ریودوژانیرو به نام «مردی گراس» می‌اندازد. هندوها باور دارند که با جشن گرفتن تایپوسام، روح آن‌ها از تمامی گناهان پاک شده و رستگار می‌شوند. تایپوسام به احترام موروگا، خدای محبوب هندو، جشن گرفته می‌شود. از آنجایی که منزلگاه سنتی موروگا در تپه‌ها است، این مراسم در محیط‌های کوهستانی برگزار می‌شود. این مراسم در مالزی در غارهای باتو یا معبد آبشار جشن گرفته می‌شود.

۳- عید قربان: عید قربان نیز از جمله عیدهای مهم مسلمانان مالزی است. مسلمانان در این عید بر طبق سنت اهدا دست به قربانی گوسفندان، بزها و گاوها، به عنوان نشانه‌ای از قربانی، می‌زنند.

۴- روز وساک: روز وساک یا روز بودا توسط بودائی‌های مالزی به منظور جشن گرفتن سه رویداد تولد، آزادگی و مرگ بودا برگزار می‌شود. هر سه رویداد در یک تاریخ قمری مشابه و بر اساس تقویم بودائی انجام می‌شود. بودائی‌ها از یک رژیم گیاهخواری برای تذهیب نفس خود قبل از شروع این مراسم استفاده می‌کنند. هزاران بودائی قبل از طلوع آفتاب در معابد گرد هم جمع شده و مشغول دعا، مراقبه، مناجات و خیرات می‌شوند. فاخته‌ها و لاک‌پشت‌ها در این روز به نشانه آزادی روح و به خاطر گناهان گذشته رها می‌شوند.

۵- تولد پیامبر اسلام: روز تولد پیامبر اسلام نیز یکی دیگر از اعیاد مهم مسلمانان مالزی است. مسلمانان کشور در این روز برای تقویت جامعه اسلام دور یکدیگر جمع می‌شوند.

۶- دیپاوالی: دیپاوالی یا فستیوال نورها برای هندوها به معنای پیروزی خیر بر شر است. خانه‌های هندوها در این مراسم با نورهای مختلف روشن شده و نشانه‌ای از پیروزی بر تاریکی است. در مقابل هر خانه نقاشی‌های رنگارنگ ساخته شده از برنج با نام «کولام» قرار می‌گیرند که به عقیده هندوها خوشبختی و سعادت را در پی دارد. این نقاشی‌ها از برنج‌های رنگی در طرح‌ها و نقش‌های مختلف ساخته شده و با شمع‌ها و چراغ‌های کوچک تزئین شده‌اند. عبادت‌کنندگان در عید دیپاوالی در خانه و معبد جمع شده و دعا می‌کنند. هندوهای سنتی روز خود را با یک حمام روغن آغاز کرده و قبل از رفتن به معبد در خانه عبادت کرده و عود روشن می‌کنند.

۷- کریسمس: خانواده‌های مسیحی در مالزی نیز این عید را جشن می‌گیرند. مردم در مراسم کریسمس، فارغ از هرگونه نژاد و مذهب، درهای خانه‌هایشان را به روی یکدیگر می‌گشایند.

۸- سال نو چینی: یکی از مراسم فرهنگی مهم در مالزی برگزاری سال نو چینی است. در این زمان تمامی چینی‌ها کسب‌وکار خود را برای چند روز تعطیل می‌کنند. سال جدید قمری زمانی است که تمامی روح‌ها آمرزیده شده و هدایایی به خدایان تقدیم می‌شود. در این مراسم شاد، هیچ عضوی از یک خانواده چینی حق تمیز کردن خانه را ندارد زیرا این کار در طول هفت روز آخر سال قدیمی انجام می‌شود. جاروها در این ایام کنار گذاشته می‌شوند، زیرا چینی‌ها باور دارند که جارو کردن کف خانه در سال جدید به معنی جارو کردن بخت و اقبال از خانه است. این مراسم ۱۵ روز طول می‌کشد.

۹- جشن سپاسگزاری هنگام برداشت محصول: این جشن ملی توسط کادازان داسوم، بزرگ‌ترین گروه قومی کشور، در بزرگ‌ترین ایالت مالزی، صباح، برگزار می‌شود. این مراسم سالانه در ماه مه یک سنت همیشگی برای گرامیداشت بامبازون، روح شالیزار، است. جامعه کادازان داسوم باور دارند که این روح مسئول رشد و بارور شدن نشای برنج بوده و محصول را در برابر بلایای طبیعی در فصل برداشت محافظت می‌کند.

۱۰- فستیوال گاوای: فستیوال گاوای یا فستیوال برداشت محصول در شهر ساراواک نیز آخرین مرحله از جشن برداشت محصول است. تاریخ رسمی این فستیوال اول ژوئن است، اما مراسم جشن تا یک ماه ادامه دارد. این مراسم فرصتی مناسب برای گرد هم آمدن دوستان و اعضای خانواده بوده و بزرگ‌ترهای خانواده مورد احترام قرار می‌گیرند.

۱۱- روز ملی مالزی: روز ملی مالزی ۳۱ اوت بوده و نمادی از میهن‌پرستی، اتحاد و شادی تمامی اقوام کشور است. در صبح این روز یک رژه دیدنی در میدانِ مَرِدِکا در شهر کوالالامپور به این مناسبت برگزار می‌شود. پادشاه و اعضای هیئت دولت نیز از بینندگان این رژه هستند. پرچم مالزی در این روز در تمامی ساختمان‌های اداری، خانه‌ها و حتی وسایل نقلیه به اهتزاز درمی‌آید.

جمع بندی

ویژگی های منحصر به فرد کشور مالزی به لحاظ موقعیت جغرافیایی، فرهنگی و مذهبی و جاذبه های تاریخی و سایر ویژگی های دیگر چون اقتصادی، سیاسی و جاذبه های گردشگری فراوان این کشور را از اهمیت خاصی برخوردار کرده است و به کشوری شگفت انگیز تبدیل شده است که هر ساله پذیرای میلیونها گردشگر از نقاط مختلف جهان می باشد و مانند ستاره ای درخشان از این نظر در میان کشورهای جنوب شرق آسیا می درخشد.

گفتار ششم

نکاتی کاربردی در مورد مالزی

علی قنوتی

بافت جمعیتی

مالزی یکی از کشورهای پیشرفته و مهم در جهان اسلام است که در منطقه جنوب شرق آسیا واقع شده است. مالزی کشوری است با جمعیت غالب مسلمان که دین رسمی در آن اسلام است. گرچه ادیان دیگری همچون بودا، هندو و مسیحیت نیز پیروانی دارند لکن تقریباً همه نژاد مالایی مسلمان و پیرو مکتب شافعی هستند. بنابراین در این کشور با اکثریت مسلمان سنی آن هم صرفاً شافعی مواجه هستیم. جمعیت شیعیان در مالزی جمعیتی حدود ۱۰ تا ۵۰ هزار نفر تخمین زده شده است و شیعیان تحت فشارهای گسترده دولت قرار دارند و دولت به بهانه جلوگیری از تفرقه در میان مسلمانان فشار سنگینی بر شیعیان وارد کرده است و از تبلیغ و گسترش فعالیتهای دینی شیعیان جلوگیری می‌کند.

در این کشور چهار گروه عمده نژادی و قومی زندگی می‌کنند قوم مالایی، چینی، هندو وارانگ، بنابراین در مواجهه با مالزی ها خوب است که بدانیم که آیا با مسلمانی با اصالت مالایی طرف هستیم یا یک چینی یا هندی که مستبصر شده است. مردم این کشور همواره مردمانی آرام، صلح طلب، خویشتن‌دار و متدین بوده و مخالف خشونت قانون‌شکنی و اغتشاش هستند.

بیش از ۶۰ درصد جمعیت مالزی را مسلمانان تشکیل می‌دهند چنان که پیشتر هم اشاره شد قوم عمده این کشور مالایی است و مالایی‌های مسلمان همواره رقبای چینی و هندی غیر مسلمان خود را به عنوان تهدیدی برای جامعه اسلامی خود می‌دانند و همواره تلاش می‌کنند که در انتخابات های گوناگون نقطه مقابل آنها قرار گیرند. گرچه بعضاً احزاب سیاسی شاخص ائتلاف هایی را هم با آنها شکل داده اند.

در مالزی پادشاه، نخست وزیر و حاکمان ایالت‌های مختلف بایستی مسلمان باشند ولی اعضای کابینه می‌توانند از پیروان ادیان دیگر انتخاب شوند حاکمان ایالت‌های مختلف در واقع همان سلاطینی هستند که به صورت گردشی به عنوان پادشاه انتخاب می‌شوند.

روحیات مردم مالزی مانند دیگر مردمان جنوب شرق آسیا روحیه ای شاد و خندان است. آنها معتقدند که سردمداران اسلام خندان در جهان اسلام هستند. ورود اسلام به جنوب شرق آسیا به قرن اول قمری برمی‌گردد یعنی اسلام توسط تجار ایرانی و اعراب به این سرزمین وارد شد. پیشتر اشاره شد که مسلمانان جنوب شرق آسیا و خاصه مالزیایی‌ها که موضوع بحث ما هستند عمدتاً شافعی هستند و به دعا و نیایش توجه خاصی دارند. طبعاً رابطه آنها با اهل بیت هم رابطه خوبی است. به طور کلی می‌توان ادعا کرد که در بخش اعظمی از جنوب شرق آسیا بویژه مالزی پیروان دیگر مذاهب اهل سنت بسیار اندک هستند.

در مقایسه با دیگر مسلمانان جنوب شرق آسیا مالزیایی‌ها معمولاً شیک پوش هستند و لباس‌هایی با رنگ‌های شاد می‌پوشند. شاید دلیل عمده این تفاوت ظاهری به وضعیت اقتصادی این کشور بر گردد چرا که در بین کشورهای جنوب شرق آسیا مالزی از اقتصاد پایدار تری برخوردار است. مردم این کشور در در مقایسه با دیگر کشورهای حوزه جنوب شرق آسیا از لحاظ مادی وضعیت بهتری دارند و کیفیت و استاندارد زندگی در این کشور به نسبت بالاتر است به گونه ای که مردمان این کشور اغلب سطح درآمد بالایی برخوردار بوده و به صورت رسمی از طریق کانال‌های دولتی و حکومتی مستقیماً زکات خود را پرداخت می‌کنند. این کشور از لحاظ نرخ باسوادی موفق به ریشه کن کردن بیسوادی شده و از لحاظ اقتصادی نیز با بهره‌مندی از منابع طبیعی و رونق اقتصادی جایگاه بلندی در میان کشورهای در حال توسعه یافته دارد.

زبان بومی این کشور مالایی است اما مردم این کشور زبان رسمی یعنی انگلیسی را روان صحبت می‌کنند لذا دوستانی که فقط به زبان انگلیسی تبلیغ می‌کنند می‌توانند مطمئن باشند که اکثر مخاطبانشان انگلیسی را به خوبی می‌دانند.

به نظر می‌رسد در مقایسه با دیگر مسلمانان در حوزه جنوب شرق آسیا مالزیایی‌ها قدری دیرتر یخ‌شان باز می‌شود و شاید بتوان گفت در گرفتن ارتباط قدری احتیاط می‌کنند گرچه این رفتار آنها سبب شده است که

برخی ادعا کنند مالزیایی‌ها دچار غرور بیش از حد هستند لکن نویسنده معتقد است فشار بیش از حد نظام حاکم بر شیعیان و تفکر شیعی به منظور حفظ همبستگی ملی! سبب ایجاد این فاصله از ناحیه مردم شده است.

مالزیایی‌ها مانند دیگر مسلمانان حوزه جنوب شرق آسیا گرایش‌های خاص عرفانی و صوفی مابانه دارند. شاید به همین دلیل است که تفکر سلفی و وهابی نتوانسته است علیرغم سرمایه گذاری سنگین در این حوزه به مقاصد خود برسد. اساساً روحیه شاداب مردم این منطقه با آموزه های خشک سلفی همخوانی نداشته و گرایش‌های عرفانی و صوفی مامانه خریدار بیشتری دارد. احساس می‌شود موج سنگین طلابی که در جامعه ام‌القری مکه و جامعه مدینه تحصیل کردند تاثیر منفی سنگینی بر تغییر اقلیم دینی مردم این منطقه بگذارد همچنان که در نیمه دوم دهه ۹۰ شاهد بودیم حدود ۲۰۰ نفر از این کشور داوطلبانه به داعش پیوستند و دولت این کشور نیز در زمان نخست وزیر اسبق یعنی نجیب تون رزاق حدود ۱۵۰ نیروی رسمی نظامی را برای حضور در ائتلاف علیه یمن به سعودی اعزام کرد. نماینده رهبر معظم انقلاب در جنوب شرق آسیا در مصاحبه ای اظهار داشتند: با مطالعه وضعیت فرهنگی این کشور و تاثیر پذیری آنها از آموزه های وهابی احتمال تغییر اقلیم دینی این منطقه دور از ذهن نیست گرچه یک عامل بسیار مهم در این بین وجود دارد که تقریباً نقشه های جبهه وهابی را خنثی می‌کند و آن هم شرایط و خصوصیات روحی مردم این منطقه است که با خشکی و آموزه های سلفی و وهابی قابل جمع نیست.

نقش زنان در مناصب رسمی و دولتی این کشور به نسبت کشورهای غربی چندان پررنگ نیست. به عنوان مثال تنها هشت نفر از پارلمان صد نفره این کشور را بانوان تشکیل می‌دهند این بدان معناست که زنان در مناصب عالی حاکمیتی تقریباً جایگاه قابل ملاحظه‌ای ندارند. رعایت حجاب اسلامی توسط بانوان این منطقه بسیار چشمگیر و قابل ملاحظه است نه تنها حجاب بلکه سایر شعائر اسلامی نیز نفوذ عمیق و فراگیر خود را در زندگی مردمان این مرز و بوم تثبیت نموده است. مردم این منطقه ضمن رعایت شعائر اسلامی و مخصوصاً حجاب همواره لباس های شیک و در عین حال ساده ای به تن می‌کنند و در مصرف زیورآلات و تزیینات بسیار قانع و کم خرج هستند به گونه ای که حتی افراد شاخص که در مشاغل سیاسی حساس اشتغال دارند و حتی از لحاظ علمی جایگاه برجسته‌ای دارند ساده و بی‌آلایش ظاهر میشوند.

مردمان این کشور و حتی غالب دولتمردان این کشور در بسیاری از مواضع سیاسی و اجتماعی با جامعه اسلامی همراه هستند. به عنوان مثال در قضیه فلسطین، بوسنی و هرزگوین و افغانستان مواضع مثبتی اتخاذ نموده اند که قابل تقدیر است. افتخار به مسلمان بودن در این کشور به طور ویژه ای دریافت می شود. از دیگر ویژگیهای برجسته مردمان این مرزو بوم می توان به مواضع آنها در موضوعاتی مانند مقابله با امپریالیسم جهانی، اسرائیل و دشمن مشترک مسلمانان به رهبری آمریکا اشاره کرد که حاکی از قرابت و همراهی شدید سیاسی و اجتماعی آنها با ج ۱۱ است. دولت های مختلف در مالزی همواره با برداشت های افراطی از اسلام مخالف بوده و تندروری برخی از جریان های اسلامی را خلاف اصول دموکراتیک حاکم بر اسلام می دانند به همین جهت سیاستهای کلی این کشور در زمینه مسائل فرهنگی بیشتر بر اساس این پیش فرض است که اسلام دین مصلحت و همساز و همراه با روح دموکراسی است از این رو برخی از ارزش ها مانند اخوت اسلامی و مدارا با غیر مسلمانان را نظم و هماهنگی با ارزش های جهانی تلقی کرده و انتشار آن را در جامعه به نفع همه مردم مسلمانان می دانند.

شیعیان مالزی

در میان جمعیت حدود ۱۰ تا ۵۰ هزار نفره از شیعیان مالزی هم شیعیان دوازده امامی، اسماعیلی و هم بهره یافت می شود. وزارت دین که زیر نظر سلطان اداره می شود فتوای ممنوعیت تبعیت از فقه تشیع را صادر کرد و به بهانه حفظ همبستگی ملی برای مذهب شیعه حرمت قائل شده است. به دلیل محدودیت هایی که حکومت برای فعالیت های مذهبی شیعیان ایجاد کرده است شیعیان ناچارند یا شیعه بودن خود را پنهان کرده و یا به صورت غیر رسمی به فعالیت های خود بپردازند. این هجمه تا آنجا پیش رفت که تابونگ حاجی یا همان سازمان حج مالزی هر ساله به کلیه حجاج آن کشور که هر ساله به حج مشرف می شوند آموزشهایی مبنی بر فاصله گرفتن از شیعیان در ایام حضور در مکه و مدینه داده و با شیوه های مختلف تلاش کند که آنها را در مقابل نفوذ و تاثیرگذاری حجاج شیعی و شبهات احتمالی شیعیان واکسینه کند.

تصور می شود به دلیل همین فشارهای حاکمیتی نسبت به شیعیان بر شهروندان مالزیایی است که در ایام موسم به سختی میتوان با یک زائر ملاقاتی برای بار دوم و سوم ترتیب داد. بارها در رسانه ها دیده شد که یکی از

دلایل فشارهای دولت مالزی بر شیعیان از طریق نخست وزیر مالزی یعنی نجیب تون رزاق و اعطای رشوه سنگین (۷۰۰ میلیون دلار) به ایشان از سوی عربستان سعودی بوده است. نفوذ عربستان و تفکر سلفی بوضوح در لایه های تصمیم گیری های کلان دینی و بعضاً سیاسی مشهود است.

همچون دیگر کشورهای حوزه جنوب شرق آسیا شبهات سنگینی علیه مکتب اهل بیت وجود دارد که از آن جمله می توان به شبهه قرآن شیعی نبوت علی، سب و لعن صحابه، عدالت صحابه، متعه و.... اشاره کرد ولی خوشبختانه با برگزاری سالیانه مسابقات قرآنی در این کشور و حضور فعال قراء و حفاظ ایرانی در این رویداد بین المللی کمک می کند که تا حدودی بتوان شبهه تحریف قرآن یا قرآن شیعی را پاسخ داد. تحصیل کردگان علوم دینی در کشورهای عربی تحت تاثیر افکار سلفی و وهابی در این کشور به طور مداوم به شیعیان تاخته و آنها را با انواع تهمت های ناروا تحت فشار قرار داده و رسانه های رسمی و غیررسمی را نیز با خود همراه می کنند در عین حال امکان پاسخگویی به این شبهات و تهمت ها را نیز از شیعیان سلب می کنند. جالب اینکه اخیراً بسیاری از دانشگاه های این کشور رشته های علوم عقلی و فلسفه و کلام را تعطیل کرده و زمینه رشد سلفی گری و ظاهری گری را با افتتاح رشته های آموزش حدیث بیش از پیش تقویت کرده اند.

گفتار هفتم

وضعیت زنان در کشور مالزی

آرزو زارع زاده

اولین گامی که پس از استقلال کشور مالزی توسط دولت برداشته شد؛ ریشه کنی فقر و رسیدگی به وضعیت مطلوب در حوزه کشاورزی بود لذا رسیدگی به وضعیت زنان کمی با تاخیر انجام شد (۱). کشور مالزی در سال های اخیر اقدامات قابل توجهی در زمینه ارتقا وضعیت زنان انجام داده است، اما تا رسیدن به وضعیت شایان فاصله دارد.

یکی از اولویت های اصلی در برنامه هشتم توسعه مالزی رسیدگی به وضعیت زنان بود که در متن اهداف ۲۰۲۰ ماهاتمیر محمد در سال ۱۹۹۹ ارائه شد و مورد بررسی و اقدام قرار گرفت. هدف این برنامه رسیدن به یک کشور توسعه یافته در زمینه اقتصاد، سیاست، فرهنگ و مذهب و دیگر زمینه تا سال ۲۰۲۰ بود که تأکید زیادی بر نقش زنان در رسیدن به این اهداف از سوی نخست وزیر صورت گرفته بود. ارتقاء سطح تحصیلات در مقاطع عالی، وضعیت سلامت زنان در تمام اقشار جامعه، ایجاد فرصت های اقتصادی و مشارکت اجتماعی برای زنان از جمله اقداماتی بود که با مشارکت نهاد های دولتی و غیردولتی در کشور مالزی اجرایی شد (۲). از سال ۱۹۸۰ بهره برداری از استعداد های زنان و مشارکت اجتماعی آنها در دستور کار دولت ها قرار گرفت و در سال ۱۹۸۹ برنامه ملی در سیاست های کلی مشارکت زنان تدوین شد (۳). ما بین سال های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ برنامه ششم با عنوان «زنان و توسعه» در راستای کار قرار گرفت که به ارتقاء وضعیت زنان در جامعه مالزی پیشرفت قابل توجهی بخشید (۴).

شروع برنامه توسعه هفتم کشور مالزی در سال های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ با کنفرانس بین المللی زنان و مشارکت فعال زنان مالزیایی شروع شد. در سال ۱۹۹۷ کشور مالزی کنوانسیون تدوین کرد که برطبق آن سعی نمود تمام نابرابری های اجتماعی علیه زنان را حذف نماید (CEDAW). در این راستا دولت مالزی متعهد شد موارد زیر را به دقت مورد نظارت و اجرا قرار دهد: حمایت از حقوق زنان در حوزه رفاه اجتماعی، سلامت و بهداشت و آموزش و پرورش؛ حذف تمام رفتارهای تبعیض آمیز علیه زنان؛ ارتقاء ساختار کشور در پیشرفت زنان؛ استفاده از نظرات زنان در تصمیم گیری های مهم (۵).

برنامه هشتم توسعه از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ اوج توجه به مسائل زنان در برنامه توسعه مالزی بود که بر مبنای آن؟ اهداف زیر مورد بررسی و اجرای دقیق قرار گرفت: تقویت سازمان های دولتی و غیردولتی در مسائل مربوط به زنان؛ ارتقاء شرایط سلامت زنان؛ مشارکت و حضور زنان در بازار کار؛ بازنگری و تغییر قوانین به نفع زنان؛ افزایش و توسعه شرایط تحصیلی زنان؛ تقویت رفاه اجتماعی برای زنان. در این راستا ماهاتیر محمد وزارت زنان، خانواده و توسعه را تاسیس نمود و وزیر این وزارتخانه را از میان زنان نخبه انتخاب نمود (۶). در برنامه نهم توسعه در سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ اقداماتی صورت گرفت که در جهت دانایی محوری زنان، تجهیزات لازم برای پیشرفت در این زمینه به زنان اختصاص یافت تا بتوانند در سهم تصمیم گیری های خود در جامعه موفق عمل کنند (۷). از آن زمان فعالیت زنان در تصمیم گیری های مهم به طور چشمگیر محسوس بود. فعالیت قضات زن، ریاست بانک مرکزی و ریاست دانشگاه ها از جمله مناصب مهمی بود که در اختیار زنان قرار گرفت. در برنامه دهم توسعه در سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ مناصب مهم اقتصادی و تجاری و همچنین سیاسی به زنان اختصاص یافت. همچنین قوانینی در جهت رفاه زنان سرپرست خانوار در جهت از بین بردن فقر تدوین شد (۸).

با وجود مخالفت هایی که علیه زنان قاضی صورت گرفت، زنان می توانند به جز جرم های مربوط به اعدام در قسمت های دیگر فعالیت داشته باشند. طبق قوانین مالزی مردان می توانند به راحتی زنان خود را طلاق دهند و زنان می توانند در این صورت سه تقاضای خود را مطالبه کنند: دریافت مخارج مربوط به نگهداری فرزندان، دریافت اجرت المثل و دریافت کلیه دارایی هایی که پس از زندگی مشترک کسب نموده اند. از جمله امتیازاتی که اخیرا به زنان اختصاص یافته است، مرخصی سه روزه شوهران برای زنانی است که می خواهند زایمان

کنند(۹). کابینه مالزی دارای وزیر زن هم بوده است. معاون وزیر زن و منشی های زن نیز در مجلس به وزرا کمک کرده اند(۱۰). جهت آشنایی با برخی شخصیت های مهم سیاسی مالزی، لیست وزرای زن مالزی در دهه های اخیر و گذشته به شرح ذیل ارائه می گردد:

- فاطمه هاشم وزیر رفاه اجتماعی ۱۹۶۹ دوره تونکو عبدالرحمن
- فاطمه هاشم وزیر رفاه اجتماعی ۱۹۷۰ دوره عبدالرزاق حسین
- عایشه غنی وزیر رفاه عمومی ۱۹۷۳م
- عایشه غنی وزیر رفاه عمومی ۱۹۷۶ دوره حسین اون
- رفضه عزیز وزیر شرکتهای عمومی ۱۹۸۰
- عایشه غنی وزیر رفاه عمومی ۱۹۸۱ دوره ماهاتیر محمد
- رفضه عزیز وزیر تصدی های عمومی ۱۹۸۱
- ناپسیه عمر وزیر شرکت های عمومی ۱۹۸۷
- رافیده عزیز وزیر تجارت و صنعت ۱۹۸۷م
- ناپسیه عمر وزیر وحدت ملی و توسعه اجتماعی ۱۹۹۰
- رافیده عزیز وزیر تجارت و صنعت بین المللی ۱۹۹۰
- زاله اسماعیل وزیر وحدت ملی و توسعه اجتماعی ۱۹۹۵
- سیتی زهرا سلیمان وزیر وحدت ملی و توسعه اجتماعی ۱۹۹۹
- شهریزات عبدالجلیل وزیر توسعه امور زنان و خانواده ۲۰۰۱
- رافیده عزیز وزیر تجارت و صنعت بین المللی ۲۰۰۳ دوره عبدالله احمد بداوی
- شهریزات عبدالجلیل وزیر توسعه امور زنان، خانواده و جامعه ۲۰۰۳
- سیتی زهرا سلیمان وزیر وحدت ملی و توسعه اجتماعی ۲۰۰۳
- آزلینا عثمان سعید وزیر ورزش و جوانان ۲۰۰۴
- ازالینا عثمان سعید وزیر گردشگری ۲۰۰۸
- نگ ین ین وزیر توسعه زنان، خانواده و جامعه ۲۰۰۸

- نگین وزیر گردشگری ۲۰۰۹ دوره نجیب رزاق
- شهریزات عبدالجلیل وزیر توسعه امور زنان، خانواده و جامعه ۲۰۰۹
- نانسی شکری وزیر در وزارت نخست وزیری ۲۰۱۳
- روحانی عبدالکریم وزیر توسعه زنان، خانواده و جامعه ۲۰۱۳
- ازالینا عثمان سعید وزیر در وزارت نخست وزیری ۲۰۱۵
- وان عزیزه وان اسماعیل معاون نخست وزیر ۲۰۱۸ ماهاتیر محمد
- رینا هارون وزیر توسعه روستایی ۲۰۱۸
- یو بی ین وزیر انرژی، فناوری، علوم، تغییرات آب و هوا و محیط زیست ۲۰۱۸
- ترزا کوک وزیر صنایع اولیه ۲۰۱۸
- نانسی شکری وزیر گردشگری، هنر و فرهنگ ۲۰۲۰ دوره محی الدین یاسین
- زریده کمارالدین وزیر مسکن و دولت محلی ۲۰۲۰
- رینا هارون وزیر توسعه زنان و خانواده ۲۰۲۰
- حلیمه محمد صدیق وزیر وحدت ملی ۲۰۲۰
- نوراینی احمد وزیر تحصیلات عالی ۲۰۲۰
- نانسی شکری وزیر گردشگری، هنر و فرهنگ ۲۰۲۱ دوره اسماعیل صبری یعقوب
- نوراینی احمد وزیر تحصیلات عالی ۲۰۲۱
- زریده کمارالدین وزیر صنایع و کالاهای گیاهی ۲۰۲۱
- رینا هارون وزیر توسعه زنان، خانواده و جامعه ۲۰۲۱
- حلیمه محمد صدیق وزیر وحدت ملی ۲۰۲۱
- ازالینا عثمان سعید وزیر در وزارت نخست وزیری ۲۰۲۲ انور ابراهیم
- نانسی شکری وزیر توسعه زنان، خانواده و جامعه ۲۰۲۲
- هانا یوو وزیر ورزش و جوانان ۲۰۲۲
- فضلینا سیدک وزیر آموزش و پرورش ۲۰۲۲
- زلیحه مصطفی وزیر بهداشت ۲۰۲۲

نه تنها در سیاست بلکه در زمینه های مختلف، زنان مالزیایی با حمایت دولت سعی می کنند که در جامعه و خانواده فعالیت شایانی داشته باشند اما با توجه به استانداردهای جهانی هنوز تا رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله دارند.

منابع

۱. <http://www.ncwomalaysia.org.my>. (۲۰۱۲) The National Council of Women's Organizations in Malaysia (NCWO).
۲. <http://www.pmo.gov.my>. (۲۰۱۳) Malaysia as a Fully Developed Country, Office of the Prime Minister of Malaysia.
۳. فصلنامه پژوهش زنان: مقاله «نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی» الهه کولایی و محمد حسین حافظیان
۴. www.pmo.gov.my. (۲۰۱۳). The Sixth Malaysia Plan (۱۹۹۰-۱۹۹۵). ۲۰۱۳, Official Website Prime Minister, s Office of Malaysia.
۵. <http://www.pmo.gov.my>. (۲۰۱۳). The Seventh Malaysia Plan (۱۹۹۶-۲۰۰۰). ۲۰۱۳, Official Website Prime Ministre, s Office of Malaysia.
۶. نشریه زن در توسعه و سیاست: مقاله «مطالعه تطبیقی وضعیت و جایگاه زنان در ایران و مالزی» فیروزه اصغری و عطیه هنردوست.
۷. <http://www.pmo.gov.my>. (۲۰۱۳). The Ninth Malaysia Plan ۲۰۰۶-۲۰۱۰
۸. <http://www.pmo.gov.my>. (۲۰۱۳). The tenth Malaysia Plan ۲۰۱۱-۲۰۱۵
۹. سایت حوزه
۱۰. Representatives List of Members, Parliament of Malaysia. Retrieved ۲۰۱۸-۰۸-۰۴.

تهیه شده در حوزه جنوب شرق آسیا